

دین و بین الملل

شماره سی و ششم | مهرماه ۱۴۰۳

۳۶

دین و بین الملل

مهر ۱۴۰۳



انديشگه مرصاد
Mersad Center For Strategic Studies
مركز مرصاد للدراسات الاستراتيجية



معاونت ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه
معاونة العلاقات والمهورات الدولية للمحوزات العلمية
Deputy of Relations and International Affairs of the Islamic Seminaries

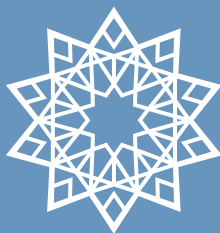
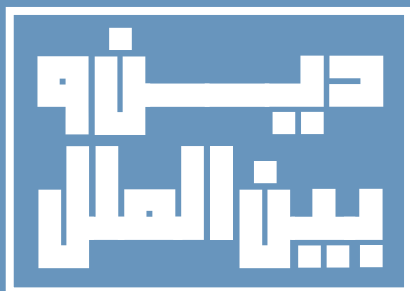
دولت-ملت‌ها، همیشه گرفتار مرزهای خاکی بوده‌اند. اینکه «ملت»‌ها مجبور باشند تا «خود» را در جغرافیایی دوبعدی از «دیگری» جدا کنند می‌تواند از پیامدهای عرفی شدن مفرط حیات بشر در عصر جدید تلقی گردد.

به عکس، «دین» در گستره تاریخی آن مستحکم‌ترین عامل «تعریف» آدمیان از «خود جمعی»‌شان بوده است. اگر هویت‌های لخت جغرافیایی می‌توانند در دولت-ملت‌های مدرن متمثل شوند عجیب نیست هویت‌های سخت‌ایمانی را نیز در کالبد امامت-امت باز شناسیم.

در گذر تاریخ تا به امروز، امامت امت‌های دینی به دست شخصیت‌هایی بوده است که از طریق حکم و حکمت توده پیروان را سیاست کرده و بازیگرانی مهم در تعیین بخشی به حوزه عمومی بوده‌اند. این شخصیت‌ها را صرف نظر از آنکه گاه حقیقی‌اند (چون علما) و گاه حقوقی (چون سازمان‌های دینی)، «نهاد دین» تعبیر کرده‌ایم تا اشارتی باشد بر نقاط تکیه تأثیرگذاری بر جریان امر قدسی در میان توده‌ها.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شماره سی و ششم

مهر ۱۴۰۳



مجلس شورای اسلامی و بین الملل حوزه های علمی

ماهنامه دین و بین الملل

تهیه و تدوین: معاونت ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه
بাহمکاری اندیشکده راهبردی مرصاد

ناظر علمی: سید مفید حسینی کوهساری

سر دبیر: علی امیرخانی

آدرس: قم - ابتدای بلوار محمد امین (ص) - مدرسه علمیه

معصومیه - معاونت ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه

تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۵۲۱۵

آدرس پایگاه اطلاع رسانی: www.cica.ismc.ir



فهرست

۷

پیش‌گفتار

۹

رخداد

۱۴

نهاد

۱۵

حوزه علمیه نجف اشرف

۱۵

حوزه نجف و محور مقاومت: فصل جدید در همگرایی

۱۹

الأزهر مصر

۱۹

الازهر و سیاست دو پهلوی؛ چرا نامی از السنوار در بیانیه نیست؟

۲۳

سرگردانی الأزهر؛ در میانه حمایت از فلسطین و ادای دین به ابوظبی

۲۵

الزام قانونی الازهر برای پذیرش نظارت قانونی و تجددگرایی

۳۰

سازمان دیانت ترکیه

۱۲ میلیون مخاطب در خارج از کشور؛ هدف‌گذاری سازمان دیانت

۳۰

برای سال ۲۰۲۸

۳۹

افتتاح بزرگترین مسجد بالکان در آلبانی با هزینه سازمان دیانت ترکیه

۴۱

کلیسای کاتولیک

۴۱

انتقاد از سخنان پاپ در مورد نقش زن در خانواده و جامعه

۴۴

انتشار اولین کتاب خاطرات پاپ فرانسیس با عنوان «امید»

۴۷

همکاری چین و واتیکان گسترش می‌یابد

۴۹

کلیسای ارتدوکس

۴۹

اقدام جدید پاتریارک قسطنطنیه برای وحدت بیشتر مسیحیت

۵۲

پرونده

۵۳

شهادت سید حسن نصرالله

۵۳

رهبر جدید حزب الله و چالش ایجاد توازن میان جهاد و همزیستی

۶۵

درگذشت فتح‌الله گولن

۶۵

نگاهی به بنیان‌های فکری جنبش گولن

۷۷

جنگ قدرت در جنبش گولن؛ رهبر آینده کیست؟

۸۶

عربستان و پوست اندازی فرهنگی

۸۶

جوانان عربستانی غوطه‌ور در فرهنگ آمریکایی

۹۱

ظهور فرهنگ چینی در عربستان

۹۷

در نمایشگاه کتاب ریاض ۲۰۲۴ چه گذشت؟

۱۰۳

بنگلادش اسلامی؟

۱۰۳ بنگلادش آینده، بنگلادشی اسلامی خواهد بود

۱۰۶ پیشنهاد اصلاحات اسلام‌گرایانه در دولت بنگلادش

III واتیکان بکتاشی

۱۱۱ تأسیس دولت بکتاشی: پروژه‌ای دیگر از آمریکا برای جنگ افروزی

۱۱۶ از آلبانی تا ترکیه؛ مخالفت‌ها با ایده تشکیل «واتیکان بکتاشی»

۱۲۱ مسیحیت و پرونده‌های آزار جنسی

۱۲۱ انتقاد از پاپ به دلیل سرپوش گذاشتن بر سوءاستفاده‌های جنسی

۱۲۷ غرامت‌های کمرشکن کلیساهای آمریکا به قربانی‌های آزارهای جنسی

۱۲۹

دیدگاه

مخاطب جبهه‌ها: چرا تسنن هویتی توئیت رهبری را به خود گرفت؟ ۱۳۰

۱۳۸ مولد النبی(ص)؛ سیاست دینی و ملی کارآمد انصارالله

۱۴۲ «لایحه مفتی» و رقابت‌های فرقه‌ای در مالزی

۱۵۰ پرده برانداختن «۵۰۰ مسلمان»؛ نسخه ۲۰۲۵ رسواتر از همیشه

۱۵۳

گزارش

۱۵۴ سفر «ذاکر نایک» به پاکستان هم‌زمان با تشدید تنش‌ها با هند

۱۶۱ گزارشی از آمار کاراکترهای همجنس‌گرا در آثار هالیوودی

۱۷۲ نگاهی به حضور ملاصدرا در فضای دانشگاهی و نشر ترکیه

۱۸۵ ۵۰ شخصیت یهودی تأثیرگذار در سراسر جهان



پیش گفتار

اگر چه قلم، عاجز از بیان و واژه‌ها ناتوان از شرح عمق سوگواری این مصیبت عظیم‌اند، اما چه زبانی است که خاموش بماند در عزای شهادت مردی که چون کوهی استوار، بر سنگر مقاومت ایستاد و چراغ امید مظلومان را فروزان نگاه داشت؟

سید حسن نصرالله، پرچمدار جهاد و آزادی، آن که صدای مظلومیت فلسطین و فریاد در برابر ستمگران بود، اینک در جوار معبود خویش آرام گرفته است، اما یاد و نام او تا ابد در قلب تاریخ و وجدان آزادگان جهان زنده خواهد ماند. مردی که بادلیرانه‌ترین فریادها، هیبت پوشالی استکبار را لرزاند و خون گرم او، شریان‌های مقاومت را حیاتی دوباره بخشید.

او فقط یک نام نبود؛ او میراثی از ایمان و ایستادگی بود. او روایتی بود از مردانی که جان بر کف، برای آزادی قدس و عزت امت اسلامی، از هیچ فداکاری دریغ نکردند. اگر چه امروز، آسمان مقاومت ستاره‌ای فروزان را از دست داده، اما هر قطره از خون او نهال‌هایی را می‌رویاند که فردا، بار دیگر طوفانی از اراده بر ظلم خواهد وزید.

این شهادت، پیامی است به جهانیان: راه مقاومت هیچ‌گاه خاموش نخواهد شد، زیرا خون شهیدان، چراغ این مسیر است. آری، سید حسن نصرالله رفت، اما پیام او جاودانه ماند؛ که سرخم نکردن در برابر ستم، ایمان به وعده الهی و پایداری در راه حق، پیروزی نهایی را به همراه خواهد داشت.

به سوگ می‌نشینیم، اما با غرور و افتخار؛ زیرا هر شهید، مشعلی است که مسیر مبارزه را روشن‌تر می‌سازد. ای سید مقاومت، آرام باش در پیشگاه معبودت، که ملت‌های ستم‌دیده از شجاعت و ایمان تو، الهام گرفته‌اند و پرچمی که تو برافراشتی، هرگز بر زمین نخواهد افتاد.

سید مفید حسینی کوهساری

معاون ارتباطات و بین‌الملل حوزه‌های علمی

رخ داد

مفتی لیبی: علیه دشمن صهیونیست با شیعیان صف واحد تشکیل دهیم

شیخ صادق الغریانی، مفتی اعظم لیبی، در پیامی تصویری تأکید کرد مسلمانانی که با آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی هم‌پیمان شده یا با رژیم‌های مستبد عربی سازش کرده‌اند، به جنایات دشمن مشروعیت می‌بخشند و باید حمایت سیاسی، مالی و نظامی خود را از دشمن قطع کنند. وی با انتقاد از بی‌توجهی به مظلومیت فلسطین، جهاد را وظیفه‌ای واجب برای همه مسلمانان دانست و از جبهه‌های مقاومت خواست با واکنش هدفمند علیه صهیونیست‌ها به یاری فلسطینیان بپردازند. الغریانی همچنین بر ضرورت اتحاد مسلمانان، از جمله با شیعیان، در برابر دشمن صهیونیستی تأکید کرد و هرگونه انفعال را به سود دشمن دانست.^۱

تروریک سیاستمدار مسلمان هندی در بحبوه تنش مذهبی در هند

بابا صدیقی، سیاستمدار مسلمان هندی و عضو حزب کنگره ملی هند، در تیراندازی افراد مسلح ناشناس در بمبئی ترور شد و در بیمارستان درگذشت. پلیس دو نفر از عاملان حمله را دستگیر کرد، اما انگیزه ترور را اعلام نکرد. این حادثه در پس‌زمینه تنش‌های مذهبی و طایفه‌ای مداوم در هند رخ داد. دیده‌بان حقوق بشر در گزارشی افزایش خشونت علیه مسلمانان را ناشی از سخترانی‌های نفرت‌پراکنانه نارندرا



مودی، نخست وزیر هند، و سیاستمداران نزدیک به او دانست که رویکرد توجیه خشونت علیه مسلمانان را اتخاذ کرده اند.^۱

«داشتن نشانه های مذهبی در مدارس سنگال مجاز است»

وزارت آموزش ملی سنگال مصوبه ای صادر کرد که داشتن نشانه های مذهبی، از جمله حجاب و صلیب، را در همه مدارس دولتی و خصوصی مجاز می کند. این قانون که با هدف احترام به تفاوت های مذهبی و تقویت همزیستی تصویب شد، به خلاً قانونی پیشین پایان می دهد. این مصوبه، که نخست بار در ژوئیه اعلام شد و جنجال هایی برانگیخت، در واکنش به مواردی مانند منع حضور دانش آموزان محجبه در برخی مدارس کاتولیک، از جمله مؤسسه سنت ژان دارک در سال ۲۰۱۹، وضع شد. نخست وزیر عثمان سونکو نیز پیش تر تأکید کرده بود هیچ مدرسه ای در سنگال نمی تواند حجاب را ممنوع کند.^۲

چالش قانون آموزش اجباری برای مدارس قرآنی در مراکش

اجرای قانون اجباری شدن آموزش در مراکش مدارس قرآنی را با چالش هایی مواجه کرده است، زیرا برخی کارشناسان معتقدند تحصیل در این مدارس مانع آموزش علوم دیگر در مدارس عادی می شود. در مقابل، طرفداران مدارس قرآنی تأکید می کنند که این مؤسسات قانونی و تحت نظارت وزارت اوقاف فعالیت دارند و انتقال

1 shabestan.news/xkbMc

2 iqna.ir/fa/news/4242012

دانش‌آموزان به مدارس عادی برای یادگیری علوم غیر قرآنی نیز امکان‌پذیر است. اختلاف نظرها بر سر تداخل این قانون با فعالیت مدارس قرآنی همچنان ادامه دارد.^۱

برنامه دولت سوئد برای جرم‌انگاری حجاب اجباری

دولت سوئد در حال بررسی قانونی برای جرم‌انگاری حجاب اجباری و تقویت قوانین علیه خشونت و محدودیت‌های ناموسی است. اولف کریسترسون، نخست‌وزیر، با اشاره به آزار ناموسی که بسیاری از دختران در مال‌موتجر به می‌کنند، اعلام کرد دولت اقدامات جدیدی مانند ممنوعیت ازدواج فامیلی، تشدید مجازات قتل‌های ناموسی و ممنوعیت اجبار به پوشیدن لباس مذهبی را دنبال می‌کند. وی بر برابری جنسیتی و آزادی زنان در انتخاب سبک زندگی تأکید کرد.^۲

ممنوعیت استفاده از رحم اجاره‌ای در ایتالیا

پارلمان ایتالیا قانونی تصویب کرده که سفر زوج‌ها به خارج از کشور برای استفاده از رحم اجاره‌ای را جرم‌انگاری می‌کند. این قانون که با حمایت ائتلاف راست‌گرای جورجیا ملونی و با هدف حفاظت از خانواده سنتی وضع شده، از سوی منتقدان به دلیل محدود کردن فرزندآوری زوج‌های نابارور و همجنس‌گرا به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. پیش از این، رحم اجاره‌ای در ایتالیا ممنوع بود، اما زوج‌ها می‌توانستند

1 iqna.ir/fa/news/4241814

2 iqna.ir/fa/news/4243253

در کشورهای که این روش قانونی است، از آن استفاده کنند. اکنون این اقدام در خارج از ایتالیا نیز غیر قانونی اعلام شده است.^۱

آلمان؛ کاهش مشارکت دانش‌آموزان در درس دینی

شمار دانش‌آموزان شرکت‌کننده در درس دین مسیحی در مدارس آلمان به طور مداوم کاهش یافته و از ۶۹ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۵۳.۷ درصد در سال ۲۰۲۳ رسیده است، در حالی که درس اخلاق با افزایش قابل توجهی به ۲۶ درصد رسیده است. همچنین شمار دانش‌آموزان شرکت‌کننده در درس اسلام به ۵۰ هزار نفر (۰.۷ درصد) رسیده است. کاهش مشارکت در درس دین با کاهش عضویت در کلیساها مرتبط دانسته شده است. پیشنهادهایی برای گسترش درس دین به دانش‌آموزان بدون اعتقاد دینی و تقویت مواجهه با ادیان مختلف مطرح شده است، اما چالش‌هایی در همکاری با دروس جایگزین مانند اخلاق و فلسفه وجود دارد.^۲

1 p.dw.com/p/4ltk8

2 p.dw.com/p/4m0Pr

ایک

حوزه علمیه نجف اشرف



حوزه نجف و محور مقاومت: فصل جدید در همگرایی



فرزندان آیت الله سیستانی میزبان مراسم ختم شهید سید حسن نصرالله
مسئله امر سیاسی در حوزه های علمیه و نسبت دین و سیاست از
دیر باز محل بحث و اختلاف بوده است. ریشه های این اختلاف در تاریخ
معاصر شاید به حوادث مشروطیت و شهادت شیخ فضل الله نوری در
تهران و مرگ مشکوک آخوند خراسانی در نجف بازگردد.

همچنین نباید تأثیر دیکتاتوری صدام و اقتضای «تقیه» در چنین شرایط خفقان آمیزی را نادیده گرفت. با این حال، پس از سقوط صدام و باز شدن فضای سیاسی عراق، حوزه نجف تحت مرجعیت آیت الله سیستانی، فصل نویی در پشتیبانی از مقاومت اسلامی و حضور سیاسی شکل گرفت. از آن جمله حمایت علنی و عملی مرجعیت اعلی در نجف از تشکیل بسیج مردمی «حشد الشعبی» با صدور فتوای جهاد کفایی در مبارزه با گروه تکفیری داعش است.

در یک سال گذشته نیز علیرغم حساسیت حوزه نجف نسبت به اشغالگری رژیم صهیونیستی که از زمان مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، آیت الله سید محسن امین، آیت الله خویی و هم اکنون آیت الله سیستانی همچنان باقی جریان داشته است، اما پس از حادثه دردناک بمباران شیعیان لبنان و شهادت سید مقاومت از حوزه نجف و در ابعاد بزرگتر حوزه سنتی تحرکات جدید و کم سابقه ای ابراز شد که در فضای سیاسی عراق و منطقه تأثیرگذار خواهد بود.

رویدادهای مهم و معناداری که به این همگرایی انجامیده است را چنین می توان برشمرد:

– حضور طلاب و اساتید لبنانی در حوزه نجف از نظر کمی و کیفی جایگاه ویژه ای دارد. سید حسن نصرالله در مصاحبه ای اشاره می کند که در سال ۱۹۷۶ با سید عباس موسوی، از شاگردان ممتاز مرحوم آیت الله العظمی خویی و شهید سید محمد باقر

صدر، در نجف آشنا شد و همین ارتباط و دوستی به مشارکت سید حسن نصرالله در تأسیس حزب الله منجر شد.

- احترام دو دبیرکل پیشین حزب الله به مرجعیت نجف نیز در پیوند عمیق حزب الله با حوزه نجف نقش آفرین بوده است. طبق آنچه آمد، نجف مبدا رشد و بلوغ فکری و اندیشه‌ای دو دبیرکل حزب الله لبنان بوده است و این خود دینی عمیق به حوزه نجف را ایجاد کرده و به مرور زمان و حوادث مختلف تحکیم شده است، عمق این ارتباط را در نامه جناب سید حسن نصرالله به آیت الله سیستانی چند روز قبل از شهادتش می‌توان مشاهده کرد که در پایان آن خود را سرباز مرجعیت اعلی معرفی می‌کنند: «جُندیکم حسن نصرالله».
- اختلافات میان حوزه سنتی و علمای نجف با مرحوم محمدحسین فضل الله به عنوان یکی از مهم ترین حامیان حزب الله لبنان مانع مهمی بود در حمایت صریح از حزب الله به شمار می‌رفت که پس وفات علامه فضل الله کم رنگ شد.
- اگر چه جهاد در برابر رژیم اشغالگر قدس محور اتحاد بوده، اما هم‌رزمی مجاهدین لبنانی و عراقی در برابر داعش نیز تاثیر ویژه‌ای بر تعمیق روابط شده است.
- اتهام سلفی‌گری به جریان‌های جهادی غیرشیعی در منطقه مانند اخوان المسلمین و حماس از جمله دغدغه‌های مهم حوزه سنتی بوده و هست که باعث شد، در حمایت از این

جنبش‌ها با تاملی بیشتری اقدام شود. در مقابل این مساله برای جریان شیعی جنوب لبنان مطرح نیست و نسل‌کشی رژیم اسرائیل یادآور نسل‌کشی شیعیان در منطقه شامات و جبل عامل است.

قدس و مسجدالاقصی از آغاز اشغال همواره محور وحدت جهان اسلام بوده است. اکنون که حزب الله لبنان برای آزادی قدس و مقابله با رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند، و طلیعه همگرایی جریان‌های مختلف در جهان اسلام دیده می‌شود باید این فرصت مهم را راج نهاد و از طرح مسایلی که می‌تواند منجر به شکل‌گیری شکاف گردد دوری کرد.^۱

الأزهر مصر



الأزهر وسياسة دو پهلوی؛ چرا نامی از السنوار در بیانیه نیست؟



پیام تسلیت دو پهلوی الأزهر مصر در خصوص «شهدای مقاومت فلسطین» در شبکه‌های اجتماعی جنجال آفرین شد و به نحوی که به مزاق مخالف و موافق جنبش حماس خوش نیامد. موافقان بر آن باور بودند که عدم ذکر نام سران شهید حماس یک جسارت است و مخالفان نیز که صرف حمایت از جنبش حماس را نادرست می‌دانند اعلام ناخرسندی کردند به این گمان که اقدامات این جنبش برای غزه زیان بار است.

این بیانیه، واکنش‌ها و بحث‌هایی را در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی به دنبال داشت؛ یک کاربر از موضع الزهر تقدیر کرد و گفت: «از نهاد بی طرف و پاک خود تشکر می‌کنیم.» و کاربری دیگر از عدم ذکر نام شهید در بیانیه الزهر انتقاد کرد و پرسید: «نام این شهید چیست؟»

یک کاربر مصری دیگر از الزهر خواست که نام‌ها را ذکر کند و گفت: «ساده‌ترین اقدام در بیان روش حق آن است که نام پیروان جبهه‌ی حق را بیان کنید.»

فردی دیگر با نامی مجعول این بیانیه را ستایش از جنبش «حماس» خواند و شهید دانستن رهبران آن را نامناسب دانست و همراه با رسانه‌های اسرائیلی آنها را تروریست نامید.

احمد الصاوی، سردبیر روزنامه «صوت الزهر» که زیر مجموعه «مشيخة الزهر» است در دفاع از این نهاد در مصاحبه با روزنامه «الشرق الاوسط» گفت: «هدف تنها بیان موضع الزهر بود و این بیانیه نباید محدود به یک شخص خاص می‌گردید. این بیانیه برای تاکید بر موضع شفاف الزهر در خصوص حمایت از مقاومت و حقوق فلسطینیان بیان گردید. ضمن آن که قصد داشت اعلام کند که استفاده از عنوان تروریست برای وصف پیروان جنبش مقاومت قابل پذیرش نیست.»

الصاوی با حمایت از نهاد متبوع خود افزود: «موضع الزهر بیانگر خواسته ملت‌های عرب است که کشتار دسته‌جمعی در غزه را محکوم می‌کنند حال آن که مسئولان آن از زیر بار مجازات فرار می‌کنند و آبروی

آنان از هرگونه عار و ننگ در امان است. اما باید گفت قوانین و معاهدات بین‌المللی بر مشروعیت مقاومت در برابر اشغال خارجی را تأکید می‌کند و تروریست حقیقی تنها نیروی اشغال‌گراست، نه جبهه‌ی مقاومت.^۱

ملاحظه: با تمام این توضیحات پُر واضح است که الازهر آگاهانه از ذکر نام یحیی السنوار طفره رفته است تا بتواند هزینه موضع‌گیری خود را نپردازد و تمام قد پشت جبهه مقاومت قرار نگیرد. از سوی دیگر، صدور بیانیه حداقل انتظار جامعه‌ی متدین مصر به شمار می‌رفت که خواستار موضع‌گیری این نهاد دینی بود. نحوه‌ی شهادت قهرمانانه السنوار که به حقیقت و بدون گزافه‌گویی با دست‌خالی در برابر شلیک سلاح‌های سنگین تا آخرین لحظه مقاومت کرد در عمل سکوت را برای هر وجدان نیمه‌خفته‌ای نیز سخت می‌کرد. امکان صدور دو بیانیه‌ی مجزا چیزی نیست که سران الازهر از درک آن عاجز باشند.

در پایان خاطر نشان می‌گردد که این تفاوت دیدگاه‌ها میان کاربران شبکه‌های اجتماعی در خصوص جنبش «حماس» و موضع‌گیری الازهر، مشابه تفاوت دیدگاه‌ها در رسانه‌های مصری است؛ جایی که برخی از رسانه‌ها از «مقاومت و شهادت آن» تقدیر می‌کنند، و دیگری از جنبش «حماس» و رهبران آن انتقاد می‌کنند. مصطفی بکری، روزنامه‌نگار و عضو پارلمان مصر، در حساب خود در «ایکس» نوشت: «مقاومت با شهادت السنوار، هنیه یا سید حسن نصرالله به پایان نمی‌رسد.»

سرگردانی الأزهر؛ درمیانه حمایت از فلسطین و ادای دین به ابوظبی



دکتر احمد الطیب شیخ الأزهر در جلسه‌ای از محمد خلیفه المبارک رئیس دایره فرهنگ و گردشگری امارات استقبال کرد. المبارک نیز پیام شیخ محمد بن زاید آل نهیان را به وی تسلیم کرد و مراتب قدردانی کشور امارات از نقش پررنگ شیخ الأزهر در گسترش روحیه‌ی تسامح اسلامی، میانه‌روی و مقابله با افکار افراطی را ابراز کرد.

در این دیدار، وزیر بر تلاش‌های امارات در تقویت ارزش‌های تسامح تأکید نمود و این نکته را یادآور گشت که مسجد امام احمد الطیب در ابوظبی به عنوان یکی از برجسته‌ترین اماکن دینی در امارات شناخته می‌شود و به یک مرکز معنوی و فرهنگی مهم تبدیل گردیده است.

احمد الطيب نیز بر روابط مستحکم میان الازهر و امارات تأکید کرد و نقش سازمان‌های فرهنگی امارات و مصر در حمایت از زبان عربی و حفاظت جوانان در برابر افکار افراطی را مهم دانست.^۱

ملاحظه: گفتنی است این جلسه به ظاهر دوستانه تنها چند روز پس از صدور بیانیه کم‌رنگ الازهر در حمایت از مقاومت فلسطین صورت می‌پذیرد که گویا باعث تکاپوی سریع سران اماراتی برای اعمال فشار سیاسی نرم بر این نهاد دینی گردیده است.

در سالیان اخیر، جبهه‌ی عربی عادی‌سازی روابط با اسرائیل تمام توان خود را به کار گرفته است تا با شعار اسلام متسامح و مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز راه را برگسترش هرگونه اسلام سیاسی و ناسازگار در برابر اشغالگری ببندد.

در این میان نهاد الازهر که برای بقای جایگاه کنونی خود در برابر نظام سیاسی السیسی نیازمند یک حامی خارجی است به ناچار به سمت امارات گرایش پیدا کرده است تا بتواند از قدرت مالی و راهبردی این کشور بهره بگیرد.

هزینه این همراهی اجتناب از جبهه‌گیری محکم و یا حتی نزدیک به گروه‌های مقاومت همچون اخوان المسلمین و حماس است. از این رو، این چند خط بیانیه خالی از هرگونه ذکری از نام شهید «یحیی السنوار» واکنش سریع امارات را به گونه‌ای برانگیخت

۱/ شیخ-الأزهر-یستقبل-محمد-خلیفة-المبارک-ر alhorianews.com

که وزیر فرهنگ امارات با پیام مقام نخست این کشور خلیجی به مصر می‌رود و رئیس این نهاد دینی را وامی‌دارد تا بار دیگر با اعلام برائت از اسلام سیاسی کمر همت ببندد تا از شعار نخ نمای تسامح دینی دم بزند آن هم در برهه‌ی بغرنجی که خاک سرزمین غزه به خون جوانان آزادی‌خواهی آغشته می‌شود که شعار مقاومت تا آخرین لحظه و عدم پذیرش همزیستی با دشمن اسرائیلی را سر می‌دهند. دشمنی که چشم طمع به تمامی منافع ملت فلسطین و برخی کشورهای همسایه دارد.

الزام قانونی الزهر برای پذیرش نظارت قانونی و تجددگرایی



نظام سیاسی مصر از طریق وضع قانون تلاش کرد الزهر را وادار به تجددگرایی کند. از این رو، پارلمان بایک لایحه‌ی قانونی موافقت کرد که

مؤسسات آموزشی الازهر را ملزم به اجرای سیاست‌های دولت در حوزه‌ی آموزش می‌کند و مانع از عملکرد این نهاد دینی خارج از چارچوب آموزشی دولت می‌شود. این اقدام پس از تأسیس شورای عالی آموزش در مصر صورت گرفت، شورایی که تحت نظر رئیس جمهور قرار دارد و تصمیمات آن برای همه مؤسسات آموزشی بدون هیچ گونه استثنائی لازم‌الاجرا است.

کمیته‌ی آموزش پارلمان طرح قانونی شورای عالی آموزش را که پیش‌تر در فرآیند گفتگوی ملی به تصویب رسیده و به دولت ارائه شده بود، تصویب کرد. این طرح باعث شد مسیر تجددگرایی در مؤسسه الازهر به اجبار به واقعیت تبدیل شود، آن هم پس از دهه‌ها که الازهر نظام آموزشی خاص خود را داشت و دولت در آن دخالتی نمی‌کرد.

محافل سیاسی در قاهره بر این باورند که الازهر دیگر چاره‌ای جز پذیرش الزامات قانونی دولت برای هماهنگی با تجددگرایی و پایان دادن به ایستایی موجود در مؤسسات ویر مجموعه‌ی خود ندارد. اگر الازهر به این الزام قانونی تن در ندهد خود را در مواجهه‌ی مستقیم با عبدالفتاح السیسی خواهد یافت چرا که السیسی به ایجاد شورای عالی آموزش به عنوان یک اولویت سیاسی و مرتبط با امنیت ملی نگاه می‌کند. این طرح قانونی یک قانون فرادستی صریح است که بر اساس آن شورای عالی الازهر، مانند سایر شوراهای آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، موظف به اجرای سیاست‌های عمومی است که شورای عالی آموزش تعیین می‌کند. این شورا موظف است هر شش ماه گزارشی از اجرای این

سیاست‌ها ارائه دهد. این سیاست‌ها باید منعکس‌کننده چشم‌انداز و دستورالعمل‌های دولت باشد.

شورای عالی آموزش شامل نه وزیر از جمله وزرای دفاع و کشور است. تشکیل این ترکیب از وزراء عالی مقام پیام روشن و قاطعی از سوی دولت است که هیچ‌گونه کوتاهی یا سهل‌انگاری در اجرای سیاست‌های آموزشی دولت پذیرفته نخواهد شد. این موضوع به‌عنوان یک مسأله‌ی امنیتی و سیاسی مهم تلقی می‌شود و اجرای آن برای تمامی نهادهای آموزشی کشور اجباری است.

دولت مصر سال‌ها تلاش کرد تا ال‌زهر و رهبران آن را قانع کند که با طرح‌های توسعه و تجددگرایی در آموزش، از جمله به‌روزرسانی روش‌های تدریس و پاک‌سازی مؤسسات از افراد افراط‌گرا همراه شوند، اما ال‌زهر به مسیر مخالف خود ادامه داد تا اقشاری از جامعه را که علاقمند به سنت‌گرایی و مخالف تجددگرایی هستند در جبهه خود جذب کند.

با وجود اینکه نظام آموزشی ال‌زهر بر اساس دیدگاه بسته رهبران دینی‌اش شکل گرفته است، اما دولت پاسخ‌گوی تبعات آن در ابعاد مختلف است. ناتوانی دولت در مداخله برای اصلاح مسیر آموزش ال‌زهر منجر به ایجاد تفکرات انحرافی در عرصه‌ی دین و فرهنگ کشور شد که پیامدهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی خطرناکی داشت.

چشم‌انداز اعلام‌شده از سوی دولت مصر نشان می‌دهد که دیگر تحمل رفتار ال‌زهر به‌عنوان یک دولت درون دولت را ندارد. ال‌زهر

به عنوان مخالف دستورالعمل‌های دولت در موضوع حساس آموزش ظاهر شده و همچنان از پذیرش نظارت دولتی سر باز می‌زند تنها به این سبب که نفوذ و محبوبیت خود را در میان طرفدارانش حفظ کند.

الزهر نظام آموزشی خود را به عنوان موضوعی دورن نهادی به شمار می‌آورد و هیچ نهاد دولتی را مجاز به تعیین تکلیف در این زمینه نمی‌داند. این در تضاد با دیدگاه دولت برای تجددگرایی، باز شدن درها به روی فرهنگ‌های مختلف، و آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان برای بازار کار آینده است. این تجددگرایی بخشی از استراتژی دولت در جهت پرورش جوانان مستعد مصری برای مواجهه با جهان معاصر است.

اختلاف دیدگاه‌ها بین دولت و الزهر منجر به شکل‌گیری دو نظام آموزشی در مصر شده است: یکی مبتنی بر نظام آموزشی معاصر و دیگری وابسته که یک نظام فکری، فرهنگی و آموزشی تحجرگرا.

در نتیجه وجود این دو نظام آموزشی، دولت خود را درگیر چالش اجتماعی می‌بیند، زیرا نتوانسته است یک سیاست کلی را در کشور پیاده کند. سیاستی که فاقد تناقض و دوگانگی در اهداف و رویکردها باشد. چالش‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از این وضعیت همچنان پیش روی دولت است و قادر به حل آنها نیست.

السیسی از پیامدهای منفی اختلاف با الزهر آگاه است، به ویژه در شرایطی که بحران‌های داخلی و خارجی روبه افزایش هستند و نیازمند به مدیریت سیاسی هوشمندانه‌اند. با این حال، او دیگر پذیرای مخالفت‌های الزهر در موضوع حساس تجددگرایی در نظام آموزشی

کشور نخواهد بود، زیرا این مسأله پیامدهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی گسترده‌ای دارد.^۱

سازمان دیانت ترکیه



۱۲ میلیون مخاطب در خارج از کشور؛ هدف گذاری سازمان دیانت برای سال ۲۰۲۸

نویسنده: عبدالله بوزکورت



دولت ترکیه برای گسترش نفوذ ایدئولوژیک و سیاسی خود و با استفاده از مساجد تحت کنترل ترکیه در اروپا و آمریکای شمالی، هدفی را برای رسیدن به نزدیک به ۱۲ میلیون نفر مخاطب در خارج از کشور به عنوان بخشی از عملیات تأثیرگذاری دولت تعیین کرده است.

این هدف در برنامه راهبردی اداره امور دینی (سازمان دیانت) برای سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۸ مشخص شده و محدودیت‌های این هدف خاص، تاکتیک‌ها و راه‌حل‌های پیشنهادی برای رفع محدودیت‌ها شناسایی شده‌است.

بر اساس این برنامه، سازمان دیانت تا پایان دوره استراتژیک قبلی (۲۰۲۰-۲۰۲۴) به ۱۹ میلیون نفر مخاطب رسیده بود و قصد دارد این رقم را تا پایان سال ۲۰۲۸ به ۱۱,۹ میلیون نفر افزایش دهد.

بستر اصلی برای این فعالیت‌های تبلیغاتی مساجد است، اگرچه مکان‌های ویژه‌ای که دوره‌های دینی ارائه می‌دهند نیز توسط دولت ترکیه استفاده شده‌اند. این بسترها از سوی امامان ترکیه‌ای که توسط دیانت به خارج از کشور اعزام شده‌اند، اداره می‌شوند.

عملیات خارجی دیانت به صورت محلی از سوی وابسته‌های دینی و مشاوران مستقر در سفارت‌های ترکیه که از مصونیت دیپلماتیک برخوردارند، نظارت می‌شود. این مقامات مستقیماً به اداره کل امور خارجی (Dış İlişkiler Genel Müdürlüğü)، یکی از سه شاخه اصلی دیانت، که تحت نظارت مستقیم رئیس این نهاد عمل می‌کند، گزارش می‌دهند.

این برنامه افزایش حقوق برای کارکنان سازمان دیانت که به صورت قراردادی کار می‌کنند را توصیه می‌کند، با توجه به اینکه حقوق فعلی برای حفظ کارکنانی که یا شهروند کشورهای میزبان هستند یا اقامت دائم

دارند، کافی نیست. این برنامه بیان می‌کند که افزایش حقوق اکتبر ۲۰۲۲ ناکافی بود و منجر به استعفای بیش از ۱۰۰ نفر از کارکنان شد.

این برنامه اصلاح قانون شماره ۶۳۳ را که به سازمان دیانت می‌پردازد، برای امکان ارائه بسته‌های جبرانی بهتر برای کارکنان قراردادی توصیه می‌کند.

امسال دفتر رئیس‌جمهور اردوغان به دیانت دستور داد تا با سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) که از سوی ترکیه در خارج از کشور تأسیس شده‌اند، به عنوان بخشی از یک برنامه جامع برای تقویت ظرفیت‌های آنها همکاری کند. هدف این است که از انگیزه‌های دینی برای هدایت این NGOها به سمت پیشبرد اهداف سیاسی دولت در کشورهای خارجی استفاده شود.

دفتر ریاست جمهوری همچنین از دیانت خواست تا پرسنل واجد شرایط بیشتری برای مأموریت‌های خارجی ترکیه جذب کند، ظرفیت‌های اداری و فنی آنها را بهبود بخشد و منابع مالی اضافی به سازمان‌هایی که برای «دیپلماسی فرهنگی» مأموریت دارند، تخصیص دهد.

از ابتدای امسال، دیانت گزارش داد که ۵۸۶ نفر پرسنل در خارج از کشور خدمت می‌کنند، از جمله مشاوران و وابسته‌های سفارت، که بیشتر آنها به صورت قراردادی استخدام شده‌اند. با این حال، گزارش داخلی وزارت امور خارجه برای سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که تعداد کل

پرسنل ۱۰۴۹۷ نفر است، از جمله امامانی که برای کار در مساجد و دیگر نهادهای دینی منصوب شده‌اند.

تفاوت در اعداد برآمده از کارکنانی است که برای اشتغال موقت و کوتاه مدت منصوب شده‌اند و همچنین برنامه مخفی که توسط سازمان اطلاعات ترکیه (MIT, Milli İstihbarat Teşkilatı) اجرا می‌شود، که از کارمندان دینی به عنوان پوشش برای اعزام عوامل خود به کشورهای خارجی استفاده می‌کند.

از آنجا که امامان ترکیه‌ای می‌توانند به راحتی در جوامع مهاجر فعالیت کنند و دسترسی مستقیم به سازمان‌ها و شهرداری‌های محلی داشته باشند، این وضعیت فرصتی عالی برای اطلاعات ترکیه فراهم می‌کند تا نه تنها اطلاعات جمع‌آوری کند بلکه افراد بالقوه را در این جوامع شناسایی کند.

اطلاعات جمع‌آوری شده به اطلاعات ترکیه اجازه می‌دهد تا نقاط ضعف در جوامع محلی را شناسایی کند که می‌توانند برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های ملی به نفع دولت ترکیه بهره‌برداری شوند. علاوه بر این، شبکه‌ای از ارتباطات ایجاد می‌کند که می‌توانند در صورت لزوم برای راه‌اندازی اعتراضات و تجمعات در کشورهای خارجی بسیج شوند.

مأموریت اداره کل امور خارجه دیانت به صراحت بر اهمیت هماهنگی فعالیت‌های خود با سایر سازمان‌های دولتی ترکیه، از جمله نهادهای اطلاعاتی، در انتخاب، آموزش و آماده‌سازی پرسنلی که برای خدمت در خارج از کشور منصوب می‌شوند، تأکید می‌کند.

در یک مأموریت گسترده و فراگیر، بخشنامه‌ای که وظیفه این اداره را تعریف می‌کند، بیان می‌کند که «ملزم به انجام هر وظیفه‌ای است که به آن محول شده است»، که ممکن است شامل جاسوسی در خاک خارجی به نمایندگی از اطلاعات ترکیه باشد.

در دهه گذشته، دولت اردوغان به طور قابل توجهی عملیات جاسوسی خود را در خارج از کشور تشدید کرده است، از طریق چندین سازمان دولتی که به طور فعال عوامل، دارایی‌ها و خبرچین‌ها را از شهروندان دوگانه تا اتباع خارجی جذب می‌کنند تا اطلاعات جمع‌آوری کنند.

هدف از این سیاست جدید این است که اهرمی برای دولت اردوغان در مذاکرات با هم‌تایان خود فراهم کند، بر سیاست‌های دولت‌های میزبان تأثیر بگذارد، نمایندگانی برای بسیج اجتماعی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی ایجاد کند و گروه‌های مخالف در جوامع مهاجر ترکیه را سرکوب کند.

در سال‌های اخیر، امامان و مساجد ترکیه در اروپا تحت تحقیقات برای عملیات جاسوسی که منتقدان و مخالفان دولت اردوغان را هدف قرار می‌دهند، قرار گرفته‌اند. بسیاری از کشورهای اروپای غربی، به ویژه آلمان، فرانسه و اتریش، اقداماتی را برای محدود کردن دخالت‌های ترکیه از طریق سازمان دیانت و مساجد ترکیه اجرا کرده‌اند.

برای پیمایش موانع در کشورهای خارجی، برنامه استراتژیک توصیه می‌کند که ترکیه پروتکل‌های همکاری با کشورهای میزبان امضا

کند تا امامان را از بررسی‌های دقیق‌تر محافظت کند. اقدامات پیشنهادی برای رفع چالش‌های امامان ترکیه شامل راه‌اندازی کمپین‌هایی به بهانه آزادی دین، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر برای جذب متحدان و پیگیری تلاش‌های دیپلماتیک است.



ژانویه ۲۰۲۰، آنکارا - علی‌ارباش، رئیس سازمان دیانت ترکیه در افتتاحیه مقرر جدید سازمان اطلاعات ترکیه (MIT) دعا می‌کند

این برنامه همچنین توصیه می‌کند که ترک‌هایی که قبلاً شهروند این کشورها هستند جذب شوند و قبل از منصوب شدن به عنوان امام، در ترکیه آموزش ببینند. برای حمایت از این ابتکار، دیانت ۶۰۸ میلیون لیر ترکیه برای برنامه اختصاص داده است. بیش از هزار دانشجو از اروپا و آمریکای شمالی در ترکیه آموزش دیده‌اند و بسیاری از آنها در حال حاضر در دیانت مشغول به کار هستند.

دیانت هم نیروی انسانی و هم منابع مالی برای تحقق این برنامه بلندپروازانه دولت اردوغان را در اختیار دارد. از امسال، دیانت ۱۴۰۱۸۵ نفر پرسنل در فهرست حقوق بگیران خود دارد، که عمدتاً مرد هستند، بدون احتساب افراد استخدام شده در پست‌های سطح پایه. این سازمان حدود ۹۰۰۰۰۰ مسجد را نظارت می‌کند و بودجه‌ای برای سال ۲۰۲۴ به مبلغ ۹۱,۸ میلیارد لیر ترکیه دارد که افزایش چشمگیری را به میزان ۱۵۱ درصد نسبت به بودجه سال گذشته، ۳۶,۵ میلیارد لیر، نشان می‌دهد. بودجه پیشنهادی برای سال ۲۰۲۵ که در سپتامبر ارائه شده، ۱۳۰,۱ میلیارد لیر ترکیه است.^۱

ملاحظه: مجموع بودجه سازمان دیانت در سال ۲۰۲۴، ۹۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون لیر بوده که بخش مهم آن در بخش حقوق کارکنان (۷۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون لیر) استفاده می‌شود. علاوه بر این مورد که اصلی‌ترین محل مصرف بودجه سازمان دیانت است، ردیف‌های مصرفی بودجه این سازمان به شرح زیر است:

پرداخت حق بیمه کارکنان: ۱۰ میلیارد لیر
خریدهای اقلام مصرفی: ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون لیر
هزینه‌های جاری: ۳۶۱ میلیون لیر
هزینه‌های سرمایه‌ای: ۱ میلیارد و ۳۶۷ میلیون لیر

1 nordicmonitor.com/2024/10/turkey-aims-to-influence-millions-abroad-by-utilizing-mosques-and-government-employed-imams

برپایه گزارش رسمی سازمان دیانت از فعالیت‌های خود در سال ۲۰۲۳، این نهاد در خارج از کشور دارای ۹۰ نمایندگی و رایزنی دینی رسمی بوده است که حوزه جغرافیایی این ۹۰ نمایندگی از شرق آسیا تا آمریکای جنوبی را شامل می‌شود. مجموع نیروی انسانی شاغل به کار در خارج از کشور سازمان دیانت بالغ بر ۲ هزار نفر است که در قالب روحانی مستقر، مبلغ، واعظ، استاد علوم اسلامی، استاد هنرهای اسلامی و... فعالیت می‌کنند. سازمان دیانت در این کشورها نمایندگی رسمی دارد، اما حوزه فعالیتی آن شامل ۱۲۰ کشور است که در ۳۰ کشور باقی مانده از طریق نماینده‌های غیررسمی و یا تشکیلات‌سازی از بومیان فعالیت می‌کند.

نکته قابل توجه در حوزه مصرف بودجه حقوق کارکنان این است که بخش عمده این بودجه برای کارکنان خارج از کشور است (به دلیل پرداخت ارزی به آنها). بر همین اساس در سال ۲۰۲۰ که ریز مخارج آن از سوی سازمان‌های نظارتی منتشر شده است، ۴۰ درصد از بودجه حقوق کارکنان کل سازمان دیانت اختصاص به کارمندان خارج از کشور داشته است.

سازمان دیانت در سال ۲۰۲۳ قریب به ۱۸۰۰ کلاس و دوره آموزش دینی در کشورهای مختلف جهان برگزار کرده است. همچنین این سازمان قریب به ۱۰۰ نفر از کارمندان خود را برای تحصیل علوم اسلامی در کشورهای مختلف -با هدف شناخت

فضای دینی آنجا و نه لزوماً تحصیل صرف- به کشورهای مختلف جهان فرستاده و بورس کامل کرده است.

سازمان دیانت همچنین از ۱۰۷ کشور جهان دانشجویانی را برای تحصیل در رشته‌های مختلف علوم اسلامی در ترکیه بورس کرده است که ضمن عدم اعلام آشکار رقم نهایی حاضران در ترکیه، در سال جاری میلادی میزان مراجعه و درخواست این بورس بالغ بر ۱۰ هزار نفر بوده است.

به نهادها و فعالان حوزه دیپلماسی فرهنگی و مذهبی پیشنهاد می‌شود گزارش فعالیت‌های ۲۰۲۳ سازمان دیانت^۱، به‌ویژه بخش‌هایی که به ارزیابی نقاط قوت و ضعف خود پرداخته‌اند و همچنین متن برنامه راهبردی جدید سازمان دیانت ترکیه که برای دوره چهارساله پیش رو (۲۰۲۴-۲۰۲۸) نگاشته شده است^۲، به تفصیل بازخوانی و تحلیل شود.

1 stratejigelistirme.diyenet.gov.tr/Documents/2023 Yılı Faaliyet Raporu.pdf

2 stratejigelistirme.diyenet.gov.tr/Documents/2024-2028 Stratejik Plan.pdf

افتتاح بزرگترین مسجد بالکان در آلبانی با هزینه سازمان دیانت ترکیه



رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه روز پنجشنبه ۱۹ مهرماه ۱۴۰۳ در سفر به تیرانا، پایتخت آلبانی همراه با ادی راما، نخست وزیر این کشور مسجد «نمازگاه»، بزرگترین مسجد بالکان را افتتاح کرد. ساخت این مسجد که ۵۰ متر ارتفاع دارد، ۹ سال طول کشید و ۳۴ میلیون یورو هزینه داشت. این هزینه را موسسه دولتی ترکیه ای «دیانت» فراهم کرد.

راما در مراسم افتتاحیه خاطرنشان کرد که مسجد نمازگاه در حال حاضر به یک میراث مردمی تبدیل شده است و نمادی از یک دستاورد متمایز برای جامعه آلبانیایی است.

وی از اردوغان برای توجه به نیازهای مسلمانان آلبانیایی و همچنین فراهم کردن امکانات استفاده از توانمندی‌های ترکیه برای ساخت این مسجد در آلبانی قدر دانی کرد.

راما گفت: نسل‌های مختلف شاهد این دستاورد خواهند بود و در مورد روابط دو کشور صحبت خواهند کرد.

وی افزود: مسلمانان آلبانی مدت‌ها منتظر لحظه افتتاح این مسجد بودند. این مسجد نشانی از پیوند برادری دو کشور است.

مسجد نمازگاه بزرگترین مسجد در منطقه بالکان است. سنگ بنای ساخت این مسجد در سال ۲۰۱۵ گذاشته شد و ساخت آن با کمک‌های سازمان دیانت ترکیه به پایان رسید.

رئیس جمهور ترکیه در این مراسم تأکید کرد: این مسجد جدیدترین نماد بیش از شش قرن تاریخ مشترک و برادری بین ترکیه و آلبانی خواهد بود.

در مسجد نمازگاه زیربنایی به مساحت ۱۰ هزار متر مربع دارد و گنجایش ۸ هزار نمازگزار به صورت همزمان را دارد.

این مسجد شامل سالن کنفرانس، کلاس‌های درس، مؤسسه حفظ قرآن کریم، سالن نمایشگاه، کتابخانه، اتاق کار و فرهنگسرا است و همچنین مجهز به آسانسور ویژه معلولان و سالمندان است.^۱

1 fa.shafaqna.com/?p=1899584

کلیسای کاتولیک



انتقاد از سخنان پاپ در مورد نقش زن در خانواده و جامعه



پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، به عنوان بخشی از سفر خود به بلژیک، با حضور در مراسم ششصدمین سالگرد تأسیس دانشگاه «لوون» (UCLouvain) نطقی ایراد کرد.

پاپ در سخنرانی خود بیشتر خواستار اقدام جهانی در مورد تغییرات آب و هوا بود، اما در بخشی از این برنامه به نامه‌ای از سوی دانشجویان و اساتید در مورد نقش زنان در کلیسای کاتولیک پاسخ داد که با جنجال و انتقاد همراه بود.

سوال کنندگان در آن نامه از نقش کلیسا در استحکام بخشیدن به تقسیم ناعادلانه کار و حتی فقر نامتناسب زنان سوال کرده بودند. در بخشی از آن نامه آمده بود: در طول تاریخ کلیسا، زنان به موجوداتی نامرئی تبدیل شده‌اند. پس چه جایی برای زنان در کلیسا وجود دارد؟

پاپ فرانسیس در پاسخ گفت که کلیسا مؤنث است، و خاطرنشان کرد که کلمه ایتالیایی برای توصیف آن، «chiesa» است که یک اسم مؤنث محسوب می‌شود. او در ادامه هیچ جزئیاتی در مورد برنامه‌های بالقوه اصلاحات در این زمینه ارائه نکرد.

پاپ در سخنان خود به نقش زن در خانواده، جامعه و کلیسا پرداخت و گفت: «زن یک پذیرنده باور، نماد رسیدگی و تسلیم‌شونده زنده است.»

او افزود: «زشت است وقتی زن خود را به مرد تبدیل کند... زن، زن است، و همین مهم است.»

این اظهارات پاپ، انتقادهایی را از سوی دانشگاه کاتولیک لوون والونیابه دنبال داشت.

این دانشگاه در بیانیه‌ای گفته است: «دانشگاه لوون عدم توافق و مخالفت خود را در قبال اظهارات و موضع پاپ فرانسیس در مورد نقش زن در کلیسا و جامعه را بیان می‌دارد.»

این بیانیه همچنین می‌افزاید: «همه انسان‌ها باید بتوانند در این دانشگاه و در جامعه خود را شکوفا کنند، آن‌هم صرف نظر از منشأ و تبار،

جنسیت و یا گرایش‌های جنسیتی خود؛ و کلیسا نیز باید همین مسیر را طی کند.»

رئیس دانشگاه: مردان نیز می‌توانند به امور خانواده رسیدگی کنند

دانشگاه لوون همچنین در این بیانیه تاکید کرده است که «تنها می‌تواند عدم توافق خود را با این موضع جبرگرایانه و فروکاهنده» ابراز کند.

فرانسواز اسمتس (Françoise Smets)، رئیس این دانشگاه، در این رابطه گفت: «این یک واقعیت است که مردان هم می‌توانند در امور خانواده مشارکت کنند اما زنان باید در موقعیتی باشند که فراتر از رسیدگی به خانواده، مسئولیتی دیگری نیز بر عهده بگیرند.»

ژان پاسکال ون پیرسل، اقلیم‌شناس در دانشگاه یوسی لویان در مورد این پاسخ پاپ گفت: بیان این مطلب که کلیسایک زن است، به درستی نشان می‌دهد که اونکته اصلی ما جارا امتوجه نشده است.^۱

انتشار اولین کتاب خاطرات پاپ فرانسیس با عنوان «امید»



انتشارات برجسته «پنگوئن» از انتشار کتاب زندگی‌نامه پاپ فرانسیس خبر داد. کتاب «امید» که در ژانویه سال آینده در سطح جهانی منتشر می‌شود، نخستین کتابی است که توسط یک پاپ در حال نشسته نوشته شده است.

پاپ و نویسنده همکار او، کارلو موسو، ناشر ایتالیایی، در طی شش سال گذشته روی این کتاب کار کرده‌اند. برنامه اولیه این بود که پس از مرگ پاپ منتشر شود، اما فرصت انتشار آن در زمان جشن یوبیل ۲۰۲۵ — زمانی اختصاص داده شده به بخشش، تجدید روحانی و جشن در کلیسای کاتولیک که هر ۲۵ سال اتفاق می‌افتد — و همچنین «نیازهای زمان ما»، پاپ را بر آن داشت که آن را در زمان حیات خود منتشر کند.

«امید» داستان زندگی پاپ فرانسیس را روایت می‌کند، از ریشه‌های ایتالیایی او و مهاجرت نیاکانش به آمریکای لاتین، تادوران کودکی، نوجوانی، انتخاب شغل و زندگی بزرگسالی اش و همچنین کل دوران پاپی او تا به امروز را پوشش می‌دهد.

بر اساس اعلام انتشارات پنگوئن «پاپ فرانسیس در بیان خاطرات خود با قدرتی داستانی و صمیمی و با بازتاب شور و اشتیاق‌های شخصی اش، بدون ملاحظه به برخی از لحظات حیاتی پاپی خود پرداخته و با صراحت، شجاعت و دیدگاهی پیشگویانه در باره به برخی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل زمان ما پرداخته است.»

پاپ فرانسیس گفته است: «کتاب زندگی من داستانی از یک سفر امید است، سفری که نمی‌توانم آن را از سفر خانواده‌ام، مردمانم، و همه مردم خدا جدا کنم. در هر صفحه، در هر بخش، این کتاب همچنین متعلق به کسانی است که با من سفر کرده‌اند، کسانی که قبل از من بوده‌اند و کسانی که پس از من خواهند آمد. یک زندگی‌نامه فقط داستان خصوصی ما نیست، بلکه باری است که با خود حمل می‌کنیم. و حافظه فقط آنچه را که به یاد می‌آوریم نیست، بلکه آن چیزی است که ما را احاطه کرده است. این حافظه فقط درباره آنچه بوده نیست، بلکه درباره آنچه خواهد بود نیز صحبت می‌کند.»

موسو در مورد نوشتن این کتاب که شامل مجموعه‌ای از عکس‌های منتشر نشده است، گفت: «این یک ماجراجویی طولانی و شدید بوده است.»

مدیر انتشارات دنیل کرو و شایام کومار سردبیر ارشد انتشارات وایکینگ که این کتاب را در بریتانیا منتشر خواهد کرد، این اثر را «کتابی قدرتمند» توصیف کردند. آنها افزودند: «ما از زنده بودن و صمیمیت نوشته‌های او شگفت‌زده شدیم. این کتاب درباره مسائل بحث‌برانگیزی از درگیری‌های جهانی تا آینده کلیسا تأمل می‌کند و همچنین به علایق پاپ از فوتبال تا تانگومی پردازد.»

کتاب‌های قبلی پاپ شامل «بگذارید رویاپردازی کنیم»، تأملات او در دوران قرنطینه، و «زندگی: داستان من در گذر تاریخ» است که در آن پاپ به وقایع مهم هشت دهه گذشته می‌پردازد. کتاب اخیر بر اساس مصاحبه‌هایی درباره دیدگاه‌ها و تجربیات او از رویدادهای قرن بیستم است، در حالی که «امید» اولین روایت کامل از زندگی او است.

«امید» در ۸۰ کشور در تاریخ ۱۴ ژانویه ۲۰۲۵ منتشر خواهد شد. نسخه بریتانیایی آن توسط وایکینگ منتشر و توسط ریچارد دیکسون ترجمه شده است.^۱

1 theguardian.com/books/2024/oct/16/pope-francis-to-publish-hope-the-first-memoir-from-a-sitting-pontiff

همکاری چین و واتیکان گسترش می‌یابد



پکن روز سه‌شنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۲۴ اعلام کرد که توافقنامه انتصاب اسقف‌های کاتولیک در چین برای یک دوره طولانی‌تر چهار ساله تمدید شد.

سابقه این توافق تاریخی میان واتیکان و چین (به عنوان یک کشور بدون مذهب) به سال ۲۰۱۸ بازمی‌گردد. در این توافق آمده که مقامات چینی در مورد اینکه پاپ فرانسیس چه کسانی را به عنوان اسقف در این کشور منصوب می‌کند، اطلاع‌رسانی می‌کند. این توافق هر دو سال یک بار تمدید می‌شد که با توافق جدید به چهار سال رسیده است.

با این حال این توافق منتقدانی دارد. کاتولیک‌های محافظه کار از این توافق انتقاد کرده‌اند که «کنترل بیش از حد را به چین واگذار می‌کند».

از سوی دیگر این توافق هرگز منتشر نشده، بلکه تنها توسط مقامات دیپلماتیک توصیف شده است. واتیکان می‌گوید که پاپ قدرت تصمیم‌گیری نهایی در انتصاب اسقف‌های چینی را حفظ می‌کند. پاپ فرانسیس نتایج توافق سال ۲۰۱۸ را بسیار خوب توصیف کرده است.^۱

1 fa.shafaqna.com/?p=1906377

کلیسای ارتدوکس



اقدام جدید پاتریارک قسطنطنیه برای وحدت بیشتر مسیحیت



در یک حرکت تاریخی که می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای وحدت مسیحیت داشته باشد، کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه و کلیسای کاتولیک به توافقی نزدیک شده‌اند که از بهار سال ۲۰۲۵ جشن مشترک عید پاک را به رسمیت بشناسند. این اقدام، که به دنبال نشست اخیر هیئت پاتریارک قسطنطنیه در واتیکان انجام شد، می‌تواند اولین گام مهم در جهت تعیین تاریخ واحد برای جشن یکی از مهم‌ترین اعیاد مسیحیان باشد.

طبق اعلامیه رسمی منتشر شده از سوی پاتریارک قسطنطنیه، کلیسای ارتدوکس در یک بیانیه به اتفاق آراء، آرزوی خود را برای تعیین تاریخ مشترک عید پاک ابراز کرده است. این تاریخ مشترک در بهار ۲۰۲۵، نقطه آغاز وحدت بیشتر میان مسیحیت شرقی و غربی خواهد بود.

عید پاک در سال ۲۰۲۵، به دلایل تقویمی، در تاریخ ۲۰ آوریل به طور همزمان از سوی هر دو کلیسا جشن گرفته خواهد شد. هرچند این همزمانی تنها یک تصادف خوشایند است، ولی به گفته‌ی پاتریارک قسطنطنیه، این فرصت می‌تواند سرآغازی برای تعیین تاریخ واحد و دائمی برای جشن عید پاک در سال‌های آینده باشد.

بیانیه پاتریارک به وضوح به اهمیت این همزمانی اشاره کرده و بیان می‌کند که جشن مشترک عید پاک در سال آینده باید تنها یک اتفاق ساده نباشد، بلکه «شروعی باشد برای تثبیت یک تاریخ واحد برای این جشن در سال‌های آینده، مطابق با تقویم عید پاک کلیسای ارتدوکس». این توافق که می‌تواند تحولی اساسی در تاریخ مسیحیت مدرن ایجاد کند، بازتابی از تلاش‌های چندین ساله برای نزدیکی بیشتر میان دو شاخه بزرگ مسیحیت است. کلیسای کاتولیک به رهبری پاپ و کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه، هر دو به دنبال گشودن دره‌ایی تازه برای گفت‌وگو و همکاری‌های بیشتر هستند. یکی از مهم‌ترین موانع میان این دو شاخه، اختلاف در تعیین تاریخ عید پاک است که به دلیل استفاده از تقویم‌های مختلف، گاه با فاصله‌ای چند هفته‌ای جشن گرفته می‌شود.

هرچند این توافق هنوز نهایی نشده است، ولی امید می‌رود که تلاش‌های اخیر بتواند راه را برای یک توافق تاریخی باز کند. تعیین یک تاریخ مشترک برای عید پاک، نه تنها نمادی از اتحاد بیشتر میان کلیساها خواهد بود، بلکه می‌تواند تأثیرات فرهنگی و مذهبی گسترده‌ای در سراسر جهان مسیحی داشته باشد.

علاوه بر جنبه‌های مذهبی، این توافق می‌تواند به تقویت همبستگی میان جوامع مسیحی در سراسر جهان کمک کند و نوعی وحدت در جشن یکی از بزرگترین اعیاد مسیحیت را به نمایش بگذارد. آینده نشان خواهد داد که آیا این توافق به صورت رسمی به اجرا خواهد رسید یا خیر، ولی بدون شک، پاتریارک قسطنطنیه و پاپ در حال ترسیم مسیری جدید برای آینده مسیحیت هستند.

گفتنی است برخلاف کلیسای ارتدوکس مسکو که اختلافات ریشه‌ای و ایدئولوژیک گسترده‌ای با کلیسای کاتولیک دارد، کلیسای ارتدوکس قسطنطنیه همسوبا سیاست و ایدئولوژی غربی‌ها است.^۱



شهادت سید حسن نصرالله



رهبر جدید حزب الله و چالش ایجاد توازن میان جهاد و
هم زیستی

به قلم: مصطفی محمدی



حزب الله نماد شیعیان جان برکف و یکپارچه ای است که در اذهان
ارتباطی عمیق با تصویر جهاد در برابر اهریمن صهیونی دارد و به
شیوه ای ایده آل آن را به اجرا گذاشته است که مخاطب احساس می کند
که اتحاد در برابر دشمن اسرائیلی یک امر اجتناب ناپذیر و روتین است.
تصور ابتدائی آن است اگر دشمنی خارجی کمر به یغمای منافع یک

کشور ببندد دسته‌های سیاسی، اقشار اجتماعی و حداقل پیروان مذاهب دینی-اسلامی دست در دست یکدیگر برخاسته و جبهه‌ای متحد بر ضد تجاوز خارجی شکل می‌دهند.

با این وجود، نگاه واقع‌گرایانه به کشورهای آن منطقه از خاورمیانه به اثبات می‌رساند که این سوگیری بدیهی در زمین واقع نمی‌دهد. درگیری‌های خونین حماس و تشکیلات خودگردان، جنگ داخلی احزاب سیاسی مختلف سوریه حتی پس از حمله ارتش‌های خارجی هم چون ترکیه و آمریکا به خاک آن کشور و درگیری چندساله نظامی میان حزب الله و حزب امل در دهه‌ی ۸۰ میلادی قرن پیشین نمونه‌های روشنی از آن است که تحقق این اتحاد به شدت نیازمند شاخص‌های اجتماعی بسیار پیچیده همانند وجود رهبری کاریزماتیک و غیر طائفه‌ای است. رهبری که بتواند در برابر نفوذ فرانسه، کشورهای عربی خلیج، مصر و اسرائیل مقاومت کند و جبهه‌ی داخلی را با آرمانی متحد در کنار هم گرد آورد. در این جا و بار دیگر این پرسش مطرح می‌شود که آیا شهادت سید مقاومت صدای زنگ خطر را برای اتحاد شیعیان در لبنان به صدا درآورده است یا خیر؟

برای دست یافتن به پاسخ این پرسش باید جامعه‌ی لبنان به صورت کلی و جامعه‌ی شیعیان آن کشور را به صورت ویژه بررسی نماییم.

آغاز محرومیت شیعیان لبنان

در حضور پر اقتدار شیعیان در «جبل العامل» لبنان پیش از حمله‌ی «احمد پاشا» در سال ۱۷۸۱ شکی نیست. اما، پس از آن‌ها له‌ای از مرگ، فقر و محرومیت گسترده بر آنان حکمفرما گردید و فشارهای کمرشکنی بر آنان وارد شد.^۱ پس از سقوط دولت عثمانی و برپایی حکومت قیمومیت فرانسه نیز، در برب همان پاشنه‌ی پیشین چرخید و تغییری در جایگاه شیعیان پدید نیامد. حکومت قیمومیت دست به تقویت مسیحی‌های مارونی زد تا افرادی تندرو و خشونت‌گرا را برای سرکوب گسترده دیگر لبنانی‌ها به کار ببندد.^۲ پس از پایان دوره‌ی قیمومیت، این مارونی‌ها و اهل سنت بودند که با هم توافق کردند و عرصه‌ی سیاست و اقتصاد لبنان را میان خود تقسیم کردند. شیعه با وجود آن‌که بخش قابل توجهی از جمعیت لبنان را شکل می‌داد از هرگونه بهره‌ی مالی و نظامی محروم گردید. این تقسیم‌بندی سیاسی که بر اساس یک سرشماری در سال ۱۹۳۲ و تحت حکومت قیمومیت فرانسه در راستای منافع مسیحیان شکل گرفت در عمل موجب گردید که شیعیان از حقوق عادی شهروندی نیز برخوردار نگردند.^۳ برای مثال، در جنوب کشور لبنان که خانواده‌های شیعه استقرار داشتند حتی یک

1 fa.wikifeqh.ir/جبل_عامل

2 ottomanstds.com/2449/ع-ای-دینی،-بر-اقلیت-های-غربی-ها-بر-اقلیت-های-دینی،-ع

3 iichs.ir/fa/article/24783/لبنان-تاریخی-شکاف-ریشه

بیمارستان نیز وجود نداشت و برای طیف گسترده جمعیت در آن ناحیه فقط یک مدرسه دولتی برپا بود.

موج مهاجرت شیعیان به بیروت

تنگناهای فاجعه بار اقتصادی سبب مهاجرت فوج عظیمی از شیعیان ساکن جنوب لبنان به بیروت گردید. این مهاجرت نه تنها اوضاع و شرایط اقتصادی آنها را بهبود نبخشید بلکه باعث گردید که اکثریت آنان در مشاغلی همچون باربری در بندرگاه‌ها، پیشخدمتی، آشپزی و واکسی مشغول به کار شوند. شغل‌هایی که مزایای اقتصادی کم و مشقت فراوان داشت و کمکی به شیعیان برای حضور در مناصب تصمیم‌ساز کشور نمی‌کرد. به اصطلاح در کمر بند فقر ضاحیه خبری از عافیت نبود.^۱

لبنان در همین برهه‌ی زمانی و پس از استقلال، شاهد دوره‌ای از شکوفایی اقتصادی گردید که حاصل تعامل با کشورهای خلیج و تجارت با کشورهای اروپایی بود. اگرچه، تمام این درآمد در محله‌های مسیحی نشین شرق بیروت و منطقه غرب این شهر که مختص اهل سنت بود هزینه می‌شد. این سیاست مالی ناعادلانه و تبعیض‌آمیز، سبب سطح سواد پایین و دانش آکادمیک اندک در میان توده شیعیان لبنان شد. در واقع، افراد بی‌شماری از آنان در عمل بی‌سواد بودند که سبب فقرزایی تصاعدی می‌گردید.

1 <http://rajanews.com/node/258529>

ورود امام موسی صدر به لبنان



با ورود امام موسی صدر در سال ۱۹۵۹ به کشور لبنان و تلاش آن چهره برای اتحاد شیعیان، نطفه‌ی این امر در قالب تشکیل مجلس اعلای شیعیان تحقق یافت. لیکن، حمایت کشورهای عربی از اهل سنت و کشورهای اروپایی از مسیحیان کشور به شیعیان اجازه نمی‌داد در عرصه‌ی سیاست و یا اقتصاد عرض اندام کنند.

نکته‌ی مهم دیگری که در تضعیف کارزار شیعیان در تمامی این دوره‌های تاریخی نقش بسزایی ایفا کرد چنددستگی شیعیان و عدم قبول مرجعیت واحد دینی بود. هر خانواده از ترس آن که زیر بار نفوذ دیگر خانواده‌ها نرود از پذیرش مرجعیت برخاسته از دیگر خانواده‌ها سر باز می‌زد. شاید یکی از دلایل رغبت شیعیان اهل لبنان به امام

موسی صدر در حقیقت اصالت غیر لبنانی وی بود که موجب عدم تقویت یک خانواده به خصوص در میان جامعه سنتی لبنان می شد.^۱

بازگشت به چند دستگی

اتحاد شیعه که با شکل گیری حزب امل در عرصه ی سیاست لبنان بروزی کوتاه یافت با مفقود شدن امام موسی صدر پس از سفر به لیبی رنگ باخت. بارقه ی امیدی که کمتر از دوده به درازا کشید به سرعت رو به افول گرایید. ابتدا حزب امل به ریاست «نبیه بری» سیاستی در پیش گرفت که سر عناد با روحانیت شیعه داشت. او چهارچوب پر زرق و برق لائیک را در خور خود و حزبش دید. رهبری جدید حزب تنها علاقه داشت در سیاست داخلی نقشی موثر بازی کند و مقاومت در برابر دشمن صهیونی را در صدر اولویت های خود نمی دید. در سوی مخالف، چند روحانی از جمله سید عباس موسوی که رویکرد جهاد محور در برابر دشمن را عامل وحدت شیعیان لبنان می دانستند در سال ۱۹۸۲ از حزب امل جدا شدند و حزب الله را بنیان نهادند.

دهه ی اول حزب الله دهه ی پرفراز و نشیب

حزب الله در هفت سال ابتدایی خود به شکل شورایی اداره می گردید و پس از آن نیز به مدیریت «صبحی طفیلی» سپری شد. اولین دبیر کل حزب الله مشارکت سیاسی در دولت لبنان و حمایت راهبردی -

نظامی سپاه پاسداران از این نهاد را به عنوان یک خط قرمز تلقی می‌کرد.^۱ دیدگاه سیاسی او در تضاد کامل با حزب امل به شمار می‌رفت. [حزبی که نه تنها خواهان مشارکت در دولت لبنان بود بلکه همکاری نظامی یا همان فرمانبرداری از ارتش سوریه را سبب تقویت خود می‌دانست تا جایی که حاضر شد آتش به روی حزب الله بگشاید.]

نگاه سیاسی صبحی طفیلی که چند سال بعد «نهضت گشنگان (ثورة الجیاع)» را برپا داشت نگاهی متمایل به حرکت‌های مردمی آشتی‌ناپذیر و مطالبه‌گری بدون مشارکت در ساخت کشور بود و نمی‌توانست با دولت لبنان، سپاه پاسداران، ارتش لبنان و هم‌پیمانان شیعی خود سر سازگاری داشته باشد. او جنبش‌هایی را پایه‌ریزی می‌کرد که به دشمن صهیونی آسیبی نزد، اما سبب کشته شدن سربازان ارتش لبنان و آتش زدن سازمان‌ها و ادارات دولتی در مناطق محروم لبنان گردید که تاثیری جز افزایش فقر و ناامنی در آن مناطق در بر نداشت. طفیلی پس از دو سال از مدیریت حزب الله کنار گذاشته شد. هدایت چند شورش مردمی دولت این کشور را متقاعد ساخت تا او را محکوم به حصر خانگی کند. «سید عباس موسوی» نیز که دبیر کل دوم حزب الله به شمار می‌رفت فرصتی برای طرح افکار و اندیشه‌های خود نیافت و پس از تنها ۹ ماه به دست ارتش اسرائیل در خاک لبنان ترور گردید.

یک ناامیدی به نام حزب امل



رویکرد حزب امل که پس از امام موسی صدر سیاست مشارکت در دولت را برگزید جز تباهی و خسران برای جایگاه شیعیان لبنان ارمغان دیگری نداشت. امل که آمال خود را در تبعیت از سوریه می دید در سال ۱۹۸۲ گزینۀ ی جنگ با آوارگان فلسطینی را برگزید و با گروه های مارونی که پیش از آن دست به قتل عام شیعیان زده بودند همکاری تنگاتنگی کرد و به اردوگاه های فلسطینیان همچون صبرا و شتیلا یورش برد. این اقدام پایان این رویه ی خطا نبود. در سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ با همکاری ارتش اسرائیل حمله ی گسترده ای علیه آوارگان فلسطینی شکل داد. در حرکتی دیگر، برای تحکیم قدرت خود در پایتخت سیاست فشار بر حزب الله را پیشه کرد و حتی خواستار خلع سلاح این گروه گردید.^۱

1 <http://rajanews.com/node/260733>

در این شرایط اتهام ربایش یک سرگرد آمریکایی توسط نیروهای وابسته به حزب الله را بهانه کرد تا به نیروهای آن حزب در حاشیه‌ی بیروت هجوم برد. ارتش سوریه حامی اصلی این هجوم بود تا بتواند نفوذ ایران در لبنان را مهار کند. این درگیری‌ها بین شیعیان که تا سال ۱۹۹۰ در مناطق مختلف این کشور از جمله بیروت، ضواحی آن و بلندی‌های اقلیم التفاح ادامه داشت تلفاتی بالغ بر ۳۰۰۰ مجاهد شیعه بر جای گذاشت.^۱

حزب امل اگرچه برخواسته از پایگاه اجتماعی شیعیان بود اما در واقعیت تنها بازیگری رده پایین در صحنه‌ی نظامی-سیاسی به شمار می‌رفت که برای بقای خود با اسرائیل، ارتش سوریه و مسیحیان مارونی نیز همکاری کرد و در همان زمان با خیالی راحت اسلحه‌ی خود را به سمت برادران شیعه و مبارزان فلسطینی نشانه می‌گرفت. البته، باید اشاره کرد که این حزب موفقیت‌های اندکی را بدست آورد. حزب امل ریاست مجلس [بدون در اختیار داشتن اکثریت پارلمانی] و چندین وزارتخانه دولتی از جمله امور اجتماعی را به دست گرفت. شایان ذکر است این حزب نتوانست در عرصه‌های کلان اقتصادی و سیاست خارجی نقش بسزایی ایفا کند.

وضعیت شیعیان لبنان همچون کلاف سردرگمی بود. آنان که هم‌پیمان و هم‌آیین به شمار می‌رفتند در زیر آتش دشمن مارونی و صهیونی مشغول نزاعات درونی خونین بودند.

ورود سید حسن نصرالله به عرصه



در سال ۱۹۹۲ و پس از ترور «سید عباس موسوی» به دست رژیم صهیونی، «سید حسن نصرالله» از سوی شورای تصمیم‌گیری حزب الله به عنوان دبیرکل این حزب انتخاب شد. این آغازی بود برای آن تصور از وحدت شیعیان لبنانی در برابر دشمنان داخلی و خارجی. دبیرکل جدید که دوره‌ای معاون نماینده حزب الله در پارلمان بود بر خلاف طفیلی اهمیت مشارکت در ارکان دولت را دریافته بود. در همان زمان اسلحه‌ی خود را نیز به سمت هیچ لبنانی نگرفت. او هدف خود را مقاومت در برابر دشمن صهیونی اعلام کرد. سید مقاومت دست به اقدامات ذیل زد:

- تشویق و ترغیب شیعیان برای حضور در انتخابات سراسری
- جذب گسترده‌ی جوانان حامی مقاومت در برابر رژیم صهیونی
- اهتمام ویژه به ارزش‌های شیعی در رده سنی کودکان و نوجوانان شیعه
- ارتباط با عشایر شیعیان و سازماندهی آنان برای شکل‌گیری یک جامعه جهادی

- آموزش نیروهای مجرب نظامی و لجستیک با کمک‌گیری از پاسداران انقلاب اسلامی

حاصل این اقدامات آن شد که آحاد فراوانی از جوانان بدون درگیری‌های سابق وارد حزب الله می‌شدند و توسط کادرهای آموزشی دوره‌های هدفمند سیاسی و نظامی را پشت سر می‌گذاشتند و به بازوهای پرتوان در تحکیم جایگاه حزب مقاومت و جهاد تبدیل می‌شدند. نتیجه آن گردید که شیعیان بدون واهمه از دعوای طوائفی به این حزب بپیوندند و در عرصه‌ی جهاد سیاسی و نظامی رشد کنند که سبب اتحاد اکثر شیعیان زیر پرچم زرد حزب الله گردید.

زنگ خطر پس از شهادت سید مقاومت

چنانچه اشاره شد مرزهای طائفه‌ای شیعه در لبنان هم‌چنان پررنگ است. دسته‌های گوناگون که چند دهه‌ای از عرضه‌ی اندام محروم گردیده بودند انگیزه‌ای چندبرابری برای رخ‌نمایی دگر باره دارند. شعار آن که شیعیان عرب لبنان نباید تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران قرار بگیرند و یا این خیال باطل که دشمنی با رژیم صهیونی به صلاح شیعیان لبنان نیست و دم از صلحی فریبنده و سستی آور در برابر این دشمنی خونخوار می‌زند. خطرناک‌ترین گفتمان که در میان مذهبی‌ها گسترش دوچندان دارد هویت‌گرایی شیعی با محوریت دشمنی با مسلمانان اهل سنت و اجرای سنت‌های افراط‌گرایانه فراموش شده است.

از این رو، اگر جایگاه رهبری حزب الله را فردی بدون کاریزما و نقشه‌های راهبردی پر کند که توان همزیستی و جهادطلبی جوانان شیعه را مدیریت کند و وحدت شیعیان را خطری هولناک تهدید می‌کند و به انتظار نشستن برای ادامه این اتحاد به صرف وجود دشمن اسرائیلی به دور از ذهن است.^۱

درگذشت فتح الله گولن



نگاهی به بنیان های فکری جنبش گولن

متنی که در ادامه می آید برگرفته از مدخل «فتح الله گولن» از کتاب «اطلس رهبران؛ تصویری از صحنه رقابت داعیان مذهب در جهان اهل سنت» است که جمعی از نویسندگان اندیشکده مرصاد آن را نگاشته و در سال ۱۳۹۴ منتشر کرده اند. برای حفظ امانت و توجه خواننده محترم به زمان و فضای نگارش متن، از اصلاح زمان پریشی برخی افعال و الفاظ پرهیز کرده ایم.

به قلم: حمید عظیمی

بی شک اگر ده نفر از مؤثرترین عالمان زنده مسلمان را نام ببریم، گولن در این لیست جای خواهد گرفت. به علاوه او نامزد مؤثرترین چهره در لیبرالیزه کردن اسلام بوده است. خوجه افندی فتح الله گولن در ۱۹۳۸ در خانواده ای متعلق به سنت صوفیانه آنا تولیایی متولد شد و همچنان به این سنت پایبند مانده است. با این حال ویراست او از این سنت جریانی را شکل داده که تقریباً هیچ مشابهی ندارد.



بنیادگرایی و مصلحت‌گرایی

نام‌گولن غالباً قرین با مدرنیسم اسلامی در فضای رسانه‌ای مطرح شده است و نسبت بسیار ایجابی وی با مدرنیته شبهه‌ای ندارد. آنچه محل دقت بیشتر است نسبت گرفتن مستحکم او با سنت و بنیادهای تعبدی دین است. بسیاری غافل از این ارتباط وثیق او را در رده روشنفکران دینی و در کنار نامهایی چون ابوزید، آرگون، فضل الرحمن و سروش دانسته‌اند. با این حال به عکس این چهره‌ها، او چه در منابع و چه در روش‌های تفسیر تابع همان استانداردهای سنتی صوفی اسلاف خویش است و به ندرت در ادبیات او کار بست متدهای تفسیری غربی یا تشکیک نسبت به متون معیار مشاهده می‌شود.

تلاش‌های وسیع او برای پر کردن شکاف میان ادیان با گفت‌وگو و نفی خشونت و خصومت با غیرمسلمانان، که جلی‌ترین نمود لغزندگی

او در قبال نصوص تلقی شده است، ماهیتاً چیزی متفاوت از انعطاف‌پذیری متعارف صوفیانه نیست. او در آشتی دادن بین مسلمین با علوم مدرن و صاحبان غربی‌اش، به شکل وسیعی به قرآن و حدیث و آثار فقها و اسلاف تصوف ارجاع داده و با مهارت توانسته است دعاوی خود را جایی در دایره سنت اسلامی و لوحاشیه‌اش بنشاند.

نمونه‌ای از نشئت سنتی رواداری او اینکه گولن و پیش از او استادش سعید نوری، دست سازش خود را بیش از همه به سوی ادیان ابراهیمی دراز کرده‌اند. نوری در نامه‌ای به واتیکان خواستار ائتلافی اسلامی مسیحی برای مبارزه با الحاد شده بود و هم‌و در جنگ کره که ترکیه به عنوان متحد آمریکا وارد آن شد، پیروانش را دعوت به ورود به ارتش و جنگ با کمونیسم می‌کرد.

گولن به صراحت از تناسب تمدن غرب برای پیشرفت حیات مادی و مناسبت تمدن اسلامی برای حیات معنوی سخن می‌گوید و غرب‌ستیزی را عامل جاماندن ما از تمدن می‌خواند.

البته اینکه گولن در این سطح روشن‌فکرانه بیندیشد، شبهه‌هایی جدی را برانگیخته است؛ دشمنان کمالیست، جمهوری خواهان تندرو آمریکا و حتی برخی دوستان پیشین شواهد بسیاری را رسانه‌ای کرده‌اند مبنی بر اینکه هدف جنبش گولن در نهایت اسلامیزه کردن ترکیه و تمام کشورهای است که در آنها فعالیت دارد و در این مسیر تکرگرایی تظاهری است برای قریب جریان حاکم.

حتی اگر با سوءظن به شواهد طرح شده توسط این طیف بنگریم باز شکی نیست که گولن با توجه به شرایط محیطی اش در اجتهاد مقابل نص چندان از دیگر سنتی‌ها پیش نیفتاده، بلکه چنین رویکردهایی رهیافت بیشتر جریان‌های صوفیانه امروز است.

آنچه از ممیزات اصلی گولن و منشأ نام جنبش هزمیت (خدمت) محسوب می‌شود، مونتاژ کالوینیسم در داخل اخلاق اسلامی است؛ اخلاقی دینی مشتمل بر کار زیاد، ریسک‌پذیری، سرمایه‌گذاری تولیدی، انباشت ثروت و خدمت‌دهی عمومی که در نگاه ماکس وبر علت اصلی خیزش اقتصادی پروتستان‌ها شد. این مفاهیم چیزی نبود که بدون در نظر گرفتن مصالح مدرن و البته خرج کردن از اقتدار دینی کسی چون گولن در سپهر عمومی متدینان ترک تبدیل به ارزش‌هایی دینی شود.

از دیگر زمینه‌های جلوه‌گری مصلحت در حرکت گولن توجه بیش از اندازه او به مسئله قومیت و هم‌نوایی او با پانترک‌هاست؛ تأکید بر آموزش زبان ترکی و معرفی ترکیه به عنوان الگویی برای جهان اسلام از تم‌های ثابت مدارس گولن است. این خط مشی همچنین از مواضع منفی وی علیه اعراب و فارس‌ها نیز نمایان است. این حد از آمیختن دین با مرزبندی‌های قومی را جز با در نظر گرفتن پس زمینه قوم‌گرایانه در ترکیه آتاتورک نمی‌توان توضیح داد. به نظر می‌رسد گولن چاره‌ای نیافته است جز ترسیم هدفی مشترک با حاکمیت‌های قلمرو ترک‌زبان که بتواند مسیر را برای مشارکت بی‌مانع جنبش در نهادهای مدنی باز کند.

در واقع امر نیز مشاهده می‌شود بخشی از موفقیت‌های جنبش در ترکیه، آذربایجان و آسیای میانه ناشی از همین موضع است.

سلفیت

رفتار گولن در قبال سلفیت شباهت بالایی با دیگر اقران سنتی یا به تعبیر دقیق‌تر، «پساسنتی» خود دارد. او نیز از میان ایده‌های سلفی‌ها احیای اجتهاد را پسندیده است، اما نه برای تعبد بیشتر بر نص که برای فراخ‌تر کردن میدان عمل مجتهد. گولن همانند دیگر حنفی‌ها که در حوزه ترک تبارها و شبه‌قاره اکثریت‌اند، در دسر کمتری برای سازگاری شریعت و مدرنیسم متحمل شده است. به همین جهت نیز او ابوحنیفه را بیش از هر فقیه‌ی می‌ستاید و با تکرار اتهام شبهه در فقیه بودن احمد بن حنبل به سلفی‌ها دهن‌کجی کرده است. با در نظر داشتن باور کلاسیک تساوی مذاهب در اهل سنت، این رویکرد او گویای زاویه‌ای اندک با سنتی‌گری است.

البته این زاویه در حوزه کلام اصلاً رخ نداده و او به تساوی دو مذهب کلامی اشعری و ماتریدی پایبند است. به علاوه، وی به خلاف دیگر مدرنیست‌های اسلامی که با افتخار خود را نومعتزله می‌خوانند، آشکارا به معتزله تاخته و به صورت خاص آرای آنان را در اعتبار زدایی از احادیث، انحرافی و البته نه کفرآمیز دانسته است. از سوی دیگر او کلام‌ستیزی سلفیه و تقید مطلق آنها از ظاهر نصوص را برخاسته از عقاید ظاهریه و نوعی دگماتیسم منفی معرفی می‌کند و از این رهگذر تعلق خود را به

مدرسه سنتی‌ها آشکارتر می‌سازد. گولن همچنین به مانند دیگر نوصوفی‌ها و به تبع اصلاحات کسانی چون شاه ولی الله دهلوی و احمد سرهندی طرفدار نسخه‌ای سازگارتر با قرآن و حدیث از تصوف شده است.

معنویت‌گرایی

زیرسایه‌ی قدرت عثمانی‌ها، سیطره تصوف در آناتولی اساساً هیچ‌گاه با چالشی جدی از طرف وهابیت مواجه نشد. به عکس، این موج لائیسیت و خشونت کمالیست‌ها بود که ضربه کاری را به صوفیه زد و البته هرگز موجب حذف آن نشد. گولن چه از نظر تیار خانوادگی و چه به لحاظ آموزش‌های مدرسی خود، بی‌شک متعلق به بازماندگان همین سنت است. هنوز هم کسانی که او را از نزدیک می‌شناسند سبک زندگی وی را کاملاً آمیخته به زهد و انزوا و ذکر و حالات معنوی صوفیانه توصیف می‌کنند. ارتباط او با شاگردانش نیز به همین شکل است و قریب به صد شاگرد نزدیک او که در محل سکونتش در پنسیلوانیا ساکن‌اند، زندگی‌ای مجرد و معنوی و رابطه‌ای کاملاً عاطفی با مرشدشان را -که اتفاقاً او هم مجرد است- می‌گذرانند. نوشته‌های او تأثیرش را بیش از هر کسی از دو چهره صوفی یعنی نوری و مولوی نشان می‌دهد. او علاقه ویژه‌ای نیز به غزالی و تصوف شریعت‌گرای او دارد گولن همان راه نوصوفی‌ها را می‌پیماید و به همین سبب، سرهندی از اصلی‌ترین مؤسسان این جریان را احیاگر دین در هزاره دوم خوانده است. از نکات

جالب و تناقض نمای عرفان او و البته کل جریان تصوف در آناتولی ارادت آنها به این عربی است که در تصوف عربی کمتر شایع است؛ چه رسد به نوصوفی‌ها!



مهم‌ترین ویژگی گولن در مسلک عرفانی‌اش به هم ریختن قاعده سلسله و بیعت است. مسلکی که او از استادش نورسی به ارث برده و از آن با استناد به عدم تعلق غزالی به سلسله‌ای خاص دفاع می‌کند همین موضع چالش برانگیز منجر به زیر سؤال رفتن اعتبار او توسط سایر

شیوخ صوفیه شده است. گولن با انکار اینکه جریان متبوعش یک طریقت صوفی باشد. این اشکال‌ها را بیجا خوانده با نقد مبانی تعلق به سلسله و طریقت‌ها تلاش کرده است اصحاب طرق را در موضع اتهام قرار دهد. به همین ترتیب مشاهده می‌شود در آثار او ارجاع به صوفیان دوره میانی و مؤسسان بالادستی طریقت‌های کنونی مانند عبدالقادر گیلانی و کمتر از صوفیان شاذلی و پیش‌گفته به کار رفته است.

تصوف هسته اصلی رویکرد گولن به نظام آموزشی را تشکیل می‌دهد. به عکس عمده اسلام‌گرایان که خواستار ورود متون سنتی و آموزش‌های دینی در برنامه‌های درسی هستند گولن منادی آموزشی سکولار و با تمرکز کامل بر یادگیری با کیفیت علوم مدرن است. او نقطه امتیاز تشکیلات عظیم آموزشی خود را مهیا ساختن محیطی معنوی می‌داند که توسط کادری با اخلاق اسلامی و محیطی برکنار از مفاسد اخلاقی به دست می‌آید. این تقریر فرم‌گریز و معناگرا از فلسفه آموزش به قدری وسیع است که مدارس گولن در غرب هیچ مشکلی با آموزش دانش‌آموزان غیرمسلمان ندارند.

جنبش هزمیت تنها جریان صوفیانه‌ای نیست که دست به ورود سازماندهی شده به عرصه‌های اقتصادی زده است. در کنار آن طریقت نقشبندی و هولدینگ «اخلاص» با فعالیت وسیع اقتصادی و همچنین «دارالارقم» در مالزی به عنوان مبتکران سرمایه‌داری صوفیانه مطرح هستند. بدین وصف، دیدگاه‌های گولن در زمینه آموزش است که وجه تمایز اصلی او با دیگر جریان‌های اسلامی خواهد بود.

مشارکت سیاسی

گولن منادی سیاست زدایی از دین و کم و بیش دین زدایی از سیاست است. در نزاع میان حزب رفاه اربکان و نخبگان سکولار ترک او آشکارا طرف سکولارها بود و انقلابی گری اربکان را گذشته از غرب ستیزی از جهت بلند پروازی هایش برای اجرای شریعت تخطئه می نمود.

گفته شد که مشرب صوفیانه او چنین نبوده است که در مقابل هنجارهای پذیرفته شده در شریعت بایستد؛ با این حال در حوزه ظواهر اجتماعی شریعت او نگاهی کاملاً فرم گریز و صوفیانه پیش می گیرد گولن به راحتی دست به دامن تاریخی دانستن این نمودها شده و آنها را جزو متغیرهای دین دسته بندی می کند و با قبول اجتهاد به عنوان ابزاری دائمی تقنین دولت در مقابل شرع را روا می داند. او حتی در غائله ممنوعیت حجاب در دانشگاه ها نیز دعوت به عدم استفاده سیاسی طرفین از این موضوع و طرح آن از نقطه نظر حقوق بشری شد.

وی سیاسی کردن دین را موجب آسیب رسیدن به آن می داند و با تصویر دین به عنوان رابطه ای قلبی میان فرد و خالق تقلیل آن به فرم های اجتماعی را معادل نابودی اش می خواند. گولن تصریح می کند که بیش از ۹۵ درصد دین ناظر به مسائل فردی است و ارضای مطالبات دین در مورد پنج درصد باقی مانده ذیل یک حکومت سکولار که ضد دینی نباشد ممکن است. به علاوه دین هیچ مدل خاصی از حکومت را پیشنهاد نکرده و صرفاً رعایت استانداردهایی محدود از طرف حاکمیت را درخواست می کند. این به معنای بی اعتنایی و اعتزال گولن از دستگاه

حاکمیتی نیست و او با مشروع دانستن حکومت لائیک ترکیه همکاری با آن را به مبارزه با عدم همکاری ترجیح می دهد.

گولن جنبش خود را جنبشی غیر سیاسی می داند و در ظاهر طرف داران خود را به پرهیز از سیاست و تلاش برای کسب قدرت دعوت کرده است. اینکه اینجا نیز چقدر به مدارکی که در فریب دانستن این ظاهر سیاست پرهیز طرح شده است اعتماد کنیم نیازمند بررسیهایی از جنس امنیتی است که از عهده این نوشته خارج است؛ اما این شواهد به قدری بوده است که ها کان یا ووز گولن شناس همدل سابق را به نیت اعضای جنبش بدبین نماید. با این حال روشن است که با این تفسیر حداقلی از اسلام اجتماعی انگیزه گولنیست ها برای به دست گرفتن کرسی های سیاست گذاری بسیار کمتر از رقبای اخوانیشان خواهد بود. گرچه ممکن است کادر اجرایی جنبش که فعالیت شدیدی در ارگان های امنیتی و قضایی ترکیه دارند به موضوع تصاحب قدرت این قدرها ایدئولوژیک نگاه نکنند و نتوانند در مقابل وسوسه قدرت مقاومت نمایند.

تکفیر

بحث تکفیر به طور مستقیم انعکاس مثبت یا منفی چندی در گفتمان گولن ندارد و رویکرد او به این مسئله را باید از تحلیل سایر عناصر فکری وی جست تحلیل این عناصر روشن می کند که صورت و

عمق نگاه گولن نیز به مفهوم اسلام و کفر هم راستای با سایر اقران پیاسنتی خوداست.

جهاد

به تبع موضع گولن نسبت به مبارزه سیاسی علیه غرب یا دولت‌های سکولار نگاه او به مبارزه مسلحانه و جهادی‌گری خود به خود آشکار است. کما اینکه گفته شد او حتی از جهاد فلسطین نیز دل خوشی ندارد.

شیعه و انقلاب

چنان که سخن از آن آمد گولن در حوزه عقیده خود را با قدرت به راست دینی اهل سنت پایبند. نشان می‌دهد و به همین جهت حتی در حد نوسلفی‌ها و توابع محمد عبده نیز تمایلات وحدتی از خود بروز نمیدهد؛ ولو اینکه هیچگاه نیز به قاعده سلفی‌ها دست به تکفیر و طرد نیالوده است. به عوض راهبردهای او را در تقریب و تبعید دیگر عقاید قویاً متأثر از تلقی‌هایش از مصالح مدرن می‌بینیم. بدین ترتیب او همان‌طور که پیش از وحدت درون اسلامی به هم‌گرایی با ادیان غربی روی آورده و آشکارا موضعی منفی در قبال شیعه و بالاخص انقلاب اسلامی اخذ کرده است. او در عین حال که از احترام به حقوق اقلیت علوی ترک سخن می‌گوید سخت بر ایرانیان و باور اثنی عشری آنان تاخته است. این که این تندزبانی به چه میزان بادر نظر گرفتن نگاه‌های غرب و کمالیست‌ها و پان ترک‌ها اظهار می‌شود چندان مشخص نیست ولی

می‌دانیم گولن در بدو پیروزی انقلاب جزو حامیان آن بوده و بعدها به تبع جبهه‌گیری‌اش علیه اسلام‌گرایان ترک ایران را نیز به لیست خصومش اضافه کرده است.

غرب و اسرائیل

پیش‌تر از ریشه‌های آغوش باز کردن گولن برای غرب سخن گفته شد. چنان که از سخنان وی برمی‌آید، او نیز مانند بسیاری دیگر از مسلمانان وقتی خود از نزدیک غرب را دید متوجه شد آنچه اسلام‌گرایان دشمنش می‌پندارند رفتار به مراتب بهتری از حکومت‌های مسلمان با شهروندان مسلمان‌شان دارد گرچه ترک‌ها با چهره خشن، آتاتورک تغییر به سمت غرب را شناخته و بدان بدبین شدند پس از مواجهه مستقیم دیدند که گویی غرب از چیزی که غرب‌گرایان نشان داده‌اند بهتر بوده است.

این ما حاصل سختی است که گولنیست‌ها برای تبرئه غرب در مظلومی که بر جهان اسلام رفته‌پی می‌گیرند. اینکه آیا واقعاً این استدلال خودایشان را قانع می‌کند یا نه، باز هم معلق بر رفتار مرموز و باورهای نه چندان آشکار این جریان است. با این حال شکی نیست که گولن‌چی‌ها فعلاً این عقده‌های سیاسی تاریخی را کنار گذاشته و به دنبال بازسازی روابط اسلام و غرب هستند. گولن از اولین صداهایی بود که در میان مخالفت اسلام‌گرایان و پان‌ترک‌ها و چپ‌ها از مطلوبیت پیوستن به اتحادیه اروپا سخن گفت و شاید می‌دانست که همین موضع روزی

منجر به هموار شدن راه دموکراسی در ترکیه و پایان انحصار قدرت در دست کمالیست‌ها خواهد شد. او برای اثبات حسن نیت خود به غرب و شفاف کردن مرز بندی‌اش با اخوانی‌گری حتی حاضر شد در مناقشه میان اردوغان و اسرائیل بر سر کشتار اعضای کاروان آزادی غزه در کشتی مرمره در طرف اسرائیل بایستد و حرکت کاروان را بر خلاف قوانین بین‌المللی بخواند.

جنگ قدرت در جنبش گولن؛ رهبر آینده کیست؟

به قلم: ابوالفضل اجلی



«فتح‌الله گولن»، رهبر جریان گولن که سال‌ها در آمریکا زندگی می‌کرد، ۲۹ مهرماه ۱۴۰۳ به دلیل عارضه قلبی در سن ۸۳ سالگی در پنسیلوانیا درگذشت.

گولن در زمره متهمان اصلی طراحی کودتای سال ۲۰۱۶ ترکیه علیه دولت رجب طیب اردوغان بود.

مرگ گولن به یکی از پرونده‌های چالش برانگیز در روابط واشنگتن-آنکارا خاتمه خواهد داد، چرا که دولت ترکیه در طول سال‌های گذشته همواره بر استرداد وی از سوی آمریکا به عنوان یکی موضوعات مهم در روابط دو کشور اصرار داشت.

با کهنوت سن و وخامت بیماری فتح الله گولن، رهبر جنبش گولن، آشفستگی و جنگ قدرت برای دوران پساگولن از هم اکنون در میان اعضای این جنبش آغاز شده است. عده‌ای، حتی مرگ چهره‌های مشهور این جریان را مشکوک و نوعی پاکسازی درون سازمانی قلمداد کرده‌اند. این زمزمه‌ها ترس از کشته شدن رادر میان سرکردگان گولنیست فراگیر کرده است. در آخرین مورد، اخبار منتشره حکایت از آن دارد که فتح الله گولن رهبر این جنبش از بیم احتمال استرداد به ترکیه و همچنین ترس از نبود امنیت جانی، قصد مهاجرت از قلعه مستحکم و مورد حفاظت خود یعنی پنسیلوانیای آمریکا به سوئیس را دارد.

تشت و جنگ قدرت

اخبار منتشره از منابع درون جنبش نشان می‌دهد که جنگ قدرت برای دوران بعد از مرگ فتح الله گولن باعث تشتت درون این جریان شده، به طوری که جنبش عملاً به پنج گروه تقسیم شده است:

۱. سنت‌گرایان

سنت‌گرایان رهبر مشخصی ندارند اما از اسماعیل بویوک چلی به عنوان رهبر نانوشته این گروه نام برده می‌شود. این گروه استدلال می‌کنند که آموزه‌های فتح‌الله گولن، حتی آموزه‌هایی که مخالفت ظاهری با دین داشته باشد، حق و تغییرناپذیر است و گولن حتی در مقطع کنونی - که جنبش دچار افول بسیار شده - صاحب حق است و گذشت زمان آن را روشن خواهد کرد. این گروه اعتقاد دارند؛ اشتباهاتی که رخ داده خطای فتح‌الله گولن، رهبر گروه نیست، بلکه ناشی از خطای مسئولین پایین دستی است. هر اتفاقی بیفتد، اعضای سازمان باید تحمل کنند و بدون برهم زدن وحدت و یکپارچگی سازمان به راه خود ادامه دهند. در حال حاضر این دیدگاه در ترکیه طرفداری ندارد، اما در خارج از کشور هنوز قائلین به این دیدگاه وجود دارند.



اسماعیل بویوک چلی

۲. تجددگرایان

این گروه از انتقاد کردن مستقیم از فتح الله گولن، خودداری کرده و مرتباً وفاداری خود را به جنبش اعلام می‌کنند. به باور تجددگرایان، سنت‌گرایان از درک روح زمان عاجز بوده و در گمراه کردن فتح الله گولن مسئولیت بزرگی دارند. آنها سنت‌گرایان را مقصر انشعاب‌های بزرگ در سطح مردم و بی‌اعتمادی در سطوح بالای سازمان می‌دانند. با اینکه این گروه رهبر مشخصی ندارد ولی با توجه به مواضع باز و انتقادی آن به سرعت بزرگ شده و طرفداران زیادی را جلب می‌کند. کسانی که در این گروه هستند از مواردی مانند ایجاد ساختار جدید بر اساس شایستگی و صلاحیت، ایجاد سیستم قابل حسابرسی مبتنی بر شفافیت، پاسخگو کردن دست‌اندرکاران فاسد و مسببان رساندن سازمان به وضعیت تاسف‌بار فعلی دفاع می‌کنند.

۳. گروه مصطفی اوزجان (MÖZ)

مصطفی اوزجان در ۱۹۷۵ در سازمان دیانت مشغول به کار شد. لو در سال ۱۹۷۷ به عنوان معاون مفتی از میرمنسوب شد. در همان سال با فتح الله گولن آشنا شده و به عضویت جمعیت گولن درآمد. وی تا زمان بازنشستگی به عنوان واعظ و روحانی مشغول به کار بود. منابع امنیتی ترکیه از او به عنوان مرد شماره یک غیر نظامی سازمان گولن یاد می‌کنند.

اوزجان از چهره‌های مهم و مورد اعتماد جنبش بوده و در زمان مسئولیت خود در ترکیه مسئولیت طولانی‌مدت کلیه امور مالی جنبش گولن را بر عهده داشت. تسلط بر منابع مالی و اقتصادی سازمان



مصطفی اوزجان

و حمایت برخی جریان‌های آلمانی از او باعث قدرت‌گیری هر چه بیشتر او و ایجاد تیم وفادار به او گردید. او با کنترل کامل فرآیندهای اقتصادی و همچنین حمایت مالی از بسیاری از مسئولین و روحانیون سازمانی

به یک رهبر قوی در سازمان تبدیل شد، تا جایی که حتی عادل اوکسوز را که بار بار روس کوجاکورت همکاری می‌کرد، به سمت خود جذب کرد.

۴. گروه بارباروس کوجاکورت

بارباروس کوجاکورت، از چهره‌های محرم‌الاسرار سازمان است و اطلاعات و روابط مهم و پشت پرده تمام عملیات‌های غیرقانونی سی‌چهل سال اخیر سازمان را در اختیار دارد. گروه تحت امر بارباروس نیز مانند گروه‌های دیگر، رقبای درون‌سازمانی خود را مقصر جلوه داده و رقیبش مصطفی اوزجان و تیمش را هدف حمله قرار می‌دهد. آنها



بارباروس کوجاکورت

می‌گویند مصطفی اوزجان و تیمش تمام پول‌های سازمان را مصادره کرده و مهم‌ترین منابع مالی سازمان، از جمله بانک آسیا، هلدینگ کاینک، توسکون (کنفدراسیون بازرگانان و صاحبان صنایع ترکیه) همگی تحت کنترل مصطفی اوزجان عمل می‌کنند و این تسلط بر منابع مالی سازمان باعث سواستفاده‌های شخصی و افول جایگاه سازمان گردیده است.

۵. جریان‌ات فرصت طلب

این افراد بر اساس موازنه قوا عمل می‌کنند، مانند روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان گولنیست فراری از ترکیه. آنها به نوعی منفعت طلب هستند و موضع روشنی در برابر حوادث و گروه‌های متخاصم نمی‌گیرند.

سعی می‌کنند با نوشتن و گفتن اینکه این بحث‌ها به سازمان آسیب می‌زند، راه میانه‌ای پیدا کنند. برای نمونه، اظهارات اعتراف‌گونه و انتقادات عثمان شیمشک، از چهره‌های نزدیک به فتح الله گولن،



عثمان شیمشک

نسبت به برخی مسائل و روندها در جلسه‌ای که در عمارت گولن در پنسیلوانیا برگزار شد، باعث ضرب و شتم و اخراج او از جلسه و عمارت شد. در بحث اخراج او، هیچ‌کس جز چند نفر نتوانست موضع روشنی اتخاذ کند.

حذف‌های فیزیکی و سایه مصطفی اوزجان

چنین می‌نماید شیمشک در آن جلسه انتقاداتی را علیه روندهای موجود و همچنین شخص مصطفی اوزجان مطرح کرده بود. عثمان شیمشک اعتقاد داشت که فتح الله گولن توسط اطرافیانش هدایت می‌شود و این شامل تلاش برای کودتا نیز می‌شد. بنابراین، او به طور ضمنی اعتراف کرد که سازمان گولن در کودتا دست داشته است. این اعتراف در درون سازمان به اعترافی که منجر به استرداد به ترکیه می‌شود تفسیر شد. مرگ مشکوک مهمت علی شنگول در آلمان در ۲۰۲۱ که در پنسیلوانیا مسموم شده و از او به عنوان وارث فتح الله گولن یاد می‌شد،

باعث شد تا شیمشک به رعب و وحشت بیفتد و از ترس اینکه گولن نیز ممکن است مسترد شده و ممکن است خودش نیز کشته شود تصمیم گرفت باقی مانده زندگی خود را در کشوری غیر از ایالات متحده آمریکا بگذراند.

حال همین گمانه‌ها در پی زمزمه‌های مهاجرت فتح الله گولن از آمریکا به سوئیس مطرح شده و گفته می‌شود او از بیم استرداد به ترکیه و نبود امنیت جانی چنین تصمیمی را در سر دارد.

اما باید پرسید چرا آمریکا که سال‌ها از گولن و جنبش وی حمایت کرده و به خوبی می‌داند که پنیسلوانیا امن‌ترین مکان برای این سازمان است، اجازه چنین مهاجرتی به گولن می‌دهد؟ آیا سوئیس از پنیسلوانیایی که تحت مراقبت سازمان سیاست، امن‌تر است؟

سوئیس کشوری است که مصطفی اوزجان، از مهمترین چهره‌های جنبش گولن خود را برای دوران پسا گولن، آماده می‌کند و کنترل و حاکمیت جریان‌ات آنجا را به دست گرفته است. برخی کارشناسان ترک در پاسخ به این پرسش، مهاجرت گولن را پازلی از نقشه جدید آمریکا علیه ترکیه دانسته‌اند. به اعتقاد این کارشناسان مهاجرت گولن به سوئیس مقدمه‌ای بر برنامه و سیاست جدید چماق و هویچ آمریکا علیه ترکیه است.

جنگ قدرت و تشنت در درون سازمان گولن گروه‌بندی‌های متفاوتی را در درون این سازمان در پی داشته که هر کدام سودای رهبری این گروه را بعد از مرگ فتح الله گولن در سر می‌پروراند. پیش‌بینی

می‌شود تشتت در این سازمان دخالت‌های فراسازمانی هر چه بیشتر کشورهای دیگر و همکاری‌های بیشتر آنها با گروه‌های مذکور در این رقابت رادری داشته باشد.

آنچه مشخص است مصطفی اوزجان به دلیل قدرت مالی بیشتر و ارتباطات موثرتر تا اینجا شانس بیشتری برای اثرگذاری در رهبری بعد از فتح‌الله گولن دارد.

همچنین آنچه مشهود است گروه گولن که بعد از کودتای ناموفق ۲۰۱۶ ضربات بسیاری را در درون ترکیه متحمل شد و بسیاری از اعضایش در ارکان دولت پاکسازی شدند با روند فعلی حاکم بر سیاست ترکیه امکان بازیابی و بازسازی خود را درون ترکیه از دست داده و در خارج از ترکیه نیز آن انسجام سابق را تداومت‌ها نخواهد داشت.^۱

عربستان و پوست اندازی فرهنگی



جوانان عربستانی غوطه ور در فرهنگ آمریکایی؛ سایه سنگین زبان انگلیسی بر سر زبان عربی



گرایش بالای شهروندان و به ویژه جوانان عربستانی به استفاده از لغات و اصطلاحات انگلیسی، آن هم در کشوری که به عنوان مهد زبان عربی شناخته می شود، موضوع جدیدی نیست و دلایل آن به امور متعددی مانند حضور جدی زبان انگلیسی در برنامه درسی دانش آموزان، نفوذ بالای شبکه های اجتماعی در عربستان و حمایت و تشویق دولت از طرح های آموزش این زبان انگلیسی در این کشور بازمی گردد؛

اما با اجرای چشم انداز ۲۰۳۰ از سال ۲۰۱۶ که آموزش زبان انگلیسی را از بدو ورود به دبستان اجباری کرده و اوج گرفتن فعالیت های هیئت الترفیه و رواج شدید برنامه هایی با پیوست فرهنگ غربی، به خصوص بعد از سال ۲۰۲۰، این تمایل اکنون به حدی رسیده که بنابه برخی گزارش ها، نوجوانان و کودکان عربستان تلاش می کنند کاملاً به زبان انگلیسی صحبت کنند.^۱

به گفته خود مقامات سعودی، شمار شهروندان مسلط به زبان انگلیسی در عربستان سالانه ۱۵٪ افزایش می یابد؛ آماری که در مقایسه با دیگر زبان ها (مانند فرانسوی که تنها ۱۵ هزار نفر در عربستان مسلط به آن هستند) آماری قابل تأمل است.

آموزش زبان انگلیسی در مدارس عربستان، تا پیش از این از ششم ابتدایی شروع می شد؛ اما در چارچوب چشم انداز ۲۰۳۰، به اول ابتدایی تغییر کرد که انتقاداتی را از جمله خطر شکل گیری فرهنگ و زبان غیر عربی در ذهن و رفتار کودکان و بیگانگی با فرهنگ بومی را نیز در پی داشته است؛ تاجایی که شبکه سعودی العربیه انگلیسی در گزارشی، به صورت غیر مستقیم به این روند انتقاد کرده، و معتقد است که یک روند روبه رشد در میان جوانان سعودی شکل گرفته که در آن با هم به زبان انگلیسی صحبت می کنند تا «به روز»، «با کلاس»، «مدرن» و «حرفه ای» به نظر برسند.

همچنین بنابه گزارش روزنامه عکاظ، طوفان اصطلاحات و لغات بیگانه به شدت جامعه عربستان را درنوردیده، و اکنون جوانان عربستانی پیوسته حتی در دانشگاه‌ها، مدارس و محل کار نیز از این اصطلاحات استفاده می‌کنند؛ به نوشته عکاظ، مسئله تلخ‌تر و تأسف‌بارتر آن که این پدیده نه تنها در میان عموم مردم؛ اعم از زن و مرد منتشر شده، بلکه حتی به نحوی بسیار آزاردهنده میان فرهیختگان و نخبگان نیز رواج یافته است.^۱

با این حال، عمق فاجعه آنجاست که این روند عملاً از سوی دولت و با حمایت مقامات سعودی، در قالب برنامه‌های مختلف و پسر و صدا فرهنگی، هنری، ورزشی و... ترویج می‌شود؛ روندی که از سال ۱۹۳۶ با اعزام دانشجویان برای تحصیل خارج از کشور با بودجه هنگفت دولتی، کلید خورد و در سال‌های اخیر با اصلاحات اجتماعی-فرهنگی خاندان سلمان، به شدت پررنگ شده است.

هرچند زبان به عنوان دروازه فرهنگ و ارتباطات و عنصری مهم در تحصیلات خارجی دانشجویان عربستانی، نقش به‌سزایی در پیشرفت‌های علمی، آموزشی این کشور داشته، اما تبعات منفی و گاه جبران‌ناپذیری نیز به همراه آورده است. در همین راستا، ریچارد لبارون ضمن یادداشتی در آتلانتیک، ضمن اشاره به «تأثیر قابل توجه طرح بورسیه دانشجویان عربستانی به کشورهای غربی بر خانواده سعودی

و روابط جنسیتی» در عربستان، به مقامات آمریکا توصیه می‌کند دانشجویان بورسیه عربستانی باید با خانواده‌های آمریکایی ارتباط داده شوند تا هم زبان خود را تقویت کنند و هم «در فرهنگ آمریکایی غوطه‌ور شوند» و تبادل فرهنگی لازم نیز صورت گیرد.

قابل انکار نیست که پیشرفت‌های علمی و فناوری و گسترش شبکه‌های اجتماعی، موجی از اصطلاحات و لغات -عمدتاً انگلیسی- را با خود به همراه دارد، که روی دیگر زبان‌ها سایه می‌اندازد؛ زبان عربی نیز از این امر مستثنا نیست. دانشجویان بورسیه عربستانی نیز به دلیل تجربه زندگی در ایالات متحده، دچار تغییراتی در نگاه، فرهنگ و زبان می‌شوند. علاوه بر این، چرخش در گرایش اعتقادی آنها نیز با موج بازگشتشان به کشور، مشخص خواهد شد. آنها ممکن است به مناصب و مشاغل دولتی و تأثیرگذار کشور راه یابند؛ و اینجاست که روند نفوذ فرهنگ بیگانه، شکل و شمایل دولتی به خود می‌گیرد؛ و این مسیر نه تنها با مانعی روبرو نمی‌شود، بلکه مسئولان دولتی نیز آن را تسهیل می‌کنند.

در همین راستا، برنامه بورسیه دانشجویان عربستانی که طی سال‌ها و به دلیل مشکلاتی مانند کمبود بودجه و... دچار تغییر و محدودیت‌هایی شده بود، با روی کار آمدن محمد بن سلمان، رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت. ولیعهد سعودی در قالب چشم‌انداز ۲۰۳۰، از پروژه‌های بلندپروازانه‌ای در زمینه گردشگری و فناوری رونمایی کرد؛

که نه تنها مستلزم بودجه و سرمایه‌گذاری است، بلکه همچنین به نیروی انسانی آموزش دیده و حرفه‌ای نیز نیاز دارد.

در واقع محمد بن سلمان برای اجرای پروژه‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰، برنامه بورسیه دانشجویان را نیز به خدمت گرفت. به عنوان نمونه، اکنون وزارت فرهنگ سعودی دانشجویان را به بهترین دانشگاه‌های جهان می‌فرستد، تا موسیقی، آشپزی، انیمیشن و... را فرا گرفته و پس از بازگشت، در عربستان به کار گیرند.^۱

بنابه گزارش‌ها، برنامه بورسیه محمد بن سلمان، اعزام ۷۰ هزار دانشجوی به ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان تا سال ۲۰۳۰ را هدف‌گذاری کرده است؛ اگرچه در مقایسه با برنامه پیشین که طی آن، ۷۰ هزار عربستانی طی ۱۰ سال، فقط از دانشگاه‌های آمریکایی فارغ‌التحصیل شدند^۲، این رقمی نسبتاً کوچک به شمار می‌آید، اما می‌توان گفت به صورت هدفمند، فرهنگ جامعه سعودی را هدف قرار داده است.

سرمایه‌گذاری گسترده دولت سعودی و نیز دولت‌های غربی روی این فرصت (بورسیه تحصیلی)، به آنجا منجر شده که جوان عربستانی بزرگ شده در جامعه محافظه‌کار دینی و عربی که همواره پیدایش دین اسلام و عربیت زبان قرآن را از افتخارات خود می‌دانسته است، اکنون

1 youtube.com/live/EgrTm8rznH8

2 x.com/SACM_USA/status/982659067045990400

حامل و مروج فرهنگی است که در مغایرت کامل با فرهنگ بومی قرار دارد.^۱

ظهور فرهنگ چینی در عربستان؛ آیا اژدهای سرخ حریف نفوذ فرهنگی پیردامنه غرب می شود؟



روابط میان چین با کشورهای عرب خلیج فارس هیچ گاه تنش زان نبوده و عربستان نیز از این روند مستثنی نیست. از آغاز روابط دیپلماتیک میان عربستان و چین در سال ۱۹۹۰، احترام متقابل در دستور کار طرفین قرار داشته است. در سال های اخیر که حضور اقتصادی چین در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس پررنگ تر شده و بسیاری از کالاهای مصرفی منطقه از این کشور تامین می شوند، نگاه جوامع عرب نیز نسبت به این شریک شرقی مثبت تر شده و در حالی که

جوانان-عربستانی-غوطهور-در-فرهنگ-آمری/moshref.org/1

اعتماد عمومی نسبت به سیاست‌های خاورمیانه‌ای امریکا هرروز در حال افول است، چین توانسته اعتماد رهبران و ملت‌ها را کسب کند. بر اساس پیمایش جوانان عرب که سال گذشته موسسه ASDA'A در دوی انجام داد، پس از ترکیه، چین دومین کشوری بود که جوانان عرب آن را متحد و دوست خود می‌دیدند (۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان چین را انتخاب کردند). در این نظرسنجی امریکا در جایگاه هفتم قرار گرفت.^۱ سخنگوی وزارت خارجه چین این نتایج را حاکی از اعتماد و خلوص در روابط عرب‌ها با چین توصیف کرد.

عربستان سعودی در پی ایفای نقش جهانی همسو با اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰، در زمینه‌های اقتصادی، فناوری و حتی امنیتی، روابط راهبردی با چین آغاز نموده است. در این میان گسترش قلمرو فرهنگی عربستان به عنوان یکی از پایه‌های این چشم‌انداز، ارتقای سطح تبادلات فرهنگی و افزایش قدرت نرم این کشور از جمله اهداف استراتژیکی است که در دستور کار وزارت فرهنگ سعودی قرار گرفته و چین یکی از کشورهایی که عربستان روابط گسترده فرهنگی با آن برقرار کرده و در صدد تعمیق آن می‌باشد. هر دو کشور در پی تعاملات تجاری و اقتصادی فزاینده با دیگری، در پی تعمیم آن به حوزه فرهنگ نیز بوده‌اند و از ابتکارات دیپلماسی فرهنگی استقبال کرده و می‌کنند. به طور کلی روابط فرهنگی میان دو کشور را می‌توان در چند عنوان دسته‌بندی کرد:

زبان

بر اساس توافق قبلی میان دولت چین و عربستان سعودی، در آگوست امسال (مرداد ۱۴۰۳) تعداد ۱۷۵ معلم آموزش زبان چینی از این کشور وارد عربستان شدند تا کار خود را در مدارس ابتدایی و راهنمایی عربستان آغاز کنند. هدف از این اقدام، آشنا کردن نسل جوان عربستان با زبان و فرهنگ آسیایی و به طور خاص چینی بوده تا آنها بتوانند در آینده از مهارت های زبانی خود بهره برده و همچنین در دانشگاه های چین تحصیل کنند.

توجه به مقوله آموزش زبان چینی و همچنین یادگیری زبان عربی توسط چینی ها در جلسات رسمی نیز بازتاب داشته است. سال گذشته در افتتاحیه یک مجمع سرمایه گذاری در جازان عربستان با حضور سفیر چین، دو دانشجوی سعودی به زبان چینی به سفیر خیر مقدم گفتند. این اقدام با تحسین و البته تعجب سفیر چین همراه شد. او نیز در پاسخ در چند جمله کوتاه عربی از آن دو تقدیر کرد.

هنر، موسیقی، فیلم و کتاب

پس از سفر اخیر شاهزاده بدر بن عبدالله، وزیر فرهنگ عربستان، به چین و امضای چندین توافقنامه در زمینه هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی، تئاتر، معماری، طراحی و هنرهای سنتی و صنایع دستی، این همکاری های فرهنگی وارد مرحله جدیدی شد. در همان روزی که این توافقنامه امضا شد، وزارت فرهنگ عربستان از راه اندازی جایزه

شاهزاده محمد بن سلمان برای همکاری فرهنگی بین عربستان سعودی و چین در شعبه کتابخانه عمومی ملک عبدالعزیز در پکن نیز خبر داد. موسم جده در جولای ۲۰۲۴ نیز اقدام به برگزاری نمایشگاهی با نام «برج چین» کرد که در آن آثار و صنایع دستی و سنتی چین به فروش گذاشته شد. علاوه بر این، معماری منحصر بفرد شرقی در این نمایشگاه در معرض دید مخاطبان عربستانی قرار گرفت.^۱

در ادامه فعالیت‌های فرهنگی مشترک میان دو کشور، عربستان به عنوان مهمان ویژه جشنواره بین‌المللی کتاب پکن که در ماه ژوئن ۲۰۲۴ برگزار شد، حضور پیدا کرد. علاوه بر این، در ژوئن سال جاری کتابخانه ملی ملک فهد در ریاض، کتاب‌های چینی اهدایی کتابخانه ملی چین را به مجموعه خود اضافه کرد. این کتاب‌ها - که موضوعاتی از جمله تاریخ، اقتصاد، گردشگری و فرهنگ را پوشش می‌دهند - به زبان‌های عربی و انگلیسی نگاشته شده‌اند که شامل محتواهایی در باب زبان چینی و بخشی از آثار نیز مشخصاً برای کودکان تدوین شده‌اند که فرصتی برای سعودی‌ها برای آشنایی با چین و فرهنگ آن است.^۲

مسئله دیگری که در روابط فرهنگی میان چین و عربستان حائز اهمیت است، تولیدات تلویزیونی و سینمایی است. برای مثال، در سریالی تلویزیونی با نام «ستاره‌ها سفر را آغاز می‌کنند»، گروهی از جوانان چینی به کشورهای مختلف سفر کرده و با فرهنگ آن کشورها

1 arab.news/22k8q

2 arabnews.com/node/2211981/saudi-arabia

آشنایی شوند. در فصل پنجم سریال، این گروه به سه شهر عربستان رفته و مخاطبان چینی را با فرهنگ، زبان، تاریخ و معماری عربستان و به طور ویژه این آشنایی سازد.^۱

گردشگری

دولت سعودی علاوه بر تعامل گسترده با چین در جهت کاهش اتکا به غرب و متنوع سازی همتایان اقتصادی خود، تعمیق روابط فرهنگی با این کشور پهناور شرقی را با هدف به نمایش گذاشتن میراث فرهنگی و تاریخی خود و متعاقب آن، جذب و تبادل گردشگر میان دو کشور دنبال می‌کند. در سال ۲۰۲۳، عربستان سعودی از بیش از صد هزار بازدیدکننده چینی استقبال کرد و این کشور اکنون قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ این رقم را به پنج میلیون گردشگر چینی افزایش دهد. در سال ۲۰۲۳، بزرگترین پویش تبلیغاتی عربستان در چین برگزار شد و بنا بر گزارش حمید فهدالدین، رئیس سازمان گردشگری عربستان، در پی برگزاری این کمپین تبلیغاتی، تقاضای رزور (هتل و بلیط هواپیما) از چین برای ورود به عربستان ۲۷۷ درصد افزایش یافت.^۲

جذب گردشگران چینی نه تنها اولویت عربستان، که هدفی برای سایر کشورهای خلیج فارس نیز به شمار می‌آید و نوعی رقابت میان آنها

1 globaltimes.cn/page/202407/1315306.shtml

2 arabnews.com/node/2416191/saudi-arabia

و عمدتاً میان عربستان، امارات و عمان در جذب توریست‌های شرقی به ویژه چین وجود دارد.

با وجود این اقدامات و گسترش نفوذ فرهنگی چین در عربستان، کشور اخیر همچنان در بخش عظیمی از زندگی اجتماعی مردم شاهد تاثیر فرهنگ غربی و به طور مشخص، امریکایی است. در عربستان همچنان آموختن زبان انگلیسی و تسلط بر آن افتخار و امتیازی ویژه محسوب می‌شود. سبک زندگی جوانان بیش از آن که متأثر از فرهنگ شرقی باشد، از فرهنگ غربی تاثیر پذیرفته است. همچنان در این کشور فیلم‌ها، موسیقی‌ها و شخصیت‌های امریکایی محبوب و پرتعدادند و در فهرست فیلم‌های در حال اکران سینماهای عربستان، زبان انگلیسی حتی از فیلم‌های عربی پیشی گرفته و در حالی که دوگوش متفاوت از زبان هندی در میان فیلم‌های عربستان دیده می‌شود، هنوز اثری از تولیدات سینمایی چین نیست. هر چند سرریز مسائل سیاسی و نظامی در جامعه دیدگاه‌های منفی نسبت به امریکا ایجاد نموده و فضای جامعه را برای پذیرش فرهنگ‌های رقیب شرقی مهیاتر نموده، اما فرهنگ چینی همچنان راهی طولانی برای جایگزین شدن با فرهنگ امریکایی و یا بدل شدن به فرهنگ خارجی غالب در کشورهای عرب خلیج فارس دارد.^۱

1 ظهور-فرهنگ-چینی-در-عربستان؛-آیا-ازدهای/moshref.org

از کتب صحوه و تاریخ صهیونیسم تا محبوبیت رمان های علمی-تخیلی؛ در نمایشگاه کتاب ریاض ۲۰۲۴ چه گذشت؟



نمایشگاه بین المللی کتاب ۲۰۲۴ ریاض با شعار «الرياض تقرأ» که روز پنجشنبه ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۴ در دانشگاه ملک سعود آغاز به کار کرد، فرصتی برای معرفی و رقابت ده ها نویسنده مبتکر سعودی، خلیجی و عرب شده تا جدیدترین کارهای خود را به هواداران عمدتاً جوان خود عرضه کنند.

نمایشگاه ریاض میزبان افراد و کشورهای مختلف بود. قطر به رغم اختلافات آشکار و پنهان سیاسی با سعودی، میهمان افتخاری این دوره از نمایشگاه کتاب ریاض بود که با دو محور بازتاب نقش فرهنگی این کشور در صحنه فرهنگ خلیجی و عربی، و پیوند عمیق فرهنگی و تاریخی با عربستان، در نمایشگاه حضور داشت.

اما شخصیتی که حضورش در این نمایشگاه، بی سابقه و البته بحث برانگیز بود، فرید زکریا، تحلیلگر هندی الاصل امریکایی بود که تا چندی پیش، از مخالفان و منتقدان جدی سیاست های آل سعود به شمار می آمد. زکریا که یادداشت ها و تحلیل های بسیاری در انتقاد از عربستان نگاشته و حتی این خاندان را «شیطان» توصیف کرده بود، اکنون با قرار گرفتن در میان سخنرانان نمایشگاه، تحولات عربستان را همسوی با روندهای جهانی شدن خواند و این کشور را در حال پیشرفت در عرصه های فناوری، فرهنگی و اقتصادی توصیف کرد.

آثار فروش نمایشگاه

عرضه چشمگیر آثار و رمان های تخیلی و جنایی در نمایشگاه کتاب ریاض و استقبال محسوس از اینگونه آثار را می توان در راستای گرایش گسترده جوانان عربستانی به این سمت دانست؛ نکته جالب توجه آنکه نجاج سلامه، نویسنده جوان اردنی که با سه اثر خود در ژانر فانتزی و تخیلی در نمایشگاه حضور داشت، می گوید پس از خودداری ناشران کشورش از همکاری با او؛ به این دلیل که اعتقاد داشتند این گونه آثار مخاطب چندانی ندارد، سرانجام این یک ناشر سعودی بوده که انتشار رمانش را بر عهده گرفته است.

با این حال، اقبال ملموس سعودی ها به آثار تخیلی و جنایی، علاوه بر آن که تازگی ندارد، محدود به جوانان عربستان هم نیست. در این راستا، اواخر اردیبهشت ماه گذشته، آثار نویسنده ای سعودی به نام

«اسامه المسلم»، معروف به «هری پاتر جهان عرب» در نمایشگاه کتاب رباط - پایتخت مغرب- با استقبال گسترده جوانان این کشور مواجه شد. «المسلم» که در این نمایشگاه ریاض نیز حضور دارد، با آمیختن ژانر تخیلی و فانتزی تاریخی، توانسته خیل عظیمی از نسل جوان عرب را جذب آثارش کند.

پرداختن به اثر این نویسنده و آثاری از این قبیل، از دو جنبه حائز اهمیت است. اول این که جهان عرب و به خصوص عربستان، با ادبیات مدرن و جهان تخیل بیگانه نیست و به ادبیات پست مدرن قدم نهاده است. نکته دیگر توجه به اِلِمان‌های تاریخی و ملی در محتوای این داستان‌هاست. این ژانر داستانی علاوه بر جذب جوانان، همسو با تلاش دولت سعودی برای ایجاد یک هویت ملی با اتکا بر مولفه‌های تاریخی پیش از اسلام و نمادهای جهان باستان است. این رویکرد دولت عربستان را می‌توان از توجه هدفمند برخی کاربران مجازی به بت‌های مورد پرستش دوران جاهلیت و ترویج آداب و رسوم مربوط به آن زمان گرفته تا حمایت دولت از نویسندگانی مانند المسلم و یا پذیرش و انتشار محتواهایی این چینی از او و دیگر نویسندگان دریافت.

استقبال پرشور دختران و پسران جوان از این طیف نویسندگان و ایجاد صف‌های طولانی برای امضا گرفتن از آنها از یک سو، و بازتاب گسترده آن در رسانه‌های عربی از سوی دیگر، حاکی از وجود روند جدیدی در میان نسل جدید جامعه عرب است؛ نسلی که متعاقب

تاثیرپذیری بسیار از دنیای مجازی، در پی فاصله گرفتن بیشتر از دنیای واقعی و ملموس اطراف بوده و تمایل بسیاری به داستان‌های علمی-تخیلی از خود نشان می‌دهند که گویی عطش آنها برای تجربه جهان‌های مختلف را سیراب می‌کند.

این گرایش به آثار ادبیات جدید از سوی جوانان به مذاق رسانه‌های سعودی از جمله ایدئیندنت عربی^۱ بسیار خوش آمده است. این خبرگزاری به میزان محبوبیت آثار علمی-تخیلی جدید اشاره کرده و مدعی شده اقبال به کتاب‌هایی که بر اساس اندیشه و ایدئولوژی «صحوه»؛ که متأثر از اخوان المسلمین بوده و منتقد اصلاحات اجتماعی مخالفت و متضاد با شریعت است را بسیار اندک توصیف کرد. بر اساس این گزارش، هر چند انتشار کتاب‌های نویسندگان جریان صحوه، که اغلب بزرگان و مؤثرین این جریان اکنون در زندان هستند، در دوران بن سلمان و توسط دولت بسیار محدود شد، اما این رسانه سعودی مدعی است، اکنون خود جوانان از محتواهای این چینی فاصله گرفته‌اند و دیگر علاقه‌ای به آنها ندارند.

تاریخ اسرائیل و صهیونیسم موضوع مهم دیگری بود که به شدت توجه بازدیدکنندگان نمایشگاه ریاض را به خود جلب کرد. بنابه گزارش رسانه‌ها، کتاب «موسوعة اليهود و اليهودية والصهيونية» (دائرة المعارف یهودیان، یهودیت و صهیونیسم) یکی از پرفروش‌ترین‌های

1 independentarabia.com/node/609062

نمایشگاه بوده است. عبدالوهاب المسیری در این دانشنامه ۸ جلدی که سال ۱۹۹۹ در مصر منتشر شده، تحلیلی جامع و عمیقی از صهیونیسم و ریشه‌های تاریخی و ایدئولوژیک آن ارائه می‌دهد. او همچنین تعریف‌هایی دقیق از یهودیت، صهیونیسم و یهود، و تفاوت آنها و نیز اهداف صهیونیسم ارائه داده و در ادامه، به نقد پارادوکس‌های درونی این جنبش سیاسی می‌پردازد.

اهمیت این استقبال گسترده جوانان عربستانی به ویژه در سایه جنگ وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه غزه و لبنان، و فراتر از آن، گمانه‌زنی‌های گسترده پیرامون عادی‌سازی دولت سعودی با این رژیم، دوچندان می‌شود. گزارش اخیری که از دیدار چندماه پیش بن سلمان با بلینکن، وزیر خارجه آمریکا منتشر شده است مدعی است ولیعهد سعودی در ارتباط با مسئله عادی‌سازی گفته است که موضوع فلسطین برای من شخصاً اهمیتی ندارد، اما برای مردم ما مهم است. در صورت صحت این گزارش که چندان دور از ذهن نیست و اماره‌هایی بر صحت آن وجود دارد و با توجه به اقبال مخاطبان به کتابی قدیمی راجع به صهیونیسم، این گزاره که جامعه عربستان، تا حد قابل تأملی نسبت به مسئله فلسطین حساسیت نشان می‌دهد و این نقل قول از بن سلمان، همخوانی خوبی با واقعیت دارد؛ و البته ادعای خطرناک‌سازی سعودی مبنی بر به حاشیه رفتن جریان‌های اسلامی (مانند صحوه) را به چالش می‌کشد. علاوه بر این، چندی پیش ولیعهد عربستان برقراری روابط با رژیم صهیونیستی را امری خطرناک توصیف کرده بود که ممکن

است او را به سرنوشت انور سادات دچار سازد که پس از امضای پیمان
کمپ دیوید و به رسمیت شناختن اسرائیل، توسط یکی از اعضای جهاد
اسلامی مصر ترور شد.^۱

در-نمایشگاه-کتاب-ریاض-۲۰۲۴-چه-گذشت؟/moshref.org 1



بنگلادش اسلامی؟



بنگلادش آینده، بنگلادشی اسلامی خواهد بود



مولانا محمد مامون الحق، دبیرکل مجلس خلافت بنگلادش در نشست عمومی شاخه جوانان این حزب که در شهر میمسنگ برگزار شد، در سخنانی گفت: هند در ۱۵ سال گذشته فقط با شخص شیخ حسینه رابطه داشت و خواسته‌های مردم بنگلادش را نادیده گرفت.

شیخ حسینه نخست وزیر بنگلادش بود اما توصیه های دهلی را عمل می کرد. هند او را به بردگی گرفته بود و وقتی هم از قدرت ساقط شد به آن کشور که مشاورش بود پناه برد. وی در ادامه به شیخ حسینه هشدار داد و گفت: حکومت حرب «عوامی لیگ»^۱ در این کشور ادامه نخواهد داشت. بنگلادش آینده، بنگلادش اسلام خواهد بود.

مولانا مامون الحق در اجتماع دیگری قبل از این سخنرانی در بیاناتی برای روح شهادی جنبش دانشجویی و مردمی که در مبارزه با حکومت ظالمانه شیخ حسینه به شهادت رسیدند، طلب آمرزش و علو درجه کرد. در این تجمع، مامون الحق خواستار عضویت مر بیان دینی و علمای اسلامی در کمیسیون اصلاحات بخش آموزش کشور و حذف افراد بی دین در این عرصه شد. وی در ادامه گفت: شیخ حسینه و دوستان و همکارانش با غارت ثروت کشور و قاچاق آن به خارج، اقتصاد کشور را نابود کرده اند. او با سلب آزادی بیان و حق رأی مردم، دیکتاتوری و فاشیسم را در کشور برقرار کرد. اما بنگلادش با انقلاب جولای و اوت، از فاشیسم رهایی یافت. ما شیخ حسینه را سرنگون کردیم و از این به بعد هیچ قدرت ضد اسلامی جدیدی نباید در مجلس قانونگذاری بنگال راه

۱ حزب عوامی لیگ به رهبری شیخ مجیب الرحمن (پدر شیخ حسینه) در سال ۱۹۷۲ قانون اساسی بنگلادش را تدوین کرد و به تصویب پارلمان رساند. عوامی لیگ، از ناسیونالیسم بنگالی دفاع می کرد و پس از استقلال، ایدئولوژی خود را بر پایه «مجیبیسم» قرار داد که اعضای آن دارای مشی های متفاوتی از: ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سکولاریسم و سوسیالیسم بودند. این حزب به دوستی با هند و شوروی سابق شهرت دارد.

یابد. ما تاکنون از دولت دکتر یونس حمایت کرده ایم و تمایل داریم که این همکاری را در آینده ادامه دهیم. اما دولت هم باید این تمایل را داشته باشد. مامون الحق تاکید کرد: اگر بخواهند هر گونه برنامه هندوئیستی یا ضد اسلامی غربی به ما تحمیل شود، مانیز آماده مقاومت در برابر آن هستیم. وی خطاب به دولت موقت گفت: ما با سر سرد صحبت می‌کنیم و شما هم سعی کنید زبان ما را بفهمید. همجنس‌گرایی و بی‌اخلاقی در بنگلادش قابل تحمل نخواهد بود. اگر لازم باشد دوباره خون و شهید می‌دهیم.^۱

ملاحظه: حزب اسلام‌گرای خلافت اسلامی در حال حاضر به عنوان سومین حزب اسلامی بنگلادش شناخته می‌شود. آقای مامون الحق دبیر کل این حزب از مخالفان خانم شیخ حسینه بود که در زندان به سر می‌برد و پس از سقوط دولت وی و فرار او به هند، از زندان آزاد شد. این مواضع وی حاکی از نگرانی احزاب اسلام‌گرا از روی کار آمدن یک جریان وابسته دیگر به بیگانگان در آینده است. از این جهت چهره‌ها و شخصیت‌های دینی هشدارهای لازم را در سخنرانی‌های خود می‌دهند تا پیشگیری‌های لازم را در حد توان خود به عمل آورند.

پیشنهاد اصلاحات در دولت بنگلادش؛ از ضرورت آموزش دینی برای پلیس تا آزادی فعالیت‌های مذهبی



سید عبدالله موحد طاهر، نائب امیر جماعت اسلامی بنگلادش
پیشنهادهای ۱۰ ماده‌ای حزب جماعت اسلامی برای اصلاحات در کشور
رادر یک نشست خبری ارائه داد.

وی پیشنهادهای ۱۰ ماده‌ای حزب جماعت اسلامی بنگلادش را به
شرح زیر ارائه کرد:

۱- باید اقدامات مؤثری برای تفکیک قوه قضائیه از قوه اجرائی انجام
شود. قانون امنیت سایبری سال ۲۰۲۳ و همه قوانین سیاه لغو و مدت
زمان محاکمه کاهش یابد. یک کمیته مستقل تحقیق تشکیل شود تا
همه پرونده‌های جنایی را بررسی کند. زمان رسیدگی به پرونده‌های مدنی،

حداکثر مدت ۵ سال و پرونده‌های کیفری، جنایی حداکثر مدت سه سال پیش‌بینی شود.

۲- یک‌نایب‌رئیس برای پارلمان از حزب اصلی مخالف تعیین شود و اقدامات اساسی برای تشکیل کابینه سایه، تحت رهبری رهبر حزب مخالف در پارلمان صورت گیرد.

۳- «نظام نمایندگی تناسبی» در انتخابات مجلس شورای ملی اعمال و هر حزب به تناسب آرای نامزدهای خود در سراسر کشور صاحب کرسی در مجلس شود. به منظور تضمین برگزاری انتخابات عادلانه و شفاف، نظام «دولت موقت» برای همیشه در قانون اساسی برای برگزاری انتخابات گنجانده شود. سیستم «رای‌گیری الکترونیک» باید لغو شود و کمیته‌ای متشکل از نخست‌وزیر، رهبر حزب مخالف و رئیس قوه قضائیه برای تعیین کمیسیونر انتخابات و سایر کمیسیونرها تشکیل شود. مدیریت کارت شناسایی ملی هم باید در اختیار کمیسیونر انتخابات قرار گیرد.

۴- قانون پلیس که مصوب سال ۱۸۶۱ توسط دولت بریتانیاست باید اصلاح شود و یک قانون و خط مشی جدید برای این نهاد تدوین شود. کمیسیون مستقلی در پلیس برای انتصاب، انتقال، ترفیع و عزل پرسنل آن تشکیل شود و دستورالعمل‌های آموزشی پلیس باید شامل آموزش‌های دینی و اخلاقی نیز باشد. استفاده از سلاح‌های مرگبار در پلیس لغو شود، وظایف پلیس و امکانات آن باید بهبود یابد و در کل، قانون پلیس باید با اصلاح، گسترش و بازنگری، مدرن و بروز شود.

۵- شایستگی، کارایی و صداقت باید بر «لابی‌گری، توصیه و وفاداری به حزب سیاسی» در استخدام، انتقال و جابجایی مشاغل ارجحیت داشته باشد. درخواست استخدام در مشاغل دولتی باید بدون هزینه انجام شود، محدودیت سقف سنی برای استخدام در مشاغل دولتی باید ۳۵ سال برای دو سال آینده و بعد از آن، ۳۳ سال به طور دائم باشد و سن بازنشستگی ۶۲ سال تعیین شود.

۶- کمیسیون مبارزه با فساد اداری باید از افراد صادق، منصف، کارآمد و واجد شرایط تشکیل شود.

۷- مقرراتی برای تعادل و توازن بین وظایف و اختیارات رئیس جمهور و نخست‌وزیر وضع و یک فرد نتواند بیش از دو دوره متوالی، نخست‌وزیر شود.

۸- در نظام آموزشی، دوره متوسطه اول از کلاس ششم تا دهم باشد و کلاس یازدهم و دوازدهم به عنوان دوره متوسطه دوم لحاظ شود. آزمون عمومی کلاس هشتم باید لغو و سیستم آزمون قبلی بازگردانده شود. در کتاب‌های درسی باید به طور جدی تاریخ قیام مردمی سال ۲۰۲۴ برجسته شود. مطالب ضد ارزش‌های دینی باید از کتاب‌های درسی حذف و شرح حال بزرگان از جمله پیامبر (ص) در همه سطوح درسی گنجانده شود. مدارس دینی ابتدایی مستقل موجود، باید دولتی شوند و در هر ناحیه، حداقل یک مدرسه دینی کامل دولتی وجود داشته باشد. کمیسیون آموزش که به منظور اصلاح آموزش و پرورش تشکیل شده است باید از نمایندگی همه نظام‌های آموزشی عمومی، عالیه، اجتماعی

اطمینان حاصل کند. در ارتباط با نهضت و مبارزه تاریخی و ارزش‌های ملت، انواع فیلم‌های مورد نیاز ساخته و تولید شود. برنامه‌های سرگرمی مختلف و فیلم‌ها باید عاری از هر گونه بداخلاقی باشد و تمهیداتی اندیشیده شود که از توهین به ادیان مختلف به ویژه اسلام در نمایشنامه‌ها، فیلم‌ها و سایر محتواهای تولیدی خودداری شود. به جای ساخت مجسمه‌هایی بر اساس اشکال حیوانات، باید طبیعت و سنت‌های بومی در نقاشی‌ها و مجسمه‌سازی‌ها مورد توجه باشد.

۹- در روابط خارجی، باید روابط متقابل بر اساس برابری و انصاف با همه کشورهای دموکراتیک حفظ شود. با میانجیگری سازمان ملل متحد، باید ابتکاراتی برای عقد توافقنامه جهت استفاده مشترک از آب رودخانه‌های بین‌المللی میان چین، نپال، هند و بنگلادش اتخاذ شود.

۱۰- بنیاد اسلامی بنگلادش باید به عنوان یک نهاد معنادار و مهم برای دولت، توسعه یابد و آکادمی تربیت امام به سازمان یا اداره مستقل تبدیل شود. مأموریت و تبلیغات اسلامی باید به عنوان یک بخش مستقل مستقیماً زیر نظر وزارت دینی تشکیل شود. برای کاهش هزینه‌های حج و عمره باید اقدامات مؤثری انجام پذیرد. یک پژوهشکده در بنیاد اسلامی ایجاد و تمام کتاب‌های بحث برانگیز جمع‌آوری و انتشار آنها متوقف شود. حق همه متدینین برای انجام فعالیت‌های مذهبی باید تأمین شود.

متعاقب اعلام رسانه‌ای این پیشنهادها، شفیق الرحمان امیر (رهبر) جماعت اسلامی در سخنانی گفت: «پیشنهادهای اصلاحی جماعت

اسلامی ۴۱ ماده دارد و مفصل است. فعلا به طور خلاصه آنها را در ۱۰ ماده اعلام کرده ایم. ما در آنها اولویت هایی را که در حال حاضر برای دولت موقت مطرح است، بیان نمودیم.»

حزب جماعت اسلامی بزرگترین و مهمترین حزب سیاسی اسلام گرای بنگلادش است که در دوره طولانی حکومت خانم شیخ حسینه ممنوع از فعالیت سیاسی شده بود و رهبران آن در بازداشت به سر می بردند. در طول چند دهه گذشته، ۸ تن از رهبران (امیران) این حزب سیاسی اسلامگرا به اتهام مخالفت با استقلال بنگلادش و همراهی با پاکستان در جنگ آزادی بخش و استقلال این کشور در سال ۱۹۷۱م، محاکمه و اعدام شده اند.

پس از تحولات اخیر سیاسی و سقوط دولت شیخ حسینه این حزب دوباره به صحنه سیاسی و اجتماعی کشور برگشته و فعال شده است. البته طریقت های طرفدار صوفی که پیروان زیادی در بنگلادش دارند و محب اهل بیت (ع) هستند، نسبت به رفتار و عملکرد این حزب در سال ها و دهه های قبل از حکومت شیخ حسینه، به دلیل تند روی های مذهبی آن، موضع منفی دارند. با این حال از مواضع و رویکردهای اخیر این حزب چنین بر می آید که در شرایط جدید بنگلادش، این حزب با نوعی تعدیل رویکرد در مواضع و دیدگاه های خود پیش می رود.^۱

واتیکان بکتاشی



تأسیس دولت بکتاشی: پروژای دیگر از آمریکا برای جنگ افروزی

نویسنده: پروفیسور خلیل چیوی



روزنامه «نیویورک تایمز» به نقل از نخست وزیر آلبانی «ادی راما» گزارش داد که کشور آلبانی قصد دارد بخشی از خاک خود را برای تشکیل یک کشور مستقل به فرقه‌ی صوفی «بکتاشیه» اعطا کند. کشوری که بنا بر ادعای خود در پایتخت آلبانی «تیرانا» و بر اساس ارزش‌های تسامح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ایجاد خواهد شد. این کشور در زمینی به

مساحت ۲۷ هکتار با حاکمیتی مشابه حاکمیت واتیکان، دارای گذرنامه و مرز مستقل خواهد بود و تحت رهبری روحانی بکتاشی «ادموند براهیماچ» که به «باباموندی» معروف است، اداره خواهد گردید. مرزهای این کشور از پیش تعیین و ساختمان‌های اداری لازم برای پروژه اختصاص یافته است.

اعلام این خبر پس از بازگشت نخست‌وزیر آلبانی از ایالات متحده صورت گرفت که نشان‌دهنده مغز متفکر این پروژه‌ی مسموم و شوم است. به نظر نمی‌رسد این تصمیم بر اساس خواست مردم آلبانی یا پیروان فرقه بکتاشیه صورت گرفته شده باشد. از این رو، این احتمال وجود دارد که اجرای آن زمینه‌ساز ایجاد برخی تنش‌ها و تهدیدات امنیتی در منطقه‌ی بالکان و حتی جهان اسلام خواهد شد. در اینجا به برخی از این تهدیدات اشاره خواهیم کرد:

ایجاد یک خلافت اسلامی در اروپا

ممکن است این اقدام مقدمه‌ای برای ایجاد یک خلافت اسلامی در اروپا باشد. برخی ممکن است بپرسند چگونه امکان دارد فردی که پیروی فرقه بکتاشیه است خلیفه‌ی مسلمانان شود؟ افزون بر آنکه، آلبانی کشوری کوچک با جمعیتی حدود ۳ میلیون نفر است و پیروان بکتاشی حدود ۱۰٪ از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. اما در پاسخ باید بیان کرد که در آینده ممکن است رهبری این کشور نوپای بکتاشی به رهبرانی از اهل سنت در مصر و یا عربستان منتقل شود و یا آن‌که شاهد

دگرگونی در نگرش دینی این فرقه باشیم به گونه ای که این کشور زیر مجموعه ای دیگر گروه های اهل سنت شود.

تأثیر بر امنیت کشورهای منطقه ای بالکان

پیروان فرقه ای بکتاشی در کشورهای بالکان مانند یونان، بلغارستان، مجارستان، کوزوو، مونته نگرو و رومانی زندگی می کنند و این ممکن است منجر به بی ثباتی سیاسی و نظامی در منطقه بالکان شود چرا که ابر قدرت ها از وابستگی و ضعف این دولت نوپا برای تامین منافع خود بهره برداری می کنند.

کشور بکتاشیه که توسط آمریکا حمایت می شود می تواند پارامترهای اساسی در زمین بازی آلبانی را دگرگون کند و سبب بی ثباتی و ناامنی آن به ویژه از نظر بافت جمعیتی و فرهنگی شود.

برخی مسلمانان در اروپا و ترکیه فرقه بکتاشی و علوی را از مذاهب اسلامی به شمار نمی آورند. از این رو، برپایی دولت بکتاشی ممکن است به تشدید اختلافات در جامعه ای اسلامی منجر شود.

دو فرقه ای بکتاشیه و علویه در ترکیه از حامیان جنگ استقلال ترکیه علیه یونان و تشکیل دولت لائیک در این کشور اسلامی بوده اند. پیروان علویه به آتاتورک احترام می گذارند و تصویر او را بر دیوار معابد خود آویزان می کنند. اما بکتاشیان در آلبانی چنین احترامی را برای آتاتورک قائل نیستند، چرا که در برهه ای به دستور این شخصیت سیاسی معابد بکتاشیه در سراسر ترکیه تعطیل شد. رهبری این دولت

جدید می‌تواند خشم عمومی بکتاشیان را علیه دولت سکولار کنونی ترکیه برانگیزد.

تشکیل مرکزیت دینی به دور از جامعه‌ی هدف

فرقه‌ی بکتاشیه که توسط «حاج بکتاش ولی» بنیان گردیده است در آناتولی و آلبانی نیز گسترش یافته است. با این حال، اکثر پیروان آن در ترکیه زندگی می‌کنند. تأسیس یک کشور برای این فرقه در مکانی غیر از ترکیه نشانه‌ای امیدبخش نیست. توصیه می‌شود که دولت ترکیه بابها دادن به سازمان‌های دولتی مرتبط با دو فرقه علویه و بکتاشیه تلاش کند باز حذف تبعیض دینی در جامعه‌ی ترکیه، راه را بر تفرقه افکنان ببندد.

چنین ادعا می‌کنند که تعالیم فرقه بکتاشیه بر اساس انتشار ارزش‌های اخلاقی، برقراری عدالت و پایه‌ریزی یک زندگی کریمانه برای پیروان خود است و هیچ‌گونه کلامی از تأسیس دولت یا فقه حکومتی بیان نمی‌کنند. از این رو، هیچ توجیه دینی بر اساس اعتقادات بکتاشیه برای این پروژه آمریکایی وجود ندارد.

کشورهای مدرن در اروپا اصل تکثرگرایی و سکولاریسم را پذیرفته‌اند و دم از حاکمیت قانون می‌زنند، اما این دولت که بر اساس تعالیم بکتاشیه تأسیس می‌شود در نهایت به یک دولت تئوکراتیک تبدیل خواهد شد.

با این همه می‌توان گفت که ایجاد کشور بکتاشیه برای مردم آلبانی، کشورهای بالکان، جامعه‌ی بکتاشی و جهان اسلام سودی نخواهد

داشت. این گزاره بر اساس تجربیات تاریخی، سیاسی و مذهبی قابل اثبات است. در این میان، قدرت‌های امپریالیستی مانند ایالات متحده و پیروانش از این فرصت برای دستیابی به منافع ملی خود بهره‌برداری خواهند کرد.^۱

1 unitedworldint.com/35897-a-bektashi-state-in-albania-a-new-us-project-in-the-balkans

از آلبانی تا ترکیه؛ مخالفت‌ها با ایده تشکیل «واتیکان بکتاشی»



ادی رامّا، نخست‌وزیر آلبانی، با اعلام طرحی برای ایجاد یک دولت کوچک و مستقل مشابه واتیکان برای طریقت «بکتاشیه» در تیرانا، پایتخت، بحث و جنجال جدیدی به راه انداخته است.

این پیشنهادی را ما که در جریان سفر او به آمریکا مطرح شد، در آلبانی با شگفتی روبرو شد و به عنوان اقدامی برای جلب توجه عمومی و در چارچوب برنامه‌های سیاسی او تعبیر شد.

هم‌زمان این موضوع هم مطرح شده است که قانون اساسی آلبانی، که ساختار دولتی یکپارچه را تضمین می‌کند، اجازه چنین اقدامی را نمی‌دهد.

از جامعه بکتاشیان ترکیه نیز صداهایی به گوش می‌رسد که با این ایده مخالف هستند و می‌گویند: «ما دین تحت کنترل دولت نمی‌خواهیم.»

بر اساس سرشماری سال گذشته در آلبانی، جامعه بکتاشی‌ها حدود ۱۰ درصد از کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند.

الیدور مهیلی، پژوهشگر آلبانیایی-آمریکایی، معتقد است که طرح ناگهانی ایده ادی راما، نخست‌وزیر آلبانی، باعث سردرگمی در کشور شده است.

مهیلی می‌گوید: «هیچ‌کس انتظار چنین اعلانی را نداشت. این اظهارات حتی در خود آلبانی هم مطرح نشد، بلکه در نیویورک تایمز منتشر شد. راستش فکر نمی‌کنم جامعه بکتاشی در آلبانی هم از این موضوع خبر داشتند، چون آنها هم شگفت‌زده شدند.»

مهیلی تاکید می‌کند که بعضی از ناظران در آلبانی این اقدام را یک تلاش تبلیغاتی از سوی نخست‌وزیر دانسته‌اند: «آنها می‌گویند نخست‌وزیر به دنبال مطرح شدن در رسانه‌های غربی است.»

به گفته مهیلی، طرح ایجاد یک دولت کوچک به شکلی که در نیویورک تایمز مطرح شده، از نظر قانونی ممکن نیست، چون قانون اساسی آلبانی تقسیم خاک کشور را ممنوع کرده است.

مهیلی می‌گوید: «ممکن است قانون اساسی را تغییر دهند، اما چنین اقدامی یک حرکت بزرگ خواهد بود. بسیاری از آلبانیایی‌ها از آن حمایت نخواهند کرد.»

پروفسور مهیلی همچنین اشاره می‌کند که نخست‌وزیر آلبانی «عادت دارد چنین ایده‌های عجیب و غریبی را مطرح کند و سپس منتظر بماند تا ببیند چه اتفاقی می‌افتد.»

اما به گفته مهیلی «این یک اقدام غیر معمول است» به این دلیل که دست روی «موضوع بسیار حساسی» گذاشته است. او می‌گوید: «برای آلبانیایی‌ها، همزیستی ادیان مختلف بسیار مهم است و این موضوعی است که آنها ارزش زیادی برای آن قائل هستند.»

آلبرت راکپی، رئیس موسسه مطالعات بین‌المللی آلبانی، می‌گوید از نظر او بهتر بود «این اقدام مهم با مشاوره با نهادهای دولتی، جامعه و گروه‌های مذهبی انجام شود.»

راکپی نیز با سردرگمی در این موضوع موافق است و می‌گوید سبک نخست‌وزیر آلبانی همین است.

او می‌گوید: «گروهی از مسلمانان آلبانی نگاهی بسیار انتقادی به این موضوع دارند. این یک مسئله مهم است، موضوعی نیست که مدتی درباره آن بحث شود و سپس به عنوان بهانه‌ای برای اجتناب از بحث درباره مشکلات دیگر از آن استفاده شود. خود ایده هم، ایده خطرناکی است. مسئله‌ای نیست که سرسری گرفته شود.»

بکتاشی‌های ترکیه مخالف ایجاد دولت کوچک هستند

اوزگور کاپلان، دبیرکل فدراسیون بکتاشی علوی، گفت: «ما نمی‌خواهیم در هیچ جای دنیا دین تحت نظر دولت باشد. اینکه در آلبانی باشد یا جای دیگری، از دیدگاه ما تفاوتی ندارد. به طور کلی با چنین ایده‌ای مخالفیم.»

حاجی دورسون گوموش اوغلو، خلیفه بابای بکتاشی که از طرف دده بابا علی حیدر ارجان، رهبر شاخه باباگان بکتاشی‌ها در ازمیر، صحبت می‌کرد نیز به ایده «واتیکان بکتاشی» در آلبانی واکنش نشان داد.

گوموش اوغلو گفت: «طبق آیین بکتاشی، در آلبانی نه تنها دده بابا، بلکه حتی خلیفه بابا هم وجود ندارد. طبق سنت و قواعدی که قرن‌هاست ادامه دارد، دده بابا باید در داخل مرزهای ترکیه ساکن باشد. این پروژه که به عنوان "علوی‌گری بدون علی" توصیف می‌شود، دامی است که از سوی دولت‌های امپریالیستی برای سوءاستفاده از باور علوی‌گری ایجاد شده است.»

اما دکتر کاراکایا-استامپ در واکنش با اظهار نظرهای درباره «دام امپریالیستی» و «تلاش برای اهلی‌سازی اسلام» در اروپا مخالف است.

او می‌گوید «کسی که کمی از جهان اسلام و جنبش‌های سلفی شناخت داشته باشد، می‌داند که انجام اصلاحات از طریق بکتاشی‌گری یا لیبرال‌سازی و امثال آن به هیچ وجه ممکن نیست. بکتاشی‌گری به طور کلی در جهان اسلام هیچ‌گاه به رسمیت شناخته نشده است. اگر

نیروهای امپریالیستی چنین چیزی فکر می‌کنند، سخت در اشتباه هستند.»^۱

1 bbc.com/persian/articles/cpv2dp34glxo

مسیحیت و پرونده‌های آزار جنسی



انتقاد بلژیک از پاپ فرانسیس به دلیل سرپوش گذاشتن بر موارد سوءاستفاده جنسی



الکساندر دی کرو، نخست‌وزیر بلژیک، روز جمعه ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴، طی سخنانی در مراسم استقبال از پاپ فرانسیس، وی را به خاطر عملکرد کلیسای کاتولیک در سرپوش گذاشتن بر رسوایی‌های سوءاستفاده جنسی روحانیون این مذهب در کشورش، مورد انتقاد قرار داده و خواستار برداشتن «گام‌های مشخص» برای پاکسازی گذشته و اولویت دادن به منافع قربانیان شد. به گفته وی «وقتی مشکلی پیش می‌آید، نمی‌توانیم پنهان‌کاری را بپذیریم... کلیسا برای اینکه بتواند به آینده نگاه کند، باید گذشته خود را پاک کند.»

نطق خوشامدگویی نخست‌وزیر بلژیک در آغاز دیدار پاپ فرانسیس از این کشور، که با وجود میزبانی از یک مقام خارجی - جایی که پروتکل دیپلماتیک معمولاً خشم را از اظهارات عمومی دور نگه می‌دارد - ایراد شد، یکی از تندترین اظهاراتی است که تا کنون پاپ فرانسیس را خطاب قرار داده است.

فیلیپ، پادشاه بلژیک، نیز در این دیدار با لحنی قاطع خواستار اقدامات «بدون وقفه» کلیسا برای جبران و کمک به بهبودی قربانیان شد.

لحن برخورد پادشاه و نخست‌وزیر بلژیک نشان می‌دهد که زخم رسوایی‌های سوءاستفاده جنسی روحانیون کاتولیک در این کشور هنوز بسیار تازه است. جایی که دو دهه سرپوش گذاشتن سیستماتیک بر افشاگری‌ها درباره چنین جرائمی، اعتبار سلسله مراتب کلیسا را از بین برده و به افول کلی مذهب و نفوذ کلیسای کاتولیک کمک کرده است.

حتی یک قربانی هم برای شرمندگی کافی است

در پایان سخنان نخست‌وزیر و پادشاه بلژیک، این رسوایی را سبب «شرم و تحقیر» کلیسای کاتولیک خوانده و تعهد خود را برای پایان دادن به آن اعلام کرد.

به گفته وی «حتی یک قربانی هم برای شرمندگی کافی است» و «کلیسا باید خجالت بکشد، طلب بخشش کند و سعی کند این وضعیت

را با فروتنی مسیحی حل کرده و همه امکانات را فراهم کند تا این اتفاق دیگر تکرار نشود».

وی تاکید کرد که کلیسا با اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، گوش دادن به سخنان قربانیان و همراهی آنها برای بهبودی، «محکم و قاطعانه» به این مشکل رسیدگی می‌کند.

در این مراسم، فیلیپ شاه بلژیک نیز با بیان سخنانی از کلیسا خواست تا تلاش‌هایش را به صورت مصمم و بی‌وقفه ادامه دهد.

پاپ: «این مایه شرم و خفت ماست»

رهبان کلیسای کاتولیک پس از پایان سخنان دی کرو، نخست وزیر بلژیک و شاه فیلیپ، سوءاستفاده‌های صورت گرفته در کلیسا را «مایه ننگ» خواند.

پاپ در ادامه افزود: «کلیسا باید شرمسار باشد و برای طلب بخشش تلاش کند و تمام سعی خود را بکند تا چنین اتفاقی دیگر نیفتد».

پاپ فرانسیس همچنین یادآور شد: «هرچند در محیط‌های دیگری مانند خانواده، ورزش و مدرسه نیز موارد زیادی از سوءاستفاده وجود دارد، اما کلیسا باید به صورت مستقل نسبت به مسئولیت‌های خود آگاه باشد. حتی برای یک قربانی هم، کلیسا باید از خداوند طلب بخشش کند».

گفتنی است که کمتر از دو هفته پس از بازگشت پاپ فرانسیس از یک تور ۱۲ روزه به چهار کشور اندونزی، پاپوآگینه نو، تیمور شرقی و سنگاپور در سراسر جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه، وی به بلژیک و لوکزامبورگ سفر کرد تا با قربانیان سوءاستفاده جنسی به صورت خصوصی ملاقات کند.

بلژیک نیز مانند برخی کشورهای اروپایی پرونده‌هایی قدیمی و جدید از آزار کودکان و زنان به دست عوامل کلیسا دارد. در همین رابطه پاپ یک اسقف سابق بلژیکی را که به آزار جنسی دو برادرزاده خود اعتراف کرده بود از کلیسا اخراج کرد. از سال ۲۰۱۲ تاکنون بیش از ۷۰۰ شکایت و گزارش در مورد سوءاستفاده از کلیسا در بلژیک ارائه شده است.^۱

رمزگشایی از جدال اتحادیه اروپا با کلیسا

علی ساختن مذاکرات صورت گرفته در دیدار اخیر نخست وزیر بلژیک و پاپ فرانسیس، تبدیل به نقطه آشکار ساز منازعه واتیکان و اتحادیه اروپا شده است. ماجرا از جایی آغاز شد که فیلیپ، پادشاه و الکساندر دی کرو، نخست وزیر بلژیک، در مراسم استقبال از پاپ فرانسیس، وی را به دلیل سرپوش گذاشتن کلیسای کاتولیک بر موارد سوءاستفاده جنسی مقامات کلیسا، شدیداً مورد انتقاد قرار دادند.

1 rfi.my/Aznz.X

اگرچه این انتقادات همواره از سوی اتحادیه اروپا علیه واتیکان وجود داشته، اما طرح ناگهانی، صریح و فوری آن از سوی مقامات بلژیکی، به عنوان کشوری که مقر اتحادیه اروپا در آن قرار دارد، جای بسی تأمل دارد. به عبارتی گویاتر، نوع مواجهه اخیر مقامات بلژیکی و پاپ، متأثر از خداد مورد اشاره (رسوایی جنسی در کلیسای کاتولیک) نبوده و انگیزه‌های دیگری در طرح آن دخیل بوده است.

یکی از این موارد، تلاش برای مذهب زدایی در اروپاست که در مواضع اخیر مقامات سیاسی و دولتی غرب نمود یافته است. مخالفت کلیسا با کلیت الگوهای رفتارهای غیرطبیعی جنسی (که در قالب LGBTQ شناخته و از سوی اکثر کشورهای اروپایی به رسمیت شناخته شده است، یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های طرح مکرر پرونده‌های فساد جنسی در میان بخشی از اعضای کلیسای کاتولیک می‌باشد. از این رو نمی‌توان اقدام اخیر بلژیکی‌ها را تصادفی دانست! قطعاً مقامات ارشد اروپایی از جمله اولاف شولتس، صدراعظم آلمان و امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه از قبل در جریان این مواضع مقامات بروکسل قرار داشته‌اند. فراتر از آن، انتشار گسترده مجادله مقامات بلژیکی و پاپ بر سر پرونده‌های جنسی گذشته و جاری در کلیسای کاتولیک، نشان‌دهنده آمادگی قبلی رسانه‌های غربی مبنی بر پوشش این اخبار هدفمند است. الکساندر دی کرو، نخست‌وزیر بلژیک طی سخنانی در مراسم استقبال از پاپ فرانسیس، وی را به خاطر عملکرد کلیسای کاتولیک در سرپوش گذاشتن بر رسوایی‌های

سوءاستفاده جنسی مقامات کلیسا، مورد انتقاد قرار داده و خواستار برداشتن «گام‌های مشخص» برای پاکسازی گذشته و اولویت دادن به منافع قربانیان شد.

به گفته وی «وقتی مشکلی پیش می‌آید، نمی‌توانیم پنهان‌کاری را بپذیریم... کلیسا برای اینکه بتواند به آینده نگاه کند، باید گذشته خود را پاک کند.» نطق خوشامدگویی نخست‌وزیر بلژیک در آغاز دیدار پاپ فرانسیس از این کشور، که با وجود میزبانی از یک مقام خارجی - جایی که پروتکل دیپلماتیک معمولاً خشم را از اظهارات عمومی دور نگه می‌دارد - ایراد شد، یکی از تندترین اظهاراتی است که تاکنون پاپ فرانسیس را خطاب قرار داده است. فیلیپ، پادشاه بلژیک، نیز در این دیدار بالحنی قاطع خواستار اقدامات «بدون وقفه» کلیسا برای جبران و کمک به بهبودی قربانیان شده است! پاپ فرانسیس که قرار است با قربانیان سوءاستفاده جنسی به صورت خصوصی ملاقات کند در پایان سخنان نخست‌وزیر و پادشاه بلژیک، این رسوایی را سبب «شرم و تحقیق» کلیسای کاتولیک خوانده و تعهد خود را برای پایان دادن به آن اعلام کرده است. با این حال بهت‌زدگی پاپ از نوع رفتار بلژیکی‌ها در مراسم استقبال از وی، کاملاً ملموس و محسوس بود.^۱

غرامت‌های کمرشکن کلیسای نیویورک ولس آنجلس به قربانی‌های آزارهای جنسی



یک کلیسای کاتولیک در نیویورک با اعلام ورشستگی اعلام کرد: با پرداخت غرامت به قربانیان آزارهای جنسی موافقت می‌کند.

در توافقنامه ورشستگی اسقف‌گری لانگ آیلند در نیویورک توافق شد به ۵۳۰ قربانی آزارهای جنسی در این منطقه بیش از ۳۲۳ میلیون دلار غرامت پرداخت شود. اسقف کاتولیک رومی مرکز راکویل، که به حدود ۱.۲ میلیون کاتولیک در شهرستان‌های ناسائو و سافولک خدمات می‌دهد، ابتدای سال جاری با مخالفت بازماندگان این آزارها با پرداخت ۲۰۰ میلیون دلار غرامت مواجه شده بود.

در اقدامی مشابه، اسقف اعظم کاتولیک رومی لس‌آنجلس با پرداخت ۸۸۰ میلیون دلار به ۱۳۵۳ نفری که در کودکی توسط کشیش‌های کاتولیک مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند، موافقت کرده است.

اسقف اعظم خوزه‌آچ. گومز در بیانیه‌ای گفت: من برای هریک از این حوادث، از اعماق قلبم متاسفم. امید من این است که این توافق تا حدودی شفای دردهای این مردان و زنان را فراهم کند.

قوانین جدید در ایالات متحده که از کالیفرنیا شروع شد به طور موقت به قربانیان سوء استفاده جنسی از کودکان امکان می‌دهد تا برای جنایات چندین دهه پیش شکایت کنند. همین امر نهادهای کاتولیک را که درگیر شکایت علیه آزارهای جنسی کشیش‌ها هستند، به سمت اعلام ورشستگی همچون شرکت‌های حقوقی سوق داده است.

گفتنی است کلیسای کاتولیک در نقاط مختلف جهان با پرونده‌های آزار جنسی بی‌شماری دست به گریبان است که قدمت برخی از آنها به دوران جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. کلیسای کاتولیک اکنون در آمریکا، شیلی، فرانسه، آلمان، آرژانتین و آفریقای جنوبی با این پرونده‌ها درگیر است. در برخی از این پرونده‌ها هم قربانیان مرده‌اند و هم عاملان و کشیش‌های متجاوز.^۱

دکتر
۰۰

مخاطب جبهه‌ها: چرا تسنن هویتی توئیت رهبری رابه خود گرفت؟

به قلم: حمید عظیمی



گمان نمی‌شد که مهدی فضائی و دستگاه خامنه‌ای دات‌آی‌آر تصور می‌کردند باز نشر بخش‌هایی از سخنان رهبری، در شرایط کنونی غائله‌ای بزرگ در افکار عمومی جهان عرب به بار آورد. شاید این توفیق اجباری بود که زخم‌های قدیمی گشوده شده در بحران پس از طوفان الاقصی، اندکی عمیق‌تر ترمیم شود. به قول آن مثل ترکی، سخنی به زمین افتاده و صاحبش را پیدا کرده است و تک‌به‌تک شیوخی که در کنج شرمساری خزیده بودند بار دیگر رخ‌نشان داده‌اند و زبانشان گشوده شده است. اگر غوغای پس از دودمه‌گویی برای غزه وقت یادآوری نزاع ناگزیر ما با تشیع هویتی بود، اکنون نیز که بلوای جبهه یزیدی و جبهه

حسینی به راه افتاده اندکی تسویه حساب با تسنن هویقی به جایی بر نمی خورد.

ماجرای هفته های اخیر با تویییتی آغاز شد که در شب اربعین گذشته روی حساب عربی رهبر انقلاب قرار گرفت. این توئیت گزیده ای از سخنان رهبری در ظهر همان روز بود که در حسینۀ امام خمینی و در خطاب به هیئات حسینی ایراد شده بود. این بخش خاص از سخن رهبری در توضیح فرازی از زیارت عاشورا و توضیح اهداف قیام حسینی با استناد به حدیثی معروف از سیدالشهدا ع است که با مطلع «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا...» آغاز می گردد.

از سیاق این سخنان بر نمی آید که برای خطاب قرار دادن فضای برون شیعی تنظیم شده باشد و در مقام طرح بحثی حساس باشد. با این حال این بریده از سخنان آیت الله خامنه ای به طور ویژه ای مورد توجه مخاطب عربی قرار گرفت و دو قطبی شدیدی حول آن به جریان افتاد. توئیت یاد شده طی ده روز بیش از پنج میلیون بازدید داشته که چندین برابر مشاهده های فرسته های مهم حساب رهبری در مقطع پس از طوفان الاقصی است. با واکنش اینفلوئنسرهای سعودی و معارضان سوری و یمنی و همچنین دخالت روشن اکانت های سازمان یافته، بخش عمده از واکنش های این توئیت از طرف اکانت های ضد ایرانی تولید شده است. لازم به اشاره است که شبکه العربیه سعودی و اسکای نیوز اماراتی نیز با گزارش جهت دار و زود هنگام خود در مورد این توئیت نقش به سزایی در اشاعۀ شبهۀ ضد سنی بودن این فرازها بازی کردند.

موضوع واکنش‌ها به این توئیت تا زمانی که محدود به بازیگران رسانه‌ای و مجازی بود می‌توانست یک موج مقطعی و مهندسی شده قلمداد گردد. این مداخله مرجعیت‌های علمی و علمائی اهل سنت بود که پیامدهای سخنان رهبر انقلاب را به سطوح پایدارتری منتقل و صف بندی‌ها را بنیادی‌تر کرد. اینجا نیز گزنده‌ترین مواضع را شیوخ اخوان سوریه اتخاذ کردند و به طرح موضوع در سطوح علمائی دامن زدند. شیخ زهیر سالم در یادداشتی پرنفرت که در سایت اخوان سوریه نیز منتشر گردید تعارفات تسنن متاخر را کنار گذاشت به تکرار مواضع افراطی مرجئه پرداخت.

خلاصه این موضع کمتر شنیده شده در همان بند آخر است که سخنگوی سابق اخوان المسلمین سوریه، مدح قاتل و مقتول را در یک بند جمع نموده و آورده است «وضع یزید از سیدما حسین پنهان نبود، چه اینکه او را پسر عم خود می‌خواند و نیتش را برای بیعت با او ابراز می‌کرد؛ اما اینکه چگونه وضع آن مکاران خائن و جنایتکار را تشخیص نداد، از معماهای تاریخ است...» مقصود زهیر سالم از این مکاران شیعیان هستند، همان عراقی‌هایی که به قول عبد الله بن عمر، در مورد حکم خون پشه تحقیق می‌کنند اما خون ریحانه پیامبر ص را بر زمین می‌ریزند.

این نکته را در ذهن داشته باشیم که زهیر سالم جزء افراطی‌ترین چهره‌های جناح حلی اخوان المسلمین است که در مودت سعودی به مقامی رسیده است که حتی از طعنه به ترکیه و قطر نیز ابایی ندارد. حال

بشنویم موضع عبدالکریم بکار، چهره موقر و میانه رو اخوان سوریه و یکی از پدران معنوی اخوان سعودی در این مورد چه بوده است. بکار نیز در ویدئویی که چهار روز بعد از توثیت منتشر شده نقد تندی از سخنان رهبری دارد که البته به خلاف مواضع زهیر سالم با تبرئه کامل اهل سنت از یزید آغاز شده است. بکار هر چند در بعد تاریخی از موضع محتاطانه اهل سنت نسبت به استبداد اموی فاصله نمی گیرد اما زمانی که نوبت به تطبیق عقاید تاریخی بر وضع جاری سیاسی می رسد، کاملاً در پرتگاه رتوریک جبهه محافظه کار عربی سقوط می کند. این گفتار گل درشت دو رکن اساسی دارد: نخست ادعای همپیمانی ایران و اسرائیل و دیگری منوط کردن مبارزه با اسرائیل به همپیمانی با «دول منطقه». چنین موضعی را باید نشانه ارتجاع به وضعیت پیشا ۷ اکتبر دانست که اسلام سیاسی سنی را به آلت دستی برای دولت های سنی مبدل کرده بود.

نگرانی نسبت به چنین ارتجاعی زمانی بیشتر می شود که مواضع مرجعیت های سنی را در حوزه های خارج از خطوط تماس و درگیری شیعی-سنی مشاهده می کنیم. مواضع شیوخ مصر و شمال افریقا و همچنین چهره های اردنی و فلسطینی می تواند از نشانه های چنین ارتجاعی باشد. زنگ خطر این وضعیت با بیان تند تشکیلات موسوم به «رابطة علماء المسلمين» به صدا در آمد که ذیل آن را ۱۷ تشکل و ۴۵ شخصیت علمایی امضاء کرده اند. گذشته از سوریه و عراق و یمن، حضور پررنگ نام هایی که از مغرب عربی تا مصر و پاکستان و جنوب شرق آسیا امتداد پیدا کرده و همچنین محوریت محمد الحسن الددو

در میان آنها قابل توجه است. دال مرکزی نسبتاً متمایز این بیانیه در انتقال مناقشه از سطح دولت به ملت است تا با بازگشت به سطح اجتماعی و فرقه‌ای مدعی گردد ملت‌های سنی حامی اصلی فلسطین و ملت شیعی ایران نسبت به این مسئله بی تفاوت هستند.

بیانیه الدو را تا این لحظه می‌توان جمع‌بندی و برابری مواضع جامعه سنی نسبت به وضعیت محور مقاومت پس از طوفان الاقصی دانست. موضعی که پرتگاه فروافتادن دوباره اسلامگرایان سنی به ایده‌ئال‌های اخلاقی بریده از واقعیت و فرورفتن بیشتر آنان در جماعت‌گرایی و سیاست زدایی می‌تواند باشد. سوژه سنی در این موضع رمانتیستی برای اینکه فاصله خود را از دیگری شیعی به شیوه‌ای اخلاقی حفظ کند، به تنزیه خود از واقعیت دولت‌های سنی روی می‌آورد. خطر این وضعیت کمتر از اسلام سیاسی وابسته به سعودی یا ترکیه نیست چراکه دست‌کم وابستگان به این دو امروز با واقعیتی مواجه هستند که به دشواری باید مسئولیت آن را به عهده گرفته و با هر تکلفی که شده آن را توجیه نمایند.

این البته تمامی صحنه نیست. در میانه این بلوا نباید سکوت معنادار علی قرة داغی یا مواضع تلطیف‌کننده عصام تلیمه و محمد مختار شنقیتی و همچنین بیانیه شجاعانه احمد ال‌ریسونی در دفاع از فداکاری شیعه و قصور اهل سنت را از نظر انداخت. این‌ها نشان می‌دهد راه‌سومی در میانه تبریته جامعه سنی یا توجیه حاکمیت سنی وجود دارد. راهی که خود به بازطراحی موقعیت ما و تشیع سیاسی در جبهه مقاومت

علیه اشغالگری خارجی وابسته است. بدون این بازطراحی، توقعات بی جا و غیرمنصفانه نسبت به سهم ایران و شیعه در مبارزه با اسرائیل، مانع روانی مستمری در مسیر بهینه سازی روابط با جامعه اهل سنت خواهد بود.

مشکل و راه حل با توجه به یک پارادکس ظاهراً ساده شروع می شود. اگر مرکز ائتلاف جنایت پیشه ای که علیه غزه شکل گرفته است را نتانیا هو بدانیم، به ظاهر باید او را با کنستاتین مقایسه کنیم که محور جبهه مقابل مسلمین در قسطنطنیه بوده است و نه یزید بن معاویه. در این صورت بندی یزید فرمانده قشون مسلمین است که یکی از کلیدی ترین حملات تاریخ علیه بیزانس ها را رهبری کرده است و پایتخت صلیبیون را مدت ها به محاصره در آورده است. حسب نقل تاریخ، می توان استنباط کرد که تنها یک نفر مسبب شکست محاصره قسطنطنیه و صلح ناچار خلیفه اموی با کنستاتین چهارم بود: حسین بن علی ع. بر اساس روایت غالب، فتنه دوم اسلامی و چندپاره شدن سرزمین های خلافت میان امویان و زبیریان و مختار، همگی تبعات قیام تاریخ ساز سیدالشهدا بود و همین آشوب داخلی پای سپاه اموی را در سرحدات آسیای صغیر سست نمود.

با این اوصاف، اگر تهران امروز خود را در موقعیت کوفه سال ۶۰ می بیند، و نه دمشق عصر اموی، چگونه جنگی که در سرحدات اراضی مسلمین با صهیونیست ها در جریان است را می تواند با استعاره های شیعی پیش برد؟ چرا به تسنن هویتی حق ندهیم که از قضا به روح یزید

وسیره یزیدیان برای شکست دیوارهای حائل اسرائیل متوسل شود؟ چه تعجبی دارد اگر باز همچون ابن عباس و ابن عمر از حسین بخواهند که در میانه این جنگ اسلام و «کفر» سخن از «سلطان جائر» به میان نیاورد و با وسوسه کوفیان صفوف مسلمین را درهم نشکند؟

انتخاب میان دشمن داخلی و دشمن خارجی، یا اولویت سنجی میان کفر و ظلم، آوردگاه همیشگی اندیشه سیاسی شیعی و سنی بوده است. گفتگوی نمادین میان زین العابدین ع و عباد بصری دائما شیعه را متوجه ضرورت مشروعیت بخشی به دولت اسلامی پیش از طرح جهاد علیه دولت کفر می کند. در سوی دیگر نیز همواره منطق فتوحات و غلبه بر دشمن خارجی، رکن اساسی مشروعیت و پذیرش مکانیسم «تغلب» علیه معارضان داخلی در اندیشه تسنن خواهد ماند.

تشیع سیاسی باید هم، پیش از قسطنطنیه به دمشق بیندیشد. این ذات تشیع است که به سیاست موضوعیت می دهد و آن را تنها از حیث طریقت برای «حکومت» پاس نمی دارد. ذات تسنن نیز ایجاب می کند که سیاست و دعوت و غزوت را برای حکومت و در خدمت حکومت بداند. شمشیری که برای گستردن قلمرو حکومت آبدیده گردد لاجرم آلت سرکوب جامعه نیز خواهد شد. حال اگر زمانی تیغ فتوحات کندگشت و فاتحان مستبد پشت سندی یا آناتولی در جازند یا اورشلیم را تسلیم کفر کردند، باید آماده گشوده شدن باب سیاست شیعی شوند.

در میانه این دوره فترت اخیری که پس از سقوط عثمانی آغاز شده است، تشیع سیاسی متحد اقتضائی سه گروه از اهل سنت می تواند باشد. گروه نخست تسنن جهادی است که بدون آنکه معطل تشکیل یا توشیح حکومت ها بماند، در رباط های مسلمین دست به سلاح برده است؛ ما با همین وجه حماس در اتحاد راهبردی هستیم و نه آن چهره اش که در دمشق به دنبال برپا کردن دولت اسلامی بود. گروه دوم تسنن دعوی است که در عصر مکی جا مانده و نه خود را آماده سیاست می داند و نه دل مشغول تکفیر و تبذیع مسلمانان شده؛ بلکه عرصه وسیع جمعیت های غیرمسلمان را بارانداز دعوت خود قرار داده است. گروه سوم اسلام سیاسی عجالتا سنی است که در حقیقت به بازاندیشی در الهیات تغلب روی آورده و به لحاظ ایدئولوژیک از شیعیان هویتی ما شیعه تر است.

در این چهارچوب ائتلافی ماموریت اصلی تهران نه فتح تلاویو، که تقویت خود و این سه گروه سنی خواهد ماند. همانطور که ریاض را باید مجاهدان حجازی بگشایند، گره تلاویو نیز توسط مجاهدان فلسطینی باید گشوده شود. عمده کار ما آن است که مزاحمت دولت های سنی را برای مجاهدت گروه های سنی مرتفع کنیم و مسیر سیاست را در جمعیت های سنی گشوده نگاه داریم. جنگ مستقیم میان ایران و

اسرائیل، خواسته همان پایتخت‌های سنی است که به خوبی می‌دانند پایه تختشان، وجه المصالحه بیت المقدس است.^۱

بزرگداشت میلاد پیامبر اکرم (ص)؛ سیاست دینی و ملی کارآمد انصارالله

به قلم: احمد حاجی صادقیان



سابقه برگزاری جشن عمومی میلاد پیامبر اکرم (ص) توسط جنبش انصارالله به مارس ۲۰۰۸ مصادف با ربیع الاول ۱۴۲۹ هجری قمری باز می‌گردد. در آن دوران و در میانه جنگ‌های شش‌گانه صعه و درگیری‌های جنبش انصارالله با ارتش علی عبدالله صالح جنبش انصارالله تجمعی را در منطقه مطره در استان صعه ترتیب داد و سید عبدالملک الحوثی برای نخستین بار به عنوان رهبر انصارالله در یک

چرا-تسنن-هویتی-توثیت-/1.mersadcss.com/products/commentary/
/رهبری-را-به-خود-گرف

مراسم عمومی برای مردم سخنرانی کردند. از آن روز تاکنون انصارالله هر سال این مناسبت را باشکوه‌تر از قبل گرمی داشته و آن را به مهم‌ترین مناسبت ملی و مذهبی در مناطق تحت کنترل خود تبدیل کرده است. این انتخاب و تاکید از سر اتفاق نبوده و هوشمندی مقامات انصارالله در این انتخاب کاملاً مشهود است. جنبش انصارالله به عنوان یک حرکت دینی و سیاسی یمنی تاکنون مزایای متعدد سیاسی و اجتماعی را از این بزرگداشت برداشت کرده است.

تاکید بر هویت متعارض با سلفیه وهابی

از ابتدای دعوت محمد بن عبدالوهاب در شبه جزیره عربی زیدیه یمن آماج حملات نظامی و فکری این دعوت بوده است. از کشتار حجاج یمنی در جنایت تنومه در سال ۱۹۲۳ تا تلاش برای تبدیل صعه - پایتخت تاریخی و علمی - فرهنگی زیدیه یمن - به قطب سلفیه وهابی از طریق تاسیس دارالحدیث دماج؛ همه مسیرها برای پایان دادن به حیات رقیب فکری و سیاسی دولت وهابی نجد پیموده شده است. جنبش احیاگر سیدحسین الحوثی که با الهام از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره) تاسیس و پیگیری شد را باید مهم‌ترین اقدام جامعه زیدیه در برابر این هجوم همه جانبه بدانیم. هرچند رکن اساسی این دعوت احیاگرانه همانگونه که از متن شعار اصلی این گروه هویداست مبارزه با استکبار جهانی آمریکا و صهیونیسم است اما

بدون شک مهمترین دشمن محلی که جنبش انصارالله از روز نخست با آن درگیر شد و این درگیری تاکنون ادامه دارد جریان سلفیه وهابی است.

هرچند ریشه اصلی انقلاب ۱۹۶۲ در شمال یمن مسئله جمهوریت و استبداد ستیزی بود ولی نمی توان از ابعاد مهم رقابت مذهبی بین اهل سنت و زیدیه در این انقلاب غافل شد. تاسیس دارالحديث دماج به دست مقبل بن هادی الوادعی در استان صعده در ابتدای دهه ۸۰ میلادی و توسعه آن با حمایت های مالی و سیاسی عربستان سعودی را باید یک قدم بزرگ برای حذف زیدیه از سپهر اجتماعی و مذهبی شبه جزیره عربی ارزیابی کنیم که موجب شد حساسیت جامعه مذهبی زیدی در شمال یمن نسبت به این توطئه بیشتر شود. جامعه زیدی یمن از همان دهه ۸۰ میلادی اعتراضات به این حریم شکنی هویتی نسبت به پایتخت تاریخی زیدیه را به اشکال مختلف آغاز کردند ولی روند تحولات داخلی یمن و منطقه ای در کنار ضعف نهادی جامعه زیدی و دور افتادن از مرکزیت قدرت در صنعا نتوانست دغدغه های آنان را پاسخ دهد.

شکست دو الگوی مشارکت در نظام سیاسی از طریق تاسیس حزب الحق و پیگیری پروژه مشترک با دولت از طریق انجمن شباب المومن موفقیت آمیز نبود. این سیاست نتوانست نظر زیدیان هویتی در مقابله با موج زیدی زدایی در مناطق شمال صنعا تا استان صعده را تامین کند. در نهایت تمامی این اتفاقات موجب شد این جریان به سمت گزینه دیگر حرکت کند. در نتیجه این تحولات جنبش انصارالله

به عنوان یک حرکت زیدی مستقل از حکومت برای پیگیری دغدغه‌های جامعه متدین زیدی توسط سیدحسین الحوثی و با حمایت سید بدرالدین الحوثی به عنوان یکی از شاخص‌ترین علمای معاصر زیدی تاسیس شد.

شرایط و تحولات دهه نخست قرن ۲۱ در جهان اسلام و خاورمیانه موجب شد انتخاب شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل به عنوان شعار محوری، انصارالله را در معرض پاسخگویی از سمت قدرتهای جهانی و منطقه‌ای قرار دهد. جدا شدن از پروژه‌های دولت صالح برای مهار اخوانی‌ها، موجب شده همکاری قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با استبداد داخلی برای حذف این جریان کلید خورده و انصارالله ائتلافی از نیروهای داخلی و بین‌المللی را در مقابل خود ببیند.. در همین راستا ماشین تبلیغاتی وهابیت و سلفیه برای توجیه سرکوب بیش از پیش جامعه زیدی یمن فعال شد و با انتساب اتهامات تکراری وهابیت به مخالفان خود یعنی خروج از دین، کفر و شرک سعی در وجاهت بخشی به سرکوب زیدیان داشت.^۱

بزرگداشت- میلاد- پیامبر -/ mersadcss.com/products/commentary/
اکرم- در- یمن

«لایحه مفتی» و رقابت‌های فرقه‌ای در مالزی

نویسنده: عزت شمس‌الدین



در جولای، دولت مالزی، از طریق وزیر امور دینی، محمد نعیم مختار، لایحه جدید مفتی برای مناطق فدرال را معرفی کرد. این لایحه که انتظار می‌رود قرائت بعدی آن در پارلمان اواخر این ماه (اکتبر) انجام پذیرد، نگرانی‌هایی را درباره افزایش رقابت‌های فرقه‌ای بین نخبگان مالزی برانگیخته است.

این لایحه به دلایل مختلفی بحث‌برانگیز است. این لایحه، مفتی مناطق فدرال را، که به شاه و دولت فدرال در مسائل مذهبی مشاوره می‌دهد، ملزم می‌کند که به طور دقیق از مذهب سنی، به‌ویژه عقاید

اشعری و فقه شافعی پیروی کند و در عین حال به مفتی مصونیت محدود از تعقیب قانونی اعطای کند.

این مقررات فرقه‌ای مجموعه گسترده‌ای از دیگر مذاهب فقهی اسلامی، از جمله مالکی، حنبلی، حنفی، شیعی و اشکالی غیرمذهبی از اسلام را، با وجود حضور آنها در مالزی و به رسمیت شناخته شدن در برخی از مناطق جهان اسلام، نادیده می‌گیرد. از این گذشته، مصونیت قانونی برای مفتی نشان‌دهنده یک حرکت غیردموکراتیک برای محافظت از یک شخصیت مذهبی از پاسخگویی قانونی است و مفتی را بالاتر از دیگر مقامات عمومی قرار می‌دهد.

این تغییر به سوی تئوکراسی در مالزی بی‌سابقه نیست. کتاب دکتر مظنه محمد با عنوان «بوروکراسی الهی و عدم رضایت از زندگی اجتماعی: مطالعه‌ای بر بوروکراسی اسلامی در مالزی»، بر بوروکراتیزه شدن سریع اسلام از دهه ۱۹۸۰ به بعد تأکید دارد. به دلیل تأمین مالی عمومی قابل توجه، مذهب اکنون به هر جنبه‌ای از زندگی عمومی و خصوصی نفوذ کرده است. با این حال، «لایحه مفتی» نشان‌دهنده یک چرخش فرقه‌ای آشکارتر در بوروکراتیزه شدن اسلام از دهه ۲۰۰۰ است که هدفش نهادی کردن اشعریت سنی به عنوان نسخه‌ای از اسلام تحت تأیید دولت است.

رقابت بین نخبگان مالایی

برای درک انگیزه پشت این لایحه، باید رقابت فرقه‌ای بین نخبگان مسلمان مالایی را درک کرد.

اولاً، این لایحه نشان می‌دهد که چگونه نخبگان مذهبی زیر نظر دولت به رهبری انور ابراهیم، که از سوی وزیر امور دینی هدایت می‌شوند، به طور فعالانه‌ای در حال پیشبرد نظام شریعت از طریق قوانین جدید هستند.

این فشار از سوی جناح‌های راست‌گرا، به ویژه مخالفان ائتلاف پریکتان ناسیونال (PN)، به رهبری حزب اسلامی مالزی (PAS) اعمال می‌شود. آنها نخبگان مذهبی ائتلاف پاکاتان حرپان-باریسان ناسیونال انور را به هم‌دستی با یک ائتلاف متمایل به لیبرال و طرفدار چین متهم می‌کنند. احکام اخیر دادگاه عالی فدرال - مانند پرونده نیک الین که برخی مقررات مربوط به جرایم اخلاقی در قوانین شریعت ایالت کلانتان را باطل کرد، پرونده ایکی پوترا که مقررات قانون شریعت سلانگور در مورد ضد همجنس‌گرایی را لغو کرد و پرونده لوسیو هانگ که تغییر کیش یک جانبه کودکان به اسلام را لغو کرد - تهدیدات درک شده علیه سیستم شریعت را تشدید کرده و این حرکت قانون‌گذاری را تقویت کرده است. این استراتژی به دنبال جلب حمایت نخبگان مذهبی، بوروکرات‌ها و رای‌دهندگان محافظه‌کار مسلمان است.



افزایش تنش‌ها به دلیل لایحه بحث برانگیز ۳۵۵ RUU است که به دنبال گسترش حوزه قضایی جنایی شریعت در سراسر کشور و اعمال مجازات‌های شدیدتر است. این لایحه در دولت انور همچنان شتاب گرفته است.

ثانیاً، جناح‌های مذهبی، به‌ویژه مفتی‌ها و بوروکرات‌ها، در یک مبارزه قدرت قرار دارند و رقابت فرقه‌ای عمیق بین جناح‌های اشعری غالب و جناح‌های سلفی اقلیت را آشکار می‌کنند، هرچند هر دو به اسلام سنی تعلق دارند. این شکاف دیرینه درون مذهبی همچنان شکل‌دهنده اکثریت مسلمان مالزی است.

«لایحه مفتی» از حمایت قوی ۱۲ مفتی ایالتی و شبکه‌های حامی اشعری، از جمله انجمن اهل سنت و جماعت (اسواجی) و انجمن علمای ساراواک (اتحاد) برخوردار شد.

در مقابل، ایالت پرلیس که به عنوان پناهگاه امنی برای سلفیه شناخته می‌شود، با این لایحه مخالفت کرد. سلفیت در این ایالت به دلیل نفوذ مفتی عصری زین‌العابدین، یکی از مدافعان برجسته سلفیت، رشد کرده است. او از حمایت خاندان سلطنتی ایالت، سیاستمداران محلی، شبکه‌های مساجد و حامیان خارجی سلفی، از جمله واعظ جنجالی و تبعیدی ذاکر نایک، برخوردار است.

علی‌رغم اختلافات داخلی بین سلفی‌های خاموش (quietists) متأثر از سلفیان سعودی و مدرنیست‌های همسو با اخوان المسلمین، جناح‌های سلفی در مخالفت با این لایحه متحد شدند. شخصیت‌های برجسته سلفی مانند مفتی عصری زین‌العابدین، مدرس دانشگاه UPSI روزیمی رمله و فاتح الباری مات جهیا، رئیس UMNO در شهر کانگارا ایالت پرلیس، این مقاومت را رهبری کردند. با اینکه این جناح‌ها اغلب بر سر مسائل سیاسی اختلاف نظر دارند، درک کرده‌اند که لایحه مفتی که به مناطق فدرال اعمال می‌شود، می‌تواند به عنوان الگویی برای سایر ایالت‌ها باشد و نفوذ آن‌ها را در سطح ملی محدود کند. جالب اینجاست که هرچند سلفی‌ها مخالفت خود را به عنوان دفاع از «آزادی اندیشه» مطرح کردند، نگرانی اصلی آن‌ها همچنان حفظ قدرت فرقه‌ای خودشان است.



نخبگان اشعری که عمدتاً در دانشگاه‌های محلی و دانشگاه‌الازهر مصر تحصیل کرده‌اند، علمای سلفی را که بسیاری از آن‌ها تحصیلات خود را با حمایت مالی عربستان سعودی گذرانده‌اند، تهدیدی مستقیم می‌بینند. در جریان جنگ جهانی علیه تروریسم در دهه ۲۰۰۰، بسیاری از مالزیایی‌ها از بورسیه‌های عربستان سعودی برای تحصیل در مؤسسات عربستان بهره‌مند شدند. پس از بازگشت به مالزی، آن‌ها رویکردی سخت‌گیرانه معرفی کردند که اعمال اشعری را غیر اسلامی می‌خواند و ادعا می‌کرد از تعالیم اصلی پیامبر (ص) و صحابه او انحراف دارد. برای اشعریان، این مسئله تهدیدی برای هژمونی موجود آن‌ها بر نهادهای دینی مالزی و زندگی سنتی مسلمانان بر اساس اصول اشعری محسوب می‌شد.

در واکنش به این موضوع، مقامات اشعری تلاش کرده‌اند نفوذ سلفی را محدود کنند؛ از جمله جلوگیری از ورود آن‌ها به خدمات عمومی دینی، عدم اعطای مجوزهای تبلیغ، و حتی زندانی کردن افرادی مانند رسول ده‌ری، واعظ سلفی سنگاپوری. نهادهای تحت رهبری اشعری نه

تنها سلفیان، بلکه شیعیان، احمدی‌ها و مسلمانان لیبرال را نیز از طریق خطبه‌ها، کتاب‌های درسی، فتواها و جرم‌انگاری، مورد نکوهش قرار می‌دهند.

با این حال، سلفیان توانسته‌اند به مناطقی مانند ایالت پرلیس، مؤسسات آموزشی، احزاب سیاسی مالایی و پلتفرم‌های تبلیغ دینی آنلاین مانند «پرو مدیا تجدید (ProMediaTajdid)» و «علم السلف (Ilmu Salaf)» نفوذ کنند. آن‌ها خود را به عنوان «اصلاح طلب» معرفی کرده و نسل‌های جدید و مذهبی را جذب کرده‌اند. نجیب رزاق، نخست‌وزیر پیشین مالزی، نیز به ترویج سلفی‌گری کمک کرد و به دنبال کسب مشروعیت دینی از طریق ائتلاف با سلفیان خاموش که به وفاداری به دولت شهرت دارند و همچنین همکاری با حامیان سعودی آنها، به ویژه در جریان رسوایی فساد MDB، بود.

سوم، لابی‌های حامی اشعری‌گری مدت‌ها تلاش کرده‌اند تا اشعری‌گری سنی را در سیاست‌های امنیت ملی جای دهند، حتی پیش از تدوین لایحه مفتی. نفوذ آن‌ها موجب شده است که تمرکز بر سلفی‌گری به عنوان منبع اصلی رادیکالیسم در بخش امنیتی تثبیت شود. برای مثال، این نفوذ به مصادره مکرر کتاب‌های سلفی به عنوان مطالب براندازانه و ترویج آموزه‌های اشعری در بازپروری زندانیان تروریست منجر شده است. زمیهان مات زین، رهبر اسواجی، و دانشگاهیان حامی اشعری از دانشگاه‌های اسلامی محلی، این تلاش‌ها برای ریشه‌کن کردن افراط‌گرایی را رهبری کرده‌اند.

رهبران اصلی اهداف متفاوتی دارند

با وجود اختلافات سیاسی، نخست‌وزیر انور ابراهیم و هادی اوانگ، رهبر حزب اسلامی مالزی (PAS)، هر دو خواستار بررسی دقیق‌تر لایحه مفتی شده‌اند. آنها به عنوان چهره‌های اسلام‌گرای جهانی، از تقریب، که هدف آن پل زدن میان اختلافات فرقه‌ای در امت اسلامی است، حمایت می‌کنند. این دستور کار به ویژه در پی حملات وحشیانه اسرائیل در پاسخ به حملات ۷ اکتبر حماس، که وضعیت مسلمانان در فلسطین، لبنان و سوریه را بدتر کرده، مورد توجه قرار گرفته است.

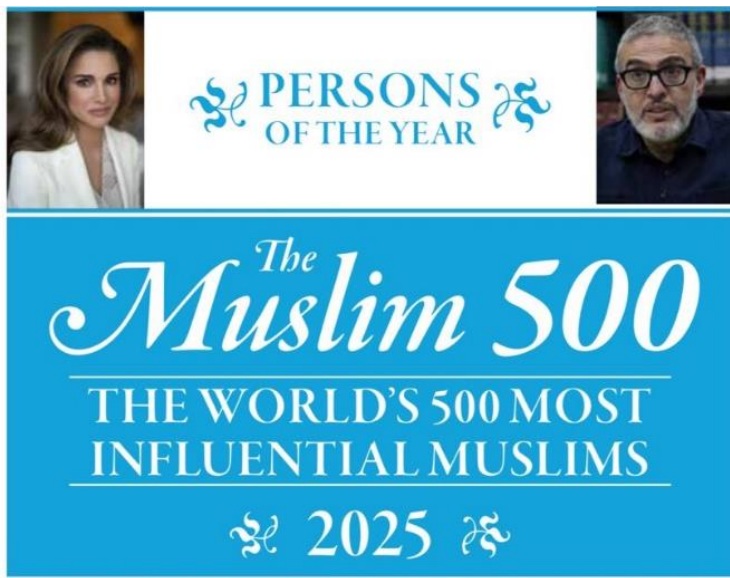
هر دور رهبر به طور مرتب با شخصیت‌های مسلمان فراتر از مرزهای فرقه‌ای، از جمله رهبران حماس، اخوان المسلمین مصر و ترکیه، و رهبری شیعه ایران ارتباط دارند. ملاقات اخیر هادی با روحانیان ایرانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روابط مستحکم او با رهبران شیعه را برجسته کرد.

دولت انور باید با این رقابت فزاینده فرقه‌ای روبرو شود و از آن چشم‌پوشی نکند. پس از نخستین آزادی از زندان، انور در سال ۲۰۰۵، در کنار شخصیت‌های برجسته مالزی مانند خیری جمال الدین، رهبر سابق جوانان آمنو و وزیر بهداشت، از «پیام عمّان» حمایت کرد. این توافق تاریخی، که با حمایت رهبران جهانی مسلمانان و در پی تهدیدهای

القاعده صورت گرفت، همه فرقه‌های اسلامی، از جمله شیعه، را به رسمیت می‌شناسد و تکفیر مسلمانان را ممنوع می‌داند.^۱

پرده برانداختن سالنامه «۵۰۰ مسلمان»؛ نسخه ۲۰۲۵ رسواتراز همیشه

به قلم: حامد دهقانی



مرکز سلطنتی تحقیقات راهبردی اسلام مستقر در اردن، نسخه ۲۰۲۵ خود از سالنامه «۵۰۰ مسلمان» را منتشر کرد که از نگاه خود تأثیرگذارترین مسلمانان جهان را معرفی و رتبه‌بندی می‌کند. اما

1 thediplomat.com/2024/10/competing-sectarianisms-in-malaysia

شگفت آنکه این مرکز سلطنتی، امسال ملک عبدالله اردن را تاثیرگذارترین مسلمان اعلام کرده و یکی از دلایل انتخاب وی پدافند کردن موشک‌های ایران در عملیات «وعده صادق ۱» عنوان کرده است! از این گذشته، همسر ملک عبدالله نیز به عنوان تاثیرگذارترین زن مسلمان معرفی شده است.

این سطح از فریب‌کاری البته خنده‌دار و در خور تمسخر است، اما آنچه آن را ظالمانه جلوه می‌دهد دلایلی است که برای شماره ۱ بودن پادشاه ارائه شده است.

برای نمونه گفته شده که ملک عبدالله اردن «موثرترین رهبر اسلامی» در مقابله با جنگ اسرائیل و فلسطین بوده است! زیرا او با هواپیما چند کانتینر بارابه داخل غزه انداخته و موشک‌های ایرانی را که به سمت تل‌آویو حرکت می‌کردند سرنگون کرد و در نتیجه از جنگ بزرگ‌تری جلوگیری کرد.

گرچه نسخه جدید به‌روشنی از «پروژه» بودن این سالنامه برای اهداف پادشاهی اردن و حامیان غربی‌اش پرده برمی‌دارد، اما برای ناظرانی که هر ساله خبر انتشار شماره جدید «۵۰۰ مسلمان تاثیرگذار» را دنبال می‌کردند، اهداف و اغراض این پروژه چندان پوشیده نبود.

سردبیر این سالنامه، عبدالله شلیفر، مستبصری است که پیشتر یهودی بوده و هم‌اکنون گرایش‌های صوفیانه دارد. «۵۰۰ مسلمان» پروژه‌ای است که به توصیه اندیشکده‌های آمریکایی تلاش می‌کند «اسلام معتدل، مدرن و صوفیانه» را در برابر نسخه‌های سنتی،

شریعت‌گرا، اسلام‌گرا و یا سلفی از اسلام برجسته سازد. درست همان کاری که اماراتی‌ها با هزینه‌هایی هنگفت در یکی دو دهه‌ی اخیر در آن پیشرو بوده‌اند. این نسخه‌ای است که نه تنها خطرات اسلام سیاسی را برای تمدن غرب ندارد، بلکه به راحتی با ایدئولوژی و فرهنگ غربی هم‌ساز و هم‌نوا می‌شود.

Born: 10 January 1961 (age 61)
Source of Influence: Counselor of the Muslim and Christian holy sites in Jerusalem, direct descendant of the Prophet Muhammad ﷺ
Influence: King with authority over 12 million Palestinians, monarch in Traditional Islam
School of Thought: Traditional Sunni
sana (a)
sana (a)
sana (a)

On September 19th during his official visit to Singapore, HH Pope Francis said: (in a historic, politically and spiritually unprecedented statement from a Catholic Pope about a Muslim ruler)
'And I want to say something, this may be a bit of me getting involved in politics: I am very, very grateful to the King of Jordan. He is a man of peace. King Abdullah is a good man.'

Over:
4.1 million medical cases treated in Gaza by the Jordanian military since the start of the war
41st generation direct descendant of the Prophet Muhammad ﷺ



82

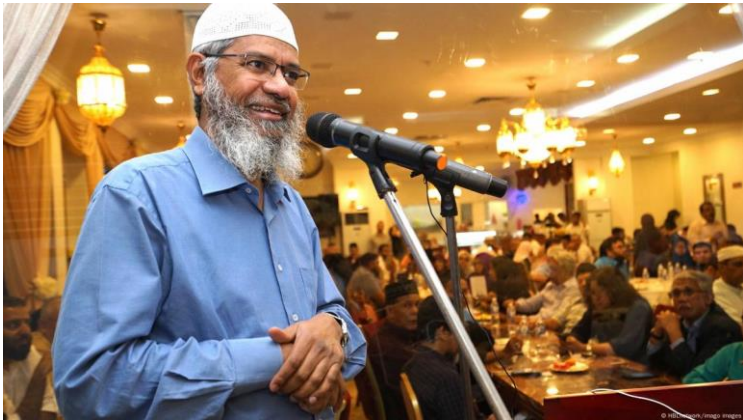
ﷲ ﷻ
His Majesty
King Abdullah II ibn Al-Hussein

'Plan D': Israel tried repeatedly to drag Iran and the US into a wider regional war. On April 1st they bombed the Iranian Consulate in Syria and on July 31st they assassinated Hamas's political leader Ismail Haniyeh (see page 238) in Tehran. In response to the first, and in co-ordination with allies, Jordan shot down Iranian missiles headed for Israel over Jordan, and in response to the second, the King dispatched his foreign minister to the new, moderate President in Iran, Masoud Pezeshkian (see page 230) to convince him not to respond. The king was at first criticised in the Islamic world, even in Jordan, for both actions, but a wider war has so far been averted, and conflict remains at the level of controlled tit-for-tat attacks between Israel and Iran's regional allies (Hezbollah in Lebanon and Ansarullah in the Yemen) to this day, proving the King right, and keeping the focus on the suffering in Palestine.

از همین رو است که چهره‌های اسلام‌گرا یا سلفی در فهرست این سالنامه چندان جایی ندارند. در عوض، همواره این رهبران صوفی چون عبدالله بن بیه، عمر بن حفیظ، علی جفری، علی جمعه و... هستند که در صدر لیست مسلمانان تأثیرگذار قرار می‌گیرند.

گزارش

سفر رسمی «ذاکر نایک» به پاکستان هم زمان با تشدید تنش‌ها بآهند



به دعوت وزارت امور دینی و مذهبی دولت مرکزی پاکستان، واعظ و مبلغ جنجالی هندی دکتر ذاکر نایک طی یک سفر تبلیغی دینی مذهبی یک ماهه، در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴ (۹ مهرماه ۱۴۰۳) وارد پاکستان شد. هنگامی که ذاکر نایک روز دوشنبه وارد پاکستان شد، علاوه بر رانا مشهود، دستیار نخست وزیر پاکستان، نمایندگان مهم وزارت امور دینی و مذهبی و سایر مقامات دولتی به گرمی از وی استقبال کردند.

این اولین سفر رسمی او به پاکستان پس از یک دوره طولانی سی ساله است که به دعوت دولت کنونی پاکستان انجام گرفته است. او برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ به پاکستان شخصی سفر کرده و در لاهور با واعظ و مبلغ معروف پاکستانی دکتر اسرار احمد ملاقات کرده بود.

دکتر ذاکر نایک طی سفر تازه خود، پس از ورود به پاکستان عکسی از دیدار خود با اسحاق دار وزیر امور خارجه پاکستان را در شبکه X به اشتراک گذاشت. وی همچنین با سردار ایاز صادق رئیس مجلس ملی پاکستان و از رهبران ارشد حزب مسلم لیگ (ن) دیدار و در مورد چالش‌های پیش روی مسلمانان، هماهنگی بین ادیان و سایر موضوعات مهم بحث و تبادل نظر کرد.

برنامه‌های عمده او شامل شرکت در اجتماعات مختلف بزرگ و ایراد سخنرانی‌ها در شهرهای کراچی، لاهور و اسلام آباد بود. اولین برنامه او پس از ورود به پاکستان، در ۵ اکتبر ۲۰۲۴ در داخل دفتر فرماندار سند در کراچی و برنامه دوم در ۱۲ اکتبر در لاهور برگزار شد. او در ۱۹ اکتبر در یک گردهمایی بزرگ در اسلام آباد سخنرانی کرد. وی تا ۲۸ اکتبر در گردهمایی‌های مختلف در پاکستان که توسط وزارت امور دینی این کشور هماهنگی شده است، سخنرانی خواهد کرد.

ذاکر نایک کیست؟

عبدالکریم ذاکر نایک یک واعظ و مبلغ مسلمان هندی است که به خاطر مباحث تطبیقی با ادیان مختلف از جمله هندو، یهود و مسیحی شهرت دارد. او از لحاظ پیشه و تخصصی یک دکتر پزشکی است. او پس از تکمیل پزشکی، به جای ادامه دادن به پیشه پزشکی، موعظه و تبلیغ را انتخاب کرد. وی حدود ۳۴ سال است که در کشورهای مختلف به تبلیغ اسلام می‌پردازد.

ملک سلمان بن عبدالعزيز پادشاه عربستان در اول مارس ۲۰۱۵ بزرگترین مدال جهان اسلام را به نام «جایزه شاه فیصل» با مبلغ ۷۵۰ هزار ریال به ذاکر نایک اهدا کرد.

گفته می‌شود که در حال حاضر تعداد دنبال کنندگان شبکه‌های مجازی، تلویزیون اینترنتی و وبسایت‌های دکتر ذاکر نایک بیش از ۲۰۰ میلیون است.

این دکتر ۵۸ ساله که تبدیل به مبلغ تلویزیونی شده است، از اوایل دهه ۱۹۹۰ به این سویک چهره مناقشه برانگیز بوده است و در هند به دلیل اتهامات پولشویی و سخنان نفرت انگیز تحت تعقیب است.



وقتی مشکلات بسیاری برای ذاکر نایک در هند به وجود آمد، او به مالزی فرار کرد و همانجا اقامت گزید. اخیراً یک یوتیوبر پاکستانی از ذاکر نایک پرسیده بود که چرا نمی‌تواند به هند برود و چرا وقتی به مالزی رفت، پاکستان را انتخاب نکرد؟ ذاکر نایک پاسخ داد که گرفتن ویزای پاکستان برای من آسان بود، همه این را می‌دانند. اگر می‌خواستم

می توانستم به آنجا بروم. ولی اگر در پاکستان پناهنده می شدم، مرا به ارتباط با ای اس ای متهم می کردند، به همین دلیل به پاکستان نرفتم. ذاکر نایک چون به طور گسترده به عنوان حامی القاعده، داعش و اسامه بن لادن شناخته می شود، دیدگاه های گوناگونی درباره وی مطرح است.

دارالعلوم جامعه العلوم الاسلامیه بنوریه کراچی (حوزه علمیه دیوبندی) در مورد شرکت در دروس و سخنرانی های ذاکر نایک فتوای زیر را صادر کرده است: «لازم به ذکر است که دکتر ذاکر نایک از نظر شرعی مقلد نیست، در مورد ادیان و مذاهب اطلاعات زیادی دارد و در تقابل ادیان نیز تخصص دارد. در این موارد می توانید به سخنان او گوش دهید، اما دانش او در حدیث و فقه در این حد نیست که بطور کامل به او اعتنا کرد. او چون در بسیاری از مسائل از اهل سنت عدول کرده است لذا در این موارد گوش دادن و اعتنا کردن به سخنان ذاکر نایک جایز نیست.»

دارالعلوم معروف دیوبند هند، درباره ذاکر نایک در فتوای ده صفحه ای مفصلی پس از بحث مدلی درباره اظهارات گمراه کننده دکتر ذاکر به شرح ذیل فتوا بیان شده است: «دکتر ذاکر نایک در موارد گمراه کننده ای مانند: انحراف از راه امت سلف، منحرف کردن مردم از پیروی از ائمه مذاهب اربعه، دور کردن مردم از حوزه های علمیه و بیگمان کردن نسبت به علمای حق، فعالیت دارد؛ لذا با توجه به شرح و تفسیر عقاید او، مطالبی که در این کتاب، در این باره نوشته شده و فتوای مفصلی که در

ذیل آنها صادر شده است، حکم به جایز نبودن گوشش دادن به اظهارات اوست.^۱

واکنش‌ها به سفر ذاکر نایک

در سه دهه اخیر، این اولین سفر نایک به پاکستان است. او آخرین بار در سال ۱۹۹۲ به پاکستان سفر کرده بود. سفر او به دعوت حکومت پاکستان انجام شده و بسیاری از فعالان و منتقدان رانگران کرده، زیرا ورود او به چندین کشور، از جمله هندوستان، بنگلادش، سریلانکا و بریتانیا به دلیل دیدگاه‌های مذهبی تندروانه ممنوع شده است.

ذاکر نایک به دلیل برخی اظهارات مذهبی اختلافی به یکی از جنجالی‌ترین چهره‌ها در جهان اسلام تبدیل شده است. دکتر ذاکر نایک در یک کنفرانس بزرگ در بمبئی در ۹ دسامبر ۲۰۰۷ که به طور زنده از رادیو و تلویزیون پخش شد به پاسخ سؤالی گفته بود که نبرد و حماسه کربلا یک جنگ اسلامی نبود بلکه یک جنگ سیاسی بین دو شاهزاده مسلمان بود. او در کنار این بیانیه، همچنین کلمه رضی الله عنه را با نام یزید به کار برد. این بیانیه به اعتراضات گسترده مسلمانان در سراسر شبه قاره منجر شد و توسط بسیاری از رهبران مسلمان، از جمله علمای برجسته سنی و شیعه مورد محکومیت و انتقاد شدید قرار گرفت.

در مراسمی رسمی که توسط دولت سند برای استقبال از ذاکر نایک برگزار شده بود فرماندار سند، کامران خان تسوری در خطبه خوش آمدگویی خود به بیانیه ذاکر نایک اشاره کرد و گفت که مسلمانان تنها دو شاهزاده دارند که امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) هستند و در مقایسه با آنها یزید فردی منفور است که امروز هیچ مسلمانی حاضر نیست نام پسرش را یزید بگذارد.

روحانی و خطیب معروف شیعه، سید شهنشاه حسین نقوی، نیز طی سخنرانی خود از موضع کامران خان تسوری حمایت کرد و گفت که اظهارات ذاکر نایک در مورد حماسه عاشورا، هم برای مسلمانان شیعه و هم مسلمانان سنی موجب رنج و اذیت بود و من به شدت با آن مخالف بودم، اما خوشبختانه وی بعد از آن دیگر حرف خود را تکرار نکرد که نشان می‌دهد به اشتباه خود پی برده است.

حسین حقانی که از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ سفیر پاکستان در آمریکا بود، در توثیت خود در شبکه ایکس نوشته است: دولت پاکستان باید این دعوت را قبل از قطعی کردن، دقیق بررسی می‌کرد، چون دعوت از مبلغان خشونت‌گرای مذهبی چهره کشور را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد و پاکستان خود به اندازه کافی مبلغان تندرو را دارد که نیازی به دعوت از بیرون نبود.

پرویز هودبهای، فیزیکدان هسته‌ای و فعال اجتماعی در واکنش به این سفر گفت: «از اینکه ذاکر نایک به عنوان مهمان دولتی دعوت

شده، ناراحتم، اما متعجب نشده‌ام.» هودبهای افزود: «دولت [پاکستان] در حال افزودن سوخت در آتش است.»

تحلیل: چنین می‌نماید که با روی‌گردانی سعودی‌ها از اسلام سلفی، پاکستان اکنون فعالانه خود را حافظ آن عنوان می‌کند. دعوت از نایک به عنوان یک «مهمان دولتی» می‌تواند گامی در جهت این امر است. سفر نایک به پاکستان در زمانی انجام می‌شود که روابط بین این دو کشور همسایه به شدت تیره شده است.

سفر ذاکر نایک به دلیل ابراز سخنان نفرت‌انگیز به چندین کشور از جمله هند ممنوع است. پاکستان با پذیرایی سلطنتی از او اعلام می‌کند که متعهد به پذیرش اسلام بنیادگرای سنی است.

گزارشی از آمار کاراکترهای همجنس‌گرا در آثار هالیوودی



سازمان گلد، به‌عنوان بزرگ‌ترین مافیای حمایت از گروه‌های رنگین‌کمانی، هر ساله عملکرد کمپانی‌های هالیوودی را بررسی کرده و به میزان ترویج انحرافات جنسی از سوی هر تولیدکننده آمریکایی، نمره مردود تا عالی را منظور می‌کند.

سندیکای سنجش حمایت از همجنس‌گرایی در آمریکا، جوایز سالانه خود را نیز برگزار کرده و به فیلم‌هایی که اهداف این مجموعه را به بهترین نحو پیش می‌برند، جایزه نیز می‌دهد.

گلد علاوه بر اینکه عملکرد کمپانی‌های هالیوودی را زیر ذره‌بین می‌گیرد، به آنها در زمینه نحوه به زعم خود «صحیح» نشان دادن کاراکترهای رنگین‌کمانی، مشاوره می‌دهد.

چه تعدادی از فیلم‌های آمریکایی کاراکتر همجنس‌گرا دارند؟

از میان ۲۵۶ اثر اکران یا پخش شده در پلتفرم‌های آنلاین در سال ۲۰۲۳، هفتاد عنوان حداقل یک کاراکتر همجنس‌گرا داشته است. بر اساس آمار گلد، این آمار ۱ درصد نسبت به سال گذشته پایین آمده است. البته در سال گذشته، ۳۵۰ اثر سینمایی و مستند مورد بررسی قرار گرفته بود.

مسئله اینجاست که چنین نهادی، بی‌علت محتوای مستند را از آمار امسال حذف نکرده است؛ احتمالاً با بررسی آثار مستند، تعداد کاراکترهای همجنس‌گرا بیشتر از سال گذشته می‌شد و با روایت ترس‌پراکنی «هر سال اوضاع برای گروه‌های رنگین‌کمانی خراب‌تر می‌شود» هم‌خوانی ندارد. گلد به دفعات در گزارش صد صفحه‌ای خود می‌گوید که باید تعداد کاراکتر و داستان‌های منحرفان جنسی، بیشتر شود.

در مجموع ۱۷۰ کاراکتر همجنس‌گرا در ۷۰ فیلم حضور داشته‌اند. برای مقایسه در سال گذشته، ۲۹۲ کاراکتر رنگین‌کمانی در محصولات توزیع شده در بازار آمریکا حضور داشتند. ۴۶ درصد از آمار امسال را اشخاص غیر سفیدپوست به خود اختصاص داده‌اند. ۵۶ درصد از این افراد مذکر بوده، ۳۹ درصد مونث هستند و ۵ درصد خود را بدون جنسیت معرفی می‌کنند. تنها ۲ کاراکتر ترنس‌جنس در محصولات امسال حضور دارند که نسبت به سال گذشته، ۱۱ نفر کمتر شده است.

یک سوم از کاراکترهای همجنس‌گرای امسال، حداقل ۱۰ دقیقه مفید در محصولات سینمایی حضور داشته‌اند

به زعم گلاّد، مسئله نگران‌کننده و «توهین آمیز»، عدم حضور پررنگ کاراکترهای ترنس‌جنس‌گرا در محصولات امسال است! این نهاد می‌گوید: «با توجه به اینکه بیش از ششصد لایحه در باره «ترنس‌جنس‌گرا» در سال ۲۰۲۴ در آمریکا مطرح شده است، نباید در محصولات سینمایی، به این افراد توهین شود؛ اما در چند مورد می‌بینیم که کاراکترهای (استاندارد مرد یا زن)، کاراکترهای ترنس‌گرا به تمسخر می‌گیرند که امری بسیار خطرناک است... هالیوود باید داستان‌های عمیق و قدرتمند را از ترنس‌جنس‌گراها بگیرد.»

ما فی‌الوقت جنسی در ادامه یافته‌های خود اشاره داشت که کاراکترهای رنگین‌کمانی، حضور پررنگی در آثار اقتباسی نداشته‌اند. با اینکه روند افزایش تعداد ابرقهرمانان همجنس‌گرا در منبع کتاب و کامیک بوک و غیره، از منظر این نهاد خوب است، اما این کاراکترها آن‌طوری که «شایسته» آنان هست، در محصولات نشان داده نشدند.

گلاّد در بخش دیگری از گزارش خود می‌گوید اغلب کاراکترهای همجنس‌گرا، در بخش «بهترین رفیق کاراکتر اصلی» قرار می‌گیرند و داستان‌های عاشقانه حول افراد استاندارد و نرمال می‌چرخد و «خیلی از این کاراکترها صرفاً حالت نمایشی دارند.»

در راستای سیاست لیبرال‌ها و دموکرات‌ها در غرب برای شست‌وشوی مغزی کودکان و سوق دادن آنها به سوی انحرافات

جنسی، گلاب می‌گوید: «متأسفانه جای داستان‌های حول کاراکترهای رنگین‌کمانی در محتوای کودک خالی است... با اینکه دو فیلم «نیمونا» و «دبیرستان هیولاها» کاراکترهای همجنس‌گرای قابل قبولی داشت، اما این کاراکترها در باقی آثار، عمیق نبودند... مادر سال گذشته به هالیوود توصیه کردیم که باید تعداد محتوای کودک با تم رنگین‌کمانی را افزایش دهد، اما استودیوهای هالیوودی به جای افزایش این کاراکترها، از تعداد آنها کاسته‌اند.»

گفتنی است از دلایل موفقیت انیمیشن «درون و بیرون ۲» در گیشه، عدم ترویج مفاهیم رنگین‌کمانی بود؛ مردم آمریکا، با عدم استقبال از آثار کودکانه مبلغ همجنس‌گرایی، به کمپانی‌های هالیوودی تفهیم کردند که خریدار چنین محصولاتی نیستند. با این حال سازمان گلاب از تولیدکنندگان هالیوودی می‌خواهد که تعداد آثار حاوی پیام‌های منحرفانه را افزایش دهند.

معیارهای گلاب برای سنجش عملکرد کمپانی‌های هالیوودی برای نشان دادن «صحیح» کاراکترهای همجنس‌گرا از این قرار است:

۱. کاراکتر مورد قبول در یک محصول سینمایی باید علناً همجنس‌گرا، ترنس‌جندر، مجهول‌الجنس، بدون جنسیت SLGBTQIAP باشد.

۲. کاراکتر مورد قبول باید هویت، صفات و روحیات جنسیت خود را دارا بوده و با جنسیت‌های (استاندارد مرد و زن) متفاوت باشد. این کاراکتر باید به عنوان جنسیتی که دارد، در محصول نهایی تعریف شود.

۳. کاراکتر مورد قبول باید جزوهسته اصلی قصه باشد. به گونه ای که اگر او را از فیلم حذف کنیم، قصه ناقص می شود. نباید صرفاً برای ظاهرسازی (رفع تکلیف) از کاراکترهای رنگین کمانی استفاده کرد.

۴. نباید به کاراکتر مورد قبول، در محصولات سینمایی به علت گرایش و جنسیت آن ها، توهین شود.

تنها محصولات از این آزمون نمره «قبولی» را می گیرند که هر چهار ضابطه را رعایت کرده باشند.

سندیکای ترویج انحرافات جنسی، با شش واژه «عالی، خوب، متوسط، ناکافی، ضعیف و مردود» عملکرد کمپانی های هالیوودی را چنین ارزیابی می کند:

عملکرد کمپانی A۲۴

از میان ۱۶ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۵ اثر شامل کاراکترهای همجنس گرا بوده و ۴ عنوان نمره قبولی را می گیرند.

گلاد نمره ناکافی را به این کمپانی در حالی داده است که آنها در سال گذشته (۲۰۲۲) نمره خوب را دریافت کرده بودند. این کمپانی در سال ۲۰۲۲، «همه چیز همه جا به یکباره» را عرضه کرده بود که علاوه بر اینکه برنده جوایز اصلی اسکار شد، شامل کاراکترهای همجنس گرانیز بود.

عملکرد کمپانی آمازون

از میان ۲۱ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۸ اثر شامل کاراکترهای همجنس‌گرا بوده و ۶ عنوان نمره قبولی را می‌گیرند.

گلاد نمره خوب را به آمازون داد و یکی از ثروتمندترین و بزرگترین کمپانی‌های تکنولوژی/سرگرمی در جهان، جایزه بزرگترین منحرف جنسی را از دیزنی ربود. آمازون سال گذشته نمره متوسط را گرفته بود.

آمازون چند جایزه اختصاصی گلاد را نیز برای «دستاوردهایش» در ترویج انحرافات جنسی برده است. تعدادی از محصولات سینمایی شامل کاراکترهای همجنس‌گرا از آمازون نیز در اسکار ۲۰۲۴، خوش درخشیدند.

عملکرد کمپانی اپل تی‌وی

از میان ۶ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۱ اثر شامل کاراکترهای همجنس‌گرا بوده و هیچ فیلمی نمره قبولی را نمی‌گیرند.

با این روگلاد نمره مردودی را به اپل داده است. این کمپانی در سال ۲۰۲۲ نیز نمره ضعیف را گرفته بود.

ناگفته نماند که چون اپل از منظر گلاد در زمینه ترویج انحرافات جنسی خوش ندرخشیده است، به این منظور نیست که این کمپانی آمریکایی، ارزش‌های محافظه‌کارانه داشته و لیبرال نیستند. در واقع

اپل در محصولات تلویزیونی خود سردمدار نشان دادن قصه‌های رنگین‌کمانی است!

عملکرد کمپانی لایزگیت

از میان ۴۰ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۸ اثر شامل کاراکترهای همجنس‌گرا بوده و ۶ عنوان نمره قبولی را می‌گیرند.

گلاد نمره ناکافی را به این کمپانی در حالی داده است که آنها در سال گذشته نمره مردود را دریافت کرده بودند.

عملکرد کمپانی یونیورسال

از میان ۳۰ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۶ اثر شامل کاراکترهای همجنس‌گرا بوده و ۵ عنوان نمره قبولی را می‌گیرند.

گلاد نمره متوسط را به این کمپانی در حالی داده است که آنها در سال گذشته نمره خوب را دریافت کرده بودند.

گلاد به این علت از عملکرد یونیورسال نسبتاً راضی است که چون این کمپانی، یک محصول برای مخاطب کودک و نوجوان را عرضه کرده بودند.

عملکرد کمپانی نتفلیکس

از میان ۴۰ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۱۴ اثر شامل کاراکترهای همجنس‌گرا بوده و ۱۰ عنوان نمره قبولی را می‌گیرند.

گلاد نمره متوسط را به این کمپانی در حالی داده است که آن‌ها در سال گذشته نمره متوسط را دریافت کرده بودند.

نتفلیکس نه تنها یک انیمیشن با تم پررنگی از همجنس‌گرایی را در ۲۰۲۳، عرضه کرد بلکه فیلمی حول یک مرد به زعم گلاَد «قهرمان» حقوق‌گروه‌های رنگین‌کمانی را ساخت و به نمایش گذاشت. این فیلم جزو نامزدهای اصلی اسکار بود و در فصل جوایز، تعدادی پیروزی نیز کسب کرد.

نتفلیکس چند فیلم دیگر از چهره‌های معروف همجنس‌گرا را نیز در این بازه زمانی پخش کرده است. یک فیلم دیگر نیز بر اساس سریال «آخرین پادشاهی» نیز از سوی این پلتفرم عرضه شد و نکته قابل تامل این اثر این است که داستان این فیلم، درباره جنگ میان انگلیسی‌ها و وایکینگ در حدود هزار سال پیش است! نتفلیکس به رسم همیشگی خود، کاراکتر پدر روحانی این فیلم را همجنس‌باز کرد!

عملکرد کمپانی پارامونت

از میان ۲۰ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۵ اثر شامل کاراکترهای همجنس‌گرا بوده و ۴ عنوان نمره قبولی را می‌گیرند.

گلاد نمره ناکافی را به این کمپانی در حالی داده است که آنها در سال گذشته نمره متوسط را دریافت کرده بودند.

عملکرد کمپانی سونی

از میان ۳۱ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۷ اثر شامل کاراکترهای همجنس‌گرا بوده و ۵ عنوان نمره قبولی را می‌گیرند.

گلاد نمره ناکافی را به این کمپانی در حالی داده است که آنها در سال گذشته نیز نمره ناکافی را دریافت کرده بودند.

با اینکه گلاد از حضور یک زوج همجنس‌گرا در فیلم پرفروش «هرکس به جز تو» خرسند است، امامی‌گوید فیلم *Que Viva México*، به ترنس جندرها توهین می‌کند. گویا سندی‌کای انحرافات جنسی، از اینکه اصلاً چنین فیلمی ساخته شده و در آمریکا عرضه شده، بسیار گلایه‌مند است. این نهاد می‌گوید که چنین فیلمی به «ترنس جندرها راسی» دامن می‌زند.

البته گلاد از سونی به علت ساختن فیلمی لا حضور کاراکترهای اقلیت‌های نژادی که همجنس‌گرا، تقدیر کرد. یک از این شاهکارهای

تاریخ سینما، «نسخه ایرانی The Persian Version» با بکارگیری ایرانیان مقیم آمریکا و کانادا بوده است. این محصول با عدم استقبال مخاطبان همراه شد و نمره بسیار ضعیفی را در وبسایت IMDB به خود اختصاص داده است.

ناگفته نماند که امسال فیلمی درباره زیگموند فروید نیز ساخته شده بود، اما به رسم این روزهای هالیوود، دختر این روان‌شناس معروف را همجنس‌باز کردند.

عملکرد کمپانی دیزنی

از میان ۳۷ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۱۴ اثر شامل کاراکترهای همجنس‌گرا بوده و ۹ عنوان نمره قبولی را می‌گیرند.

دیزنی در سال گذشته، لقب منحرف‌ترین کمپانی سرگرمی در جهان را یدک می‌کشید، اما گلدنمره ناکافی را امسال به آنها داده است.

یکی از مشکلات گلداد با محصولات سینمایی دیزنی در سال ۲۰۲۳ این است که این ابرکمپانی، هیچ کاراکتر جدید رنگین‌کمانی را به دنیا معرفی نکرده است. آنها صرفاً از کاراکترهایی که پیشتر همجنس‌گرایی آنها اعلام شده بود، استفاده کرده‌اند.

با توجه به اینکه دیزنی مالک دنیای ابرقهرمانی مارول بوده و مخاطبان دیزنی را با محصولات کودک و نوجوان می‌شناسند، گلداد توقع

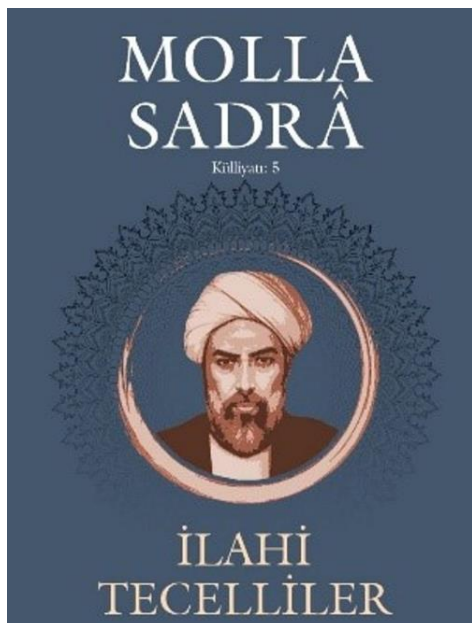
بیشتری را از کمپانی باب آیگر دارد. با این حال چند فیلم از دیزنی که نمره قبولی را دریافت کرده اند، جوایز اسکار ۲۰۲۴ را نیز به خانه برده اند.

عملکرد کمپانی وارنر دیسکاور

از میان ۱۵ فیلمی که این کمپانی در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده است، ۲ اثر شامل کاراکترهای همجنس گرا بوده و ۱ عنوان نمره قبولی را می گیرند. گلدنمره ضعیف را به این کمپانی در حالی داده است که آنها در سال گذشته نیز نمره ناکافی را دریافت کرده بودند.

با توجه به اینکه وارنر یکی از بزرگترین کمپانی های تولید و عرضه محصولات سینمایی در آمریکا است، گلداد از آنها انتظار دارد تا فیلم های رنگین کمانی بیشتری را بسازند.^۱

نگاهی به حضور ملاصدرا در فضای دانشگاهی و نشر ترکیه به مناسبت انتشار ترجمه جلد پنجم اسفار اربعه



بازار کتاب شاهد
انتشار پنجمین جلد از
مجموعه اسفار اربعه
صدرالمتالهین ملاصدرا
شیرازی از سوی
انتشارات لیتراکتاب بود
که توجه جامعه فلسفی
ترکیه را به خود جلب
کرد.

بازار کتاب شاهد
انتشار پنجمین جلد از

مجموعه اسفار اربعه صدرالمتالهین ملاصدرا شیرازی از سوی
انتشارات لیتراکتاب بود که توجه جامعه فلسفی ترکیه را به خود جلب
کرد.

به همین مناسبت در گزارشی به بررسی تاریخچه شناخت جامعه
علمی ترکیه از فلسفه ملاصدرا پرداخته وضعیت ترجمه آثار این
فیلسوف شهیر ایرانی در ترکیه را بررسی کرده و به فرصت‌شناسی فلسفه

صدرایی در تعمیق روابط فرهنگی تمدنی میان ایران و ترکیه توجه خواهیم کرد.

شناخت ترک‌ها از ملاصدرا

سرزمین آناتولی با توجه به تاثیرات که منطقه انطاکیه در حکمت فلسفی متقدم و مکتب قونیه در حکمت فلسفی متاخر جهان اسلام داشته است همواره یکی از کانون‌های قابل توجه مسائل فلسفی به شمار آمده و توانسته است که رد پای قابل توجهی در تاریخ فلسفه، عرفان نظری و مباحث معرفتی در جهان اسلام داشته باشد. آشکارترین نمونه جالب این تاثیرات فلسفی آناتولی در معارف فلسفی جهان اسلام رامی‌توان در آثار فلسفی عرفانی حضرت امام خمینی (ره) مشاهده کرد که تعلیقات فلسفی و عرفان نظری ایشان بر کتابهایی بوده است که نویسندگان و شارحان آنها قیصری (منسوب به شهر قیصریه ترکیه)، قونوی (منسوب به شهر قونیه ترکیه) و بورصوی (منسوب به شهر بورسای ترکیه) بوده‌اند.

این سطح از تاثیری گذار سرزمین آناتولی در تاریخ فلسفه و عرفان نظری جهان اسلام نشان دهنده یک سنت مطالعات فلسفی قابل توجه در این سرزمین می‌تواند باشد. در اوایل دوره عثمانی، مطالعات فلسفی تحت تأثیر فلسفه اسلامی که از دوره‌های عباسی و سلجوقی به ارث رسیده بود، قرار داشت. آثار فیلسوفانی مانند ابن سینا و فارابی به زبان عربی در مدارس عثمانی تدریس می‌شد و فیلسوفانی مانند

قاضی زاده رومی و تاوشان زاده از جمله شخصیت‌هایی بودند که به ترویج فلسفه در این دوره پرداختند. در این دوران، فلسفه به طور عمده در مدارس دینی (مدارس) تدریس می‌شد و به عنوان یکی از علوم عقلانی (عقلیات) در کنار علوم دینی مورد توجه قرار داشت. همین که فیلسوفی همچون ابن فناری که در تاریخ ترکیه مشهور به ملا فناری است از سوی ییلدیرم بایزید، پادشاه عثمانی به عنوان نخستین شیخ الاسلام رسمی دولت عثمانی منصوب می‌شود و یا علی قوشچی از ریاضی و فلسفه دانان شناخته شده عصر خود از سوی سلطان محمد فاتح به عنوان یکی از طراحان برنامه مدرسه صحن ثمان (که در آن دوره یکی از بزرگترین مراکز علمی جهان به شمار می‌رفت) منصوب می‌شود همگی نشان‌دهنده اهمیت مطالعات فلسفی در سنت علمی روزگار متقدم عثمانی دارد.

البته این سیر توجه به معارف فلسفی در دولت عثمانی از قرن ۱۶ میلادی به بعد با جدی‌تر شدن مساله ایجاد بنیان‌های ایدئولوژیک برای حاکمیت و درگیری‌های مذهبی در جهان اسلام رو به کاستی گذاشت. در این دوره اگرچه فلسفه همچنان در مدارس دینی و توسط علمای دینی تدریس می‌شد، اما همزمان با قدرت‌گیری متکلمین فلسفه با مقاومت‌هایی روبرو شده برخی از علما و صوفیان فلسفه را به دلیل تأثیرات احتمالی آن بر عقاید اسلامی مورد انتقاد قرار می‌دادند. با این حال، فیلسوفانی مانند کاتب چلبی به مطالعه و ترویج فلسفه ادامه

دادند. در این دوره ترجمه و شرح آثار فلسفی به ترکی رواج قابل توجهی می‌گیرد.

این وضعیت با فرارسیدن قرن‌های ۱۸ و ۱۹ مانند بسیاری از جوانب اجتماعی و فکری جامعه عثمانی به انحطاط رسیده دوره افول کامل مطالعات فلسفی در امپراتوری عثمانی تجربه شد. این افول به دلایل متعددی از جمله کاهش نفوذ فلسفه در مدارس دینی، افزایش نفوذ افکار صوفیانه و مذهب محور که نسبت به فلسفه رویکردی انتقادی داشتند، و نیز کاهش ارتباطات علمی با جهان اسلام رخ داد. در این دوره، فلسفه بیشتر به عنوان یک دانش حاشیه‌ای در مدارس دینی مورد مطالعه قرار می‌گرفت و علاقه به علوم نقلی بیشتر شد. در ادامه این افول علوم فلسفی و حکمی اسلامی، در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، امپراتوری عثمانی تحت تأثیر جریان‌های فکری مدرن از غرب قرار گرفت. این جریان‌ها که با ایده‌های روشنگری، سکولاریسم و علم‌گرایی همراه بودند، بر فلسفه نیز تأثیر گذاشتند. در این دوره، برخی از روشنفکران عثمانی به مطالعه فلسفه غربی و تطبیق آن با شرایط عثمانی روی آوردند. به این ترتیب به ویژه با برآمدن دوره جمهوریت فلسفه اسلامی به کلی از میدان علمی ترکیه اخراج و به جای آن فلسفه ممحض در فلسفه غربی شد.

در دوره جمهوریت از میانه دهه ۵۰ به این سو و به ویژه پس از آغاز جنگ سرد و تبدیل شدن ترکیه به عنوان خط مقدم رویارویی بلوک شرق و غرب برای در امان ماندن از هجوم جریان‌ات کمونیستی دولت ترکیه به

سمت باز کردن میدان برای معارف اسلامی و به ویژه حوزه فلسفه اسلامی حرکت کرد. به این ترتیب در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، با تغییرات سیاسی و اجتماعی در ترکیه، فضای بازتری برای مطالعات فلسفه اسلامی ایجاد شد. برخی از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی شروع به تدریس فلسفه اسلامی کردند و پژوهشگران به تدریج توانستند آثار فیلسوفان اسلامی مانند ابن سینا، فارابی و ملاصدرا را مورد مطالعه قرار دهند. در این دوران، پژوهش‌هایی در زمینه فلسفه اسلامی منتشر شد و برخی از متفکران تلاش کردند تا فلسفه اسلامی را با نیازهای مدرن ترکیه تطبیق دهند. (پرفسور حلمی ضیاء اولکن را می‌توان از شناخته شده‌ترین افراد این جریان معرفی کرد).

از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، با افزایش علاقه به هویت اسلامی و بازگشت به ریشه‌های دینی در جامعه ترکیه، مطالعات فلسفه اسلامی نیز رونق گرفت. دانشگاه‌ها شروع به تأسیس رشته‌های مرتبط با فلسفه اسلامی کردند. در این دوره، آثار کلاسیک فلسفه اسلامی ترجمه و منتشر شد، و متفکران ترک به بررسی تطبیقی فلسفه اسلامی و فلسفه غربی پرداختند. (نمونه این مساله را در مجموعه آثار کلاسیک‌های شرق و غرب حسن عالی یوجل که با بودجه بانک «ایش» منتشر شد و هنوز هم ادامه دارد می‌توان مشاهده کرد).

در ۳ دهه اخیر، با افزایش توجه به مطالعات اسلامی و گسترش نهادهای علمی و دانشگاهی، مطالعات فلسفه اسلامی در ترکیه رونق

بیشتری پیدا کرده است. دانشگاه‌های ترکیه اکنون برنامه‌های آموزشی و پژوهشی گسترده‌ای در زمینه فلسفه اسلامی ارائه می‌دهند.



پژوهشگران معاصر به بررسی اندیشه‌های فیلسوفان اسلامی در زمینه‌های مختلف مانند اخلاق، متافیزیک و معرفت‌شناسی پرداخته‌اند. آثار متفکران اسلامی به زبان ترکی ترجمه و منتشر شده است و سمینارها و کنفرانس‌های علمی متعددی در این زمینه برگزار می‌شود.

طبیعتا از جمله افرادی که در همه این سالها مورد توجه جامعه اکادمیک ترک قرار گرفته است ملاصدراى شیرازی است. ملاصدرا به دلیل توفیقى که در جمع میان شئون متفاوت فلسفى-عرفانى داشته با ذائقه فلسفى آناتولى که مبتنى بر عرفان نظرى و مباحث حکمى مبتنى بر آن بوده توانست که خيلى زود توجه ها را به خود جلب کند. يکى از نخستين پژوهشگرانى که در دوره جمهوريت به فلسفه اسلامى و طبيعتا ملاصدرا توجه نشان داد، حلمى ضيا اولکن بود. او در آثار خود به بررسى تطبیقى بين فلسفه اسلامى و فلسفه غربى پرداخت و به ویژه به نظريات ملاصدرا اشاره کرد. حلمى ضيا اولکن نخستين پژوهشگر فلسفه ترک است که توجه ویژه اى به ملاصدرا نشان داده و توضیح قابل توجه و مبسوطى از آثار و اندیشه هاى ملاصدرا را برای نخستين بار در کتاب فلسفه اسلامى خود (چاپ نخست ۱۹۶۷) ارائه کرده است. او در توضیح ۲۰ صفحه اى خود در مورد ملاصدرا معتقد است که «يکى از ویژگی هاى ملاصدرا اين است که وى توانسته است نقاط قوت علم کلام، فلسفه طبيعى و برهان هاى مشائى را با يکديگر ترکیب کند و ارتباط اين ها را با دیدگاه هاى عرفانى مشخص کند و سپس همه اين ها را بر پايه اصول اشراقى قرار دهد. از اين رو، فارغ از سنجش ميزان موفقيت او، مى توان گفت که فلسفه او آخرين ترکیب بزرگ در فلسفه اسلامى است.»

با توجه به استنادات اولکن و نیز شناخت عمیق و به روزى که او از ادبيات فلسفى به زبان فرانسوى داشت مى توان ادعا کرد که او از طريق

آثار هانری کربن با فلسفه صدرایی آشنا شده و سطح دریافت او از حکمت متعالیه و زاویه دید او متأثر از دیدگاه‌های کربن بوده است. او در بخشی از کتاب خود تاکید می‌کند که آینده فلسفه در ایران نمیتواند بدون توجه و فارغ از تأثیرات فلسفی صدرایی باشد.

پس از این توجه حلمی ضیا اولکن توجه پژوهشگران ترک به فلسفه صدرایی با کتابهای تاریخ فلسفه کسانی چون محمد بایراکتار و احسان فاضلی او غلو جلب می‌شود. به عنوان مثال بایراکتار از آنجا که متخصص تاریخ فلسفه است تلاش قابل توجهی برای نشان دادن تأثیرات کسانی چون داود قیصری بر فلسفه ملاصدرا به خرج می‌دهد. او ملاصدرا را به عنوان یکی از فیلسوفان نوآور که تأثیرات مهمی بر فلسفه اسلامی داشته است، مورد بررسی قرار داده تلاش می‌کند از او به عنوان چهره‌ای موفق در مزج مکاتب فلسفی مختلف تاریخ فلسفه اسلامی معرفی کند.

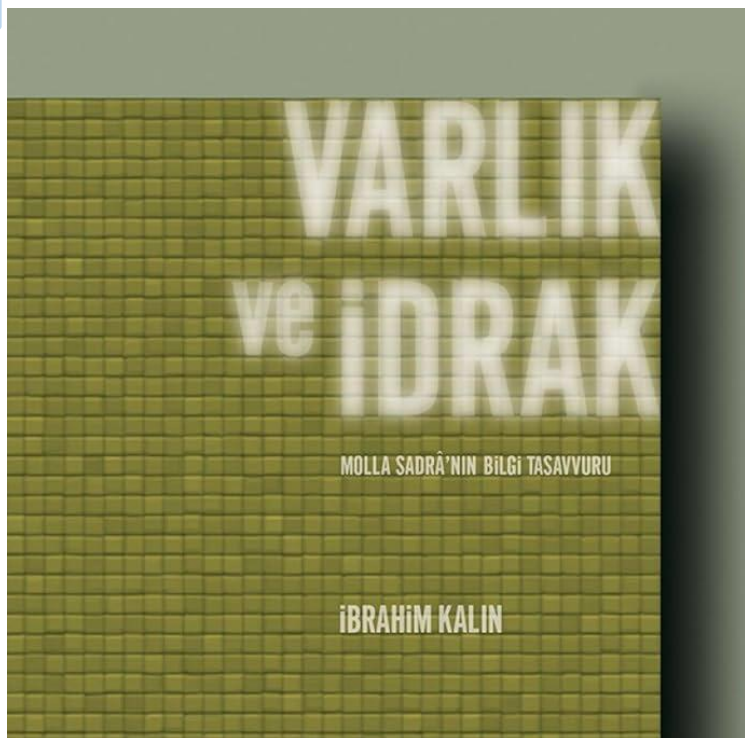
این معرفی‌های کلی از فلسفه صدرایی در کتابهای تاریخ فلسفه نهایتاً تأثیر خود را در جامعه علمی ترکیه گذاشته و پژوهشگران دانشگاهی و متخصصین حوزه فلسفه را به سمت توجه جدی‌تر به فلسفه صدرایی سوق می‌دهد.

نخستین رساله دانشگاهی‌ای که به صورت تخصصی در مورد ملاصدرا نوشته شده است در سال ۱۹۹۲ با عنوان «مفهوم علم در نزد ملاصدرا» به عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه مرمره استانبول مورد دفاع قرار گرفته است. پس از این پایان نامه شاهد یک

دوره سکوت در مورد فلسفه صدرایی در دانشگاه‌های ترکیه هستیم که پس از این دوره به یکباره از اواخر دهه ۲۰۰۰ تاکنون چندین رساله و دهها مقاله علمی پژوهشی در مورد فلسفه صدرایی هستیم.

با توجه به اهمیتی که از باب پیشینه پژوهی مطالعات صدرایی در ترکیه می‌تواند داشته باشد بر اساس داده‌های مرکز جامع وزارت تحصیلا عالی ترکیه رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری که به صورت تخصصی در مورد ملاصدرا نوشته شده‌اند بر اساس ترتیب تاریخی به شرح زیر است: مفهوم علم در نزد ملاصدرا (۱۹۹۲، کارشناسی ارشد)، مساله وجود و ماهیت در فلسفه وجودشناختی ملاصدرا (۲۰۰۸، کارشناسی ارشد)، مساله روح در فلسفه ملاصدرا (۲۰۱۳، کارشناسی ارشد)، خلقت و معاد در اندیشه ملاصدرا (۲۰۱۶، کارشناسی ارشد)، فهم قرآن در نزد ملاصدرا (۲۰۱۸، دکتری)، نظریه علیت ملاصدرا (۲۰۱۸، دکتری)، فلسفه نفس نزد ملاصدرا (۲۰۱۹، کارشناسی ارشد)، مساله ادراک در فلسفه ملاصدرا (۲۰۲۱، دکتری)، بررسی مفهوم خداوند در فلسفه ملاصدرا با تمرکز بر عرفان (۲۰۲۳، کارشناسی ارشد).

رساله‌های فوق تنها رساله‌هایی است که به صورت اختصاصی در مورد ملاصدرا نوشته شده است و بی‌شک دهها رساله که در بخشی از آنها به مناسبت موضوع اصلی رساله به تشریح دیدگاه ملاصدرا نیز پرداخته شده است می‌توان دست یافت.



به هنگام بررسی چگونگی توجه به فلسفه ملاصدرا در محیط آکادمیک ترکیه می‌توان متوجه این مساله شد که مقالات ابراهیم کالین (سخنگوی سابق ریاست جمهوری ترکیه و رئیس فعلی سازمان امنیت ترکیه) نقش عمده‌ای در جلب توجه فضای آکادمیک ترکیه به فلسفه صدرایی داشته است. به طوری که به هنگام بررسی مقالات آکادمیک منتشر شده اختصاصی در مورد ملاصدرا دو مقاله نخست که در فضای علمی ترکیه در مورد ملاصدرا منتشر شده است هر دو از ابراهیم کالین در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ با عناوین «Mulla Sadra's Realist Ontology of

«the Intelligibles and Theory of Knowledge» (هستی‌شناسی
 واقع‌گرایانه ملاصدرا درباره معقولات و نظریه معرفت) و «Why Do
 Animals Eat Other Animals? Mulla Sadra on Theodicy and the
 Best of All Possible Worlds» (چرا حیوانات یکدیگر را می‌خورند؟ نظر
 ملاصدرا درباره مسئله شر و نظام احسن) است. کالین علاوه بر این
 مقالات خود که بر اساس داده‌های بانک جامع مقالات آکادمیک ترکیه
 نخستین مقالات دانشگاهی تخصصی در حوزه فلسفه صدرایی به
 شمار می‌آیند با کتاب تخصصی «هستی و ادراک: تصور علم در نزد
 ملاصدرا» (Varlık ve İdrak: Molla Sadranın Bilgi Tasavvuru) یکی
 از تاثیرگذارترین کتابهای حوزه مطالعات صدرایی را در سال ۲۰۱۵ در
 ترکیه منتشر می‌کند. البته این کتاب تنها اثری که او به ملاصدرا اشاره
 کرده است نبوده و او در کتاب «عقل و فضیلت: تصور اجتماعی ترکیه»
 (Akıl ve Erdem; Türkiye'nin Toplumsal Muhayyilesi) ملاصدرا را
 به عنوان یکی از برجسته‌ترین فیلسوفان اسلامی که توانسته است
 عقل و وحی را در یک نظام فلسفی واحد ترکیب کند، مورد بررسی قرار
 می‌دهد. او به تأثیرات عمیق ملاصدرا بر فلسفه اسلامی و تلاش او برای
 ایجاد یک نظام معرفتی که هم عقل و هم وحی را در بر می‌گیرد، می‌پردازد.
 او همچنین در کتاب تاریخی تحلیلی جذاب «من، دیگری و فراتر:
 مقدمه‌ای بر تاریخ روابط اسلام و غرب» خود که به بررسی تاریخ روابط
 تمدنی اسلام و غرب می‌پردازد با نظر به موضوع تعامل میان فلسفه
 اسلامی و فلسفه غربی ملاصدرا را به عنوان یکی از فیلسوفانی که

توانسته است درک عمیقی از وجود و معرفت ارائه دهد، مورد بحث قرار می‌دهد. او به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه اندیشه‌های ملاصدرا می‌تواند پل ارتباطی بین سنت فلسفی اسلامی و فلسفه مدرن غربی باشد.

در ارزیابی تأثیری که کالین بر فضای مطالعات صدرایی در ترکیه گذاشت می‌توان گفت که اگرچه او به طور مستقیم آثار ملاصدرا را ترجمه نکرده است، اما از طریق تفسیر و شرح مفاهیم فلسفی ملاصدرا در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود، به فهم بهتر این اندیشه‌ها در ترکیه کمک کرده است. او به عنوان یکی از مشاوران ارشد رئیس‌جمهور ترکیه و سخنگوی ریاست جمهوری، تأثیر زیادی در شکل‌دهی به سیاست‌های فرهنگی و آموزشی ترکیه داشته با حمایت از برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مرتبط با فلسفه اسلامی، به ویژه در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی، به ترویج اندیشه‌های فیلسوفانی مانند ملاصدرا کمک کرده است. او نوع نگاه فلسفی خود را در تئوری‌پردازی‌های سیاسی نیز وارد کرده و در یک سخنرانی خود روابط دیپلماتیک ایران و ترکیه را مبتنی بر نظریه حرکت جوهری ملاصدرا تشریح کرد.

ترجمه آثار ملاصدرا به ترکی

پس از جلب توجهی که به فلسفه صدرایی در محیط فکری فلسفی ترکیه انجام شد طبیعی بود که بازار نشر این کشور نسبت به میراث علمی ملاصدرا واکنش نشان دهد. از این رواز دهه ۲۰۱۰ به این سوشاهد

هم انتشار آثار پژوهشی قابل توجه در مورد ملاصدرا و هم شاهد نشر ترجمه آثار ملاصدرا به ترکی هستیم.

از جمله شخصیت‌های تاثیرگذار در این حوزه دکتر فوزی بیغیت (Fevzi Yiğit) است که علاوه بر آثار پژوهشی در حوزه صدرایی تعداد قابل توجهی از آثار ملاصدرا را تحت عنوان مجموعه آثار ملاصدرا به ترکی ترجمه کرد. کتابهای مهمی همچون اکسیر العارفین فی معرفه طریق الحق و الیقین، کسر اصنام الجاهلیه فی ذم المتصوفه، ایقاظ النائمین، حکمت عرشیه، و المظاهر الالهیه فی اسرار علوم الکمالیه از جمله کتابهایی هستند که در قالب مجموعه آثار ملاصدرا بین سالهای ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ با ترجمه دکتر فوزی بیغیت منتشر شده و تعدادی از آنها به چاپ‌های متعدد رسیده‌اند. کارنامه بیغیت علاوه بر آثار پژوهشی‌اش در حوزه ترجمه از آن جهت که امکان دسترسی مستقیم پژوهشگران ترک به آثار ملاصدرا به ویژه در حوزه‌های مختلف را فراهم آورده است قابل تقدیر و دارای تاثیری تاریخی است.

به موازات این ترجمه‌ها انتشارات لیترا کتاب استانبول در پروژه‌ای مهم تحت ویراستاری پروفسور شامل اوچال (Şamil Öçal) که از پژوهشگران تاریخ فلسفه و علم شناخته شده ترک (رایزن علمی فعلی ترکیه در نیویورک) به شمار می‌آید اقدام به انتشار ترجمه کتاب اسفار اربعه کرد. این مجموعه که جلد نخست آن سال گذشته میلادی منتشر شده است با حضور مترجمین مختلف تحت نظارت و ویراستاری علمی

او چال مدیریت می‌شود هم اکنون به جلد پنجم خود که اختصاص به سفر بالحق فی الحق دارد در ۷۷۶ صفحه منتشر شده است.

در جلد نخست ۸۱۰ صفحه این مجموعه ویراستار مجموعه به شرح کاملی از زندگی ملاصدرا و اهمیت او در تاریخ فلسفه اسلامی و پس از آن اهمیت کلیدی کتاب اسفار اربعه در مطالعات فلسفه و معارف اسلامی می‌پردازد که به جهت در برگرفتن جزئیاتی در مورد مسائلی همچون نسخه‌شناسی کتاب و جزئیات فلسفی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

علاوه بر این آثار ترجمه شده، کتاب‌های پژوهشی و توصیفی مختلفی از پژوهشگران ترک در مورد فلسفه متعالیه در بازار کتاب موجود است.^۱

۵۰ شخصیت یهودی تأثیرگذار در سراسر جهان

روزنامه جروزالم پست فهرستی از ۵۰ شخصیت یهودی را منتشر کرد که آنها را «بانفوذترین» در میان تمام یهودیان، چه در اسرائیل و چه در سراسر جهان توصیف کرد. در رأس این فهرست، همسر کامالا هریس، معاون رئیس جمهور ایالات متحده و نامزد ریاست جمهوری حزب دموکرات قرار دارد. این فهرست همچنین شامل چهره‌های مشهور بین‌المللی در زمینه‌های رسانه‌ای، سیاسی و غیره است.



اول: وکیل آمریکایی داگ امهف، شوهر معاون رئیس جمهور جو بایدن، کامالا هریس.

امهف به عنوان مدافع جدی یهودیان، از زمان آغاز به کار هریس در سمت معاونت رئیس جمهور، به مقابله با «یهودی هراسی» پرداخته و نقش موثری در رهبری «برنامه ملی مبارزه با یهودی هراسی» در دولت بایدن ایفا کرده است.

اگر کامالا هریس در انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیروز شود، داگ امهف ممکن است نقش قابل توجهی به عنوان همسر رئیس جمهور ایفا کند. انتظار می رود او به عنوان یک نماد فرهنگی و اجتماعی فعالیت کند و همچنین در مسائل مربوط به یهودیان و مبارزه با یهودی هراسی تأثیرگذار باشد.

دوم: جاش شاپیرو، فرماندار پنسیلوانیا.

سوم: بیل آکمن، میلیاردر آمریکایی که با یهودستیزی در دانشگاه‌ها مبارزه می‌کند.

چهارم: آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا.

پنجم: بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، که روزنامه جروزالم پست او را «منزوی و گریزان از مسئولیت» توصیف کرد.

ایتامار بن گویر، که این روزنامه نوشت وی در حال تغییر شکل امنیت اسرائیل از خوب به بد است و پس از آن دیوید بارنیا، مدیر موساد و یوآو گالانت، وزیر دفاع پس از آن قرار گرفتند.

کلودیا شینباوم، رئیس جمهور مکزیک در جایگاه دوازدهم و رئیس جمهور اسرائیل، آیزاک هرتزوغ، در رتبه چهاردهم قرار گرفت و پس از آن، رئیس ستاد ارتش، هرتزی هالیوی و سپس وزیر دارایی، بزلال اسموتریچ قرار گرفتند.

این روزنامه اسرائیلی در جایگاه نوزدهم رتبه بار، مدیر اطلاعات داخلی (شین بت) را قرار داد و جایگاه بیستم را به اریک فینگرهوت که میلیون‌ها دلار برای شهرهایی تحت تأثیر عملیات طوفان الاقصی جمع آوری کرد، اختصاص داد.

ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، که روزنامه جروزالم پست او را «نمونه‌ای از دموکراسی» توصیف کرد، در رتبه ۲۲ قرار گرفت.

در جایگاه بیست و سوم، لری آلیسون، پیمانکار، و امیریرون، که مسئول تضمین ثبات اقتصاد اسرائیل است، در جایگاه بیست و ششم قرار گرفت. مارک زاکربرگ، مالک متا، فیس بوک و واتس اپ، در جایگاه بیست و هشتم قرار گرفت و این روزنامه اورانمادی از موفقیت کارآفرینی یهودیان توصیف کرد و در جایگاه ۳۳ آسف کوچان که به شکل گیری کل صحنه جنگ سایبری در اسرائیل کمک کرد، قرار گرفت.

سرولیک آینهورن در رتبه ۴۲ و ویکتوریا استارمر، همسر نخست وزیر بریتانیا، در جایگاه بعدی قرار دارد.

در جایگاه چهل و پنجم، دنی دانون، دیپلماتی که از اسرائیل در شورای امنیت سازمان ملل متحد دفاع می کرد، قرار گرفت و جایگاه چهل و هفتم رادانیل هایموویچ، رئیس دانشگاه بن گوریون در نقف به خود اختصاص داد.

این روزنامه گروهی را در انتهای فهرست انتخاب کرد که شامل دخترانی فعال در صنعت مدل هستند و می گوید که آنها با جذابیت خود از اسرائیل دفاع کرده اند.^۱